

مجموعه
لغات منتخبه از آثار امری
بزبانهای فارسی، عربی و انگلیسی

تهیه و تنظیم
حامد اشراقیان

۱۵۷ بدیع - ۲۰۰۰ میلادی

ISBN 1-896193-34-X

مؤسسه معارف بهائی

P.O. Box 65600 Dundas, Ontario, L9H 6Y6 Canada

مقدمه

این لغتنامه کوچک حاوی بیش از ۲۲۰۰ لغت فارسی و عربی مصطلح در آثار امری با ترجمه انگلیسی آنها است. در اینجا منظور از ترجمه انگلیسی معانی متعددی نیست که در فرهنگهای مختلف فارسی به انگلیسی با عربی به انگلیسی بدست داده شده، بلکه مقصود آن لغت یا عبارتی است که در ترجمه انگلیسی یک کتاب یا لوح برای لغت اصلی بکار برده شده است. از مزایای این روش، یعنی استخراج متانی لغات از ترجمه انگلیسی کتب، بجای مراجعه به فرهنگها، آنست که دیگران نیز از تحقیقات وسیع مترجمین در انتخاب معادل مناسب بهره مند میشوند و بخصوص از شیوه ترجمه حضرت ولی عزیز امرا که در حقیقت سرمشقی برای دیگران است استفاده می کنند. این روش پیدا کردن ترجمه کامل عبارات مصطلح امری را، که یافتن آنها در فرهنگها مشکل بلکه غیر ممکن است، تسهیل می کند؛ در عین حال سعی شده است ترجمه اینگونه عبارات هم در این لغتنامه وارد گردد.

در تهیه این لغتنامه از تعداد محدودی از آثار امری، که اکثر آنها را حضرت ولی امرا ترجمه فرموده اند، استفاده شده. معذک امید است که این مجموعه در مطالعه و استفاده از آثار و الواح دیگر هم مفید واقع شود.

این لغتنامه از دو بخش تشکیل یافته: در بخش اول لغات بترتیب الفبای فارسی و در بخش دوم بترتیب الفبای انگلیسی نوشته شده است.

پیش از استفاده از این مجموعه لطفاً به نکات مهم ذیل توجه فرمائید:

۱ - مآخذ لغات به صورت دو شماره ذکر شده است، مثلاً:

3:216 detachment

۲:۵۶ انقطاع

در این مثال کلمه انقطاع از صفحه ۵۶ کتاب شماره ۲ فارسی و کلمه detachment از صفحه ۲۱۶ کتاب شماره ۳ انگلیسی استخراج شده است. این شماره ها و فهرست مآخذی که مورد مطالعه قرار گرفته در صفحات بعد ذکر شده است.

۲ - یک لغت معمولاً معادل های متعدّد در زبانهای دیگر دارد و هنگام ترجمه یکی از آنها به مقتضای محلّ بکار میرود. باین ترتیب، در مثال قبل کلمه detachment فقط یکی از معادل های کلمه انقطاع است، و لغت renunciation نیز بکار برده شده است.

۳ - بعضی از معانی فارسی و همچنین جمع، مفرد، مذکر، و مؤنث اکثر لغات عربی ذکر شده است. نام فرهنگهایی که مورد مراجعه قرار گرفته در یکی از صفحات بعد داده شده است.

۴ - چنانکه در مثال ذیل دیده میشود، افعال عربی بصورت سوم شخص مذکر در زمان گذشته نوشته شده و مضارع آنها هم در مقابل ذکر گردیده است. افعال فارسی و انگلیسی بصورت مصدر ذکر شده است:

۴:۲۹ اِبْتَسَمَ (يَبْتَسِمُ): لبخند زدن
4:38 smile, to

۵ - لغات عربی با اعراب نوشته شده اند تا بطور صحیح تلفظ گردند.

۶ - در مواردی که لغت فارسی یا عربی از نظر گرامر با معادل انگلیسی خود یکسان نیست، یکی از آن دو تغییر داده شده تا لغت و ترجمه آن از این نظر یکسان باشند. مثلاً ترجمه کلمه اِدبار، که در صرف و نحو عربی اسم شناخته میشود، rejection انتخاب شده و نه to reject که در مآخذ بکار رفته است.

۷ - در قسمت انگلیسی به فارسی، عبارات انگلیسی از قبیل the Center of the Covenant بصورت Covenant, the Center of the Covenant نوشته شده اند تا مثلاً این عبارت را بتوان در ردیف کلمه Covenant پیدا کرد. ولی عباراتی که خود دارای حرف comma هستند در بین دو ("double quote") نوشته شده اند و باید به همین ترتیب خوانده شوند. مانند مثال زیر:

۴۷۸: ه لا وَاَلله
5:20 "nay, by the righteousness of the Lord!"

در پایان این مقدمه لازم میدانم از آقایان دکتر جلیل محمودی، دکتر وحید رافتی، دکتر منوچهر درخشانی و مهندس فرهاد هلاکویی که مرا در تدوین و انتشار این مجموعه تشویق و مساعدت فرموده اند تشکر کنم. بعلاوه از آقای دکتر سیروس توفیق که پیشنهادهای اصلاحی شانرا با مسرت بکار بسته ام و از آقای ضیاءالله عرفانیان که عنوان کتاب را با خط زیبا نوشته اند بینهایت ممنونم. همسرم سارا نیز مرا در تکمیل این مجموعه بکمال مهربانی همراهی نموده است.

حامد اشراقیان
ماساچوست، آمریکا
۱۴۶ بدیع - ۱۹۸۹ میلادی

فهرست مأخذ فارسی و عربی

در این فهرست نام کتبی که مورد استفاده قرار گرفته در مقابل شماره مخصوص خود آمده است؛ در مورد کتبی که فقط از قسمتهایی از آن استفاده شده، نام الواح و صفحه آنها ذکر شده است.

۱ - کلمات مکنونه (فارسی و عربی)، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع.

۲ - ابواب الملكوت، منتخبات من الآثار المباركة، جمعها عبدالحمید اشراق خاوری، دارالبدیع للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان، ۱۹۷۵.

صلوات کبیر، ص ۱ - ۶

وضو، ص ۶

صلوات وسطی، ص ۶ - ۸

صلوات صغیر، ص ۸

لوح صیام، ص ۹ - ۱۴

لوح ایام هاء، ص ۲۰

زیارتنامه حضرت بهاءالله، ص ۴۵ - ۴۷

لوح احمد عربی، ص ۵۲ - ۵۴

لوح احتراق، ص ۵۵ - ۵۸

مناجات قبل از خواب، ص ۵۹

مناجات قبل از خواب، ص ۵۹ - ۶۰

مناجات صبح، ص ۶۱

مناجات صبح، ص ۶۲

مناجات قبل از خروج از بیت، ص ۶۴

زیارتنامه حضرت عبدالبهاء، ص ۶۵ - ۶۶

۳ - ادعیه حضرت محبوب، چاپ مصر، سنه ۱۳۳۹ هجری.

لوح صیام، ص ۱۱۵ - ۱۲۱

لوح صیام، ص ۱۲۱ - ۱۳۱

لوح نوروز، ص ۱۳۸ - ۱۴۱

- ۴ - لوح ابن ذئب، خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، سنه ۱۱۹ بدیع.
- ۵ - رساله ایام تسعه، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری.
- الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، ص ۴۵۶ - ۴۸۴
- ۶ - کتاب مستطاب ایقان، طبع مصر، سنه ۱۳۱۸ هجری، سنه ۱۹۰۰ میلادی.

فهرست فرهنگهایی که مورد مراجعه قرار گرفته

فرهنگ لغات منتخبه (۱۹ هزار لغت)، تألیف دکتر ریاض قدیمی، ۱۴۳ بدیع، ۱۹۸۶ میلادی.

شش هزار لغت، دکتر ریاض قدیمی و احسان الله همت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع.

فرهنگ عربی به انگلیسی Wehr-Cowan، ۱۹۷۶ میلادی.

فرهنگ انگلیسی به انگلیسی Webster، ۱۹۷۴ میلادی.

فارسی به انگلیسی

PERSIAN/ARABIC TO ENGLISH

« آ »

2:131	fathers	آباء (مفرد: آب): پدرها، اجداد	۲: ۵۴
5: 12	rebelliousness	إِباء: سرپیچی	۵: ۴۶۷
4: 38	to smile	أَبْتَسَمَ (يَبْتَسِمُ) لبخند زدن	۴: ۲۹
5: 20	avoidance	إِبتِعاد: دوری کردن	۵: ۴۷۷
2:135	creation	إِبداع: جهان آفرینش	۲: ۴۶
1: 16	imperishable: immortal	أَبَدِي	۱: ۱۷
1: 24	the righteous	أَبْرار (مفرد: بَرّ): نیکان	۱: ۲۵
4:147	needle	إِبْرَة: سوزن	۴: ۱۰۹
2:125	to keep back	أَبْعَدَ (يُبْعِدُ): دور کردن	۲: ۴
2:164	to remove	أَبْعَدَ (يُبْعِدُ): دور کردن	۳: ۱۲۶
2:121	son	إِبْن (جمع: أبناء): پسر	۲: ۱
4: 41	Moses	إِبْنِ عِمْران: حضرت موسیٰ	۴: ۳۲
4: 61	edifices	أَبْنِيَة (مفرد: بِناء): ساختمانها	۴: ۴۵
2:133	most effulgent	أَبْهَى: روشن تر (ین)	۲: ۴۵
2:120	all glorious	أَبْهَى: روشن تر (ین)	۲: ۱
2:174	pursuance	إِتِّباع: پیروی کردن	۲: ۱۰
2:130	to be obedient	أَتَّبَعَ (يَتَّبِعُ): اطاعت کردن	۲: ۵۳
2:130	to choose	أَتَّخَذَ (يَتَّخِذُ): اختیار کردن	۲: ۵۳
2:181	perfection	اتِّقان: کمال	۲: ۱۳
2:163	hills	أَتْلال (مفرد: تَلّ): تپه ها	۳: ۱۲۴
5: 7	more complete	أَتَمّ: کامل تر (ین)	۵: ۴۶۱
2:118	to come	أَتَى (يَأْتِي): آمدن	۲: ۷
4: 82	to vindicate: to prove	أَثْبَتَ (يُثْبِتُ): ثابت کردن	۴: ۶۱
1: 53	fruits	أَثْمار (مفرد: ثَمَر): میوه ها	۱: ۶۷
2:130	to bring forth	أَثْمَرَ (يُثْمِرُ): ثمر بخشیدن	۲: ۵۳
4: 71	sinner	أَثِيم: گناهکار	۴: ۵۳
4: 57	to answer	أَجابَ (يُجِيبُ): پاسخ دادن	۴: ۴۲
2:125	trespasses	اجْتِراحات: گناهان	۲: ۴

4: 54	to eschew: to avoid	اجْتَنَّبَ (يَجْتَنِبُ): دوری جستن	٤: ٤١
5: 26	false interpretation	اجْتِهَاد: قضاوت	٥: ٤٨٤
6: 82	judgment	اجْتِهَاد: قضاوت	٦: ٦٩
5: 3	to kindle	أَجَّجَ (يُؤَجِّجُ): برافروختن	٥: ٤٥٧
4:133	graves	أَجْدَاثُ (مفرد: جَدَثُ): قبرها	٤: ٩٨
6: 22	meed: recompense or reward	أَجْر (جمع: أَجُور): پاداش، عوض	٦: ١٩
2:159	recompense	أَجْر (جمع: أَجُور): پاداش، عوض	٢: ٢٠
2:132	reward	أَجْر (جمع: أَجُور): پاداش، عوض	٢: ٥٤
2:174	glory	اجلال: جلال	٢: ٩
4: 94	wings	أَجْنِحَة (مفرد: جَنَاح): بالها	٤: ٦٩
4: 91	traditions	أَحَادِيثُ (مفرد: حَدِيثُ)	٤: ٦٧
2:169	to embrace	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	٣: ١١٥
2:121	to encompass: to surround	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	٢: ٢
3:215	to envelop	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	٢: ٥٥
6: 10	to besiege: to surround, close in on	احاطه نمودن	٦: ٩
5: 7	loved ones of God	أَحِبَّاءِ رَبَّانِي	٥: ٤٦١
2:131	loved ones	أَحِبَّاءُ (مفرد: حَبِيبُ): دوستان	٢: ٥٣
6: 5	vehement opposition	احتجاج: مجادله کردن	٦: ٤
3:214	to be consumed by fire	أَحْتَرَقَ (يُحْتَرِقُ): سوختن	٢: ٥٥
4:161	stones	أَحْجَارُ (مفرد: حَجَرُ): سنگ ها	٤: ١٢٠
4: 61	most veiled	أَحْجَبُ: غافلتر (ین)	٤: ٤٥
4: 29	sharper	أَحَدٌ: تیزتر (ین)	٤: ٢٣
5: 17	to beset: to surround	أَحَدَقَ (يُحَدِّقُ): احاطه کردن	٥: ٤٧٢
1: 29	divine	أَحَدِيَّةُ: الهی	١: ٣٢
1: 44	the righteous	أَحْرَارُ (مفرد: حُرٌّ): آزادگان	١: ٥٤
6: 71	garb of pilgrimage	احرام: لباس طواف	٦: ٥٩
2:126	to consume: to burn	أَحْرَقَ (يُحْرِقُ): سوزاندن	٢: ٤
3:215	sorrows	أَحْزَانُ (مفرد: حُزْنُ): غصه ها	٢: ٥٥
4: 40	most contemptible	أَحْقَرُ: حقیرتر (ین)	٤: ٣١
2:158	precepts	أَحْكَامُ (مفرد: حُكْمُ)	٢: ٢٠

2:169	commandments	أحكام (مفرد: حُكْم)	۳: ۱۱۵
2:161	most sweet	أحلى: شیرین تر (ین)	۳: ۱۲۲
4: 21	to revive	أحیا (یحیی): زنده کردن	۴: ۱۷
5: 8	brother	أخ (جمع: اخوان): برادر	۵: ۴۶۳
5: 7	more wicked	أخبث: خبیث تر (ین)	۵: ۴۶۱
2:129	to inform	أخبر (یُخبر): خبر کردن	۲: ۵۲
2:159	to choose	أختار (یُختار): بر گزیدن، انتخاب کردن	۲: ۲۰
2:169	to endow	أختص (یُختص): برجسته و ممتاز کردن	۳: ۱۱۵
2:175	to single out	أختص (یُختص): جدا کردن، برجسته کردن	۲: ۱۰
1: 3	brevity	إختصار	۱: ۱
5: 19	discord	اختلاف	۵: ۴۷۶
4: 20	apprehension: capture, arrest	أخذ: دستگیری، گرفتن	۴: ۱۵
5: 18	to requite: to avenge, to punish	أخذ (یؤخذ): تنبیه کردن	۵: ۴۷۵
5: 14	to expel	أخرج کردن	۵: ۴۷۱
4:157	mute	أخرس: لال، گنگ	۴: ۱۱۶
2:136	the world to come	آخرة	۲: ۴۷
4: 74	upright conduct	أخلاق مرضیه	۴: ۵۵
6: 41	the godly	أخيار (مفرد: خیر): نیکان	۶: ۳۴
4:108	to perpetuate	أدام (یدیم): جاودانی و ابدی کردن	۴: ۷۹
4: 29	upright conduct	أدب (جمع: آداب)	۴: ۲۳
4: 50	courtesy	أدب (جمع: آداب)	۴: ۳۸
6: 8	rejection	إدبار: اعراض نمودن	۶: ۷
6:221	to reject	إدبار نمودن: پشت کردن	۶: ۱۸۶
4: 45	Adrianople	أدرته	۴: ۳۴
5: 7	claim	أدعا	۵: ۴۶۱
5: 6	to lay claim	أدعی (یدعی): ادعا کردن	۵: ۴۶۱
5: 24	unmistakable evidences	أدله واضحة	۵: ۴۸۲
2:164	as soon as	إذا: وقتی که	۳: ۱۲۷
1: 43	ears	أذان (مفرد: أذن): گوش ها	۱: ۵۲
6:154	acceptance	إذعان: فرمانبرداری	۶: ۱۲۹

4: 28	ear	أُذُن (جمع: آذان): گوش	۴: ۲۲
2:166	leave: permission	إِذْن: اجازه	۳:۱۳۰
2:119	hems	أَذْيَال (مفرد: ذَيْل): دامن ها	۲: ۷
5: 6	false and foolish reports	أَرَاخِيف (مفرد: إِرْجَاف)	۵:۴۶۱
2:121	to wish	أَرَادَ (يُرِيدُ): خواستن، طلب کردن	۲: ۱
2:121	desire	إِرَادَه: قصد، آهنگ، عزم	۲: ۱
2:121	will: desire, decree	إِرَادَه: قصد، آهنگ، عزم	۲: ۲
6: 24	to shake	إِرْتَجَّ (يَرْتَجُّ): لرزیدن	۶: ۲۱
2:175	to be pleased	إِرْتَضَى (يَرْتَضِي): راضی بودن	۲: ۱۰
5: 15	exaltation	إِرْتِفَاع	۵:۴۷۲
3:214	to be uplifted	إِرْتَفَعَ (يَرْتَفِعُ): بلند شدن	۲: ۵۵
4:135	to perpetrate	إِرْتَكَبَ (يَرْتَكِبُ): مرتکب شدن	۴: ۹۹
2:119	most merciful	أَرْحَم: رحیم تر (ین)	۲: ۷
5: 7	more shameful	أَرَذَل: پست تر (ین)	۵:۴۶۱
2:130	to send forth	أَرْسَلَ (يُرْسِلُ): فرستادن	۲: ۵۳
2:135	to waft: to carry thru air	أَرْسَلَ (يُرْسِلُ): فرستادن	۲: ۴۶
6:185	guidance	إِرْشَاد	۶:۱۵۴
1: 25	earth	أَرْض: کره زمین	۱: ۲۶
4:132	the Land of Mystery: Adrianople	أَرْض سِیر: ادرنه	۴: ۹۷
4: 72	the land of Sád: Isfahán	أَرْض صَاد: اصفهان	۴: ۵۳
4: 22	Tihrán	أَرْض طَاء	۴: ۱۷
4: 86	the land of Tá: Tihrán	أَرْض طَاء: طهران	۴: ۶۴
6:126	Karbilá	أَرْض طَفَّ	۶:۱۰۵
4: 77	the land of Mím: Mázindarán	أَرْض مِیم: مازندران	۴: ۵۷
2:166	servants	أَرِقَاء (مفرد: رَقِيق): بندگان	۳:۱۳۰
4: 28	pillars	أَرْكَان (مفرد: رُكْن): ستون ها	۴: ۲۲
6:104	the Essences of Detachment	أَرْوَاح مُجَرَّدَه	۶: ۸۴
2: 54	to reveal	أَرَى (يُرِي): آشکار کردن	۲: ۶۱
1: 31	blasts: strong winds	أَرِيَّاح (مفرد: رِيح): بادهای	۱: ۳۵
3:218	breezes	أَرِيَّاح (مفرد: رِيح): بادهای	۲: ۵۷

3:217	gales: winds	أرياح (مفرد: ریح): بادها	۲: ۵۷
4:102	throne	أريكة (جمع: أرائك): تخت	۴: ۷۵
2:184	eternity	أزل (جمع: آزال): زمان بی ابتداء	۳:۱۳۹
1: 16	everlasting	أزلی: قدیم، همیشگی	۱: ۱۷
5: 23	destroying: destruction	ازهاق: نابود ساختن	۵:۴۸۰
6:186	more	أزید: بیشتر (ین)، زیادتر (ین)	۶:۱۵۵
4:165	foundation	أس (جمع: أساس): پایه، بنیاد	۴:۱۲۲
2: 54	foundations	أساس (مفرد: أس): پایه ها، بنیادها	۲: ۶۱
2:164	veils	أستار (مفرد: ستر): پرده ها	۳:۱۲۷
5: 5	Sacred Threshold	آستان مُقدّس	۵:۴۵۹
1: 12	to rejoice	استبشّر (يستبشّر): مسرور شدن	۱: ۱۱
2: 53	to seek shelter	استجار (يستجير): پناهنده شدن	۲: ۶۲
6: 87	acquisition	استجلاب: جلب نمودن	۶: ۷۴
2:127	to blush	استحى (يستحى): خجالت کشیدن	۲: ۵
2: 27	to repose	استراح (يستريح): استراحت کردن	۲: ۵۹
2:136	to be illumined	استضاء (يستضيء): نورانی شدن	۲: ۴۷
6:133	to cry out for help	استغاثه نمودن: فریادرس خواستن	۶:۱۱۱
6: 82	immersion	استغراق: غرق شدن	۶: ۶۹
4:131	to crave pardon	استغفر (يستغفر): غفران طلبیدن	۴: ۹۶
2:117	steadfastness	استقامت	۲: ۶
4: 17	firm conviction	استقامت	۴: ۱۴
4: 87	constancy	استقامت	۴: ۶۴
3:219	independence	استقلال	۲: ۵۸
2:134	to wax proud	استكبر (يستكبر): تکبر کردن	۲: ۴۶
2:132	to show pride	استكبر (يستكبر): مغرور بودن	۲: ۵۴
6:114	derision: ridicule	استهزاء: مسخره کردن	۶: ۹۳
1: 28	mysteries	أسرار (مفرد: سر)	۱: ۳۰
1: 41	lines	أسطر (مفرد: سطر): خطوط	۱: ۴۹
5: 6	falsifying the verses of the Sacred Text	اسقاط آیات	۵:۴۶۱
5: 5	the Greatest Name	اسم أعظم	۵:۴۶۰

5: 24	heavenly	آسمانی	۵: ۴۸۲
2:120	names	أَسْمَاءُ (مفرد: اسم)	۲: ۱
5: 7	more evil	أَسْوَأَ: بدتر (ین)، شرتر (ین)	۵: ۴۶۱
3:215	swords	أَسْيَافُ (مفرد: سِيف): شمشیرها	۲: ۵۵
2:137	captive	أَسِيرٌ (جمع: أَسْرَاءُ)	۲: ۶۵
3:216	suggestions	أَشَارَاتُ: تعریفات محدود بشری	۲: ۵۶
6:171	holy allusions	أَشَارَاتُ قُدْسِيَّةٍ	۶: ۱۴۴
3:220	to be set aflame	أَشْتَعَلَ (يَشْتَعِلُ): مشتعل بودن	۲: ۵۸
5: 8	harmony	آشتی	۵: ۴۶۲
3:219	yearning	اشتیاق	۲: ۵۸
1: 53	trees	أَشْجَارٌ (مفرد: شَجَر): درختان	۱: ۶۷
5: 6	more grievous	أَشَدَّ: شدیدتر (ین)	۵: ۴۶۱
1: 24	the ungodly	أَشْرَارٌ (مفرد: شَر)	۱: ۲۵
3:214	shining	إِشْرَاقٌ: درخشیدن	۲: ۵۵
4: 26	splendor	إِشْرَاقٌ: درخشندگی، جلال	۴: ۲۰
4: 18	effulgences	إِشْرَاقَاتٌ	۴: ۱۴
5: 23	the ungodly	أَشْقِيَاءُ: افراد شقی	۵: ۴۸۰
5: 18	to abhor: to detest	أَشْمَأَزَّ (يَشْمَأِزُّ): منزجر بودن	۵: ۴۷۴
5: 7	more odious	أَشْنَعُ: زشت تر (ین)، کریه تر (ین)	۵: ۴۶۱
5: 8	more abominable	أَشْنَعُ: زشت تر (ین)، کریه تر (ین)	۵: ۴۶۳
5: 22	to call to witness	أَشْهَدُ (يُشْهَدُ): شاهد طلبیدن	۵: ۴۷۹
2:125	all created things	أَشْيَاءٌ (مفرد: شَيْء)	۲: ۴
2: 53	to wake up	أَصْبَحَ (يُصْبِحُ): بیدار شدن	۲: ۶۲
2:135	finger –	أَصْبَعٌ (جمع: أَصَابِعُ): انگشت	۲: ۴۶
6:169	more explicit	أَصْرَحَ: آشکارتر (ین)	۶: ۱۴۲
3:219	patience	إِصْطَبَارٌ: شکیبائی	۲: ۵۷
2:175	to choose	أَصْطَفَى (يَصْطَفِي): برگزیدن	۲: ۱۰
5: 7	more severe	أَصْعَبُ: سخت تر (ین)	۵: ۴۶۱
3:218	to yellow	أَصْفَرَ (يَصْفَرُ): زرد کردن	۲: ۵۷
1: 44	chosen ones	أَصْفِيَاءُ (مفرد: صَفِي): برگزیدگان	۱: ۵۳

4: 36	betterment	اصلاح	٤: ٢٨
2:138	night-season	أَصِيل (جمع: آصال): غروب	٢: ٦٦
6:157	agitation	اضطراب	٦: ١٣١
2:131	to be troubled	أَضْطَرَبَ (يَضْطَرِبُ): مضطرب شدن	٢: ٥٣
5: 18	to be kindled	أَضْطَرَمَ (يَضْطَرِمُ): افروخته شدن	٥: ٤٧٤
5: 11	obedience	إِطَاعَت	٥: ٤٦٧
1: 7	extinction	إِطْفَاء: خاموش کردن	١: ٦
5: 13	universality	إِطْلَاق	٥: ٤٦٩
4: 87	certitude	إِطْمِینَان	٤: ٦٤
2:119	to reveal	أَظْهَرَ (يُظْهِرُ): ظاهر کردن	٢: ٧
4: 4	protest	إِعْتِرَاض	٤: ٤
4: 9	cavil: objection	إِعْتِرَاض	٤: ٧
2:128	to acknowledge	أَعْتَرَفَ (يَعْتَرِفُ): تصدیق کردن	٢: ٦
2:176	to confess	أَعْتَرَفَ (يَعْتَرِفُ): اعتراف کردن	٢: ١٠
2:159	to recognize	أَعْتَرَفَ (يَعْتَرِفُ): شناختن	٢: ٢٠
5: 11	to turn aside	أَعْتَزَلَ (يَعْتَزِلُ): کناره گیری کردن	٥: ٤٦٧
3:214	tyranny	إِعْتِسَاف: ظلم، ستم	٢: ٥٥
4: 49	seclusion	إِعْتِكَاف: گوشه گیری، عزلت	٤: ٣٧
4: 49	to seclude	أَعْتَكَفَ (يَعْتَكِفُ): گوشه گیری کردن	٤: ٣٧
4:132	tree-stumps	أَعْجَاز (مفرد: عَجْز): کنده های درختان	٤: ٩٧
2:131	enemies	أَعْدَاء (مفرد: عَدُو): دشمنان	٢: ٥٣
3:218	foes: enemies, opponents	أَعْدَاء (مفرد: عَدُو): دشمنان	٢: ٥٧
2:182	adversaries: opponents	أَعْدَاء (مفرد: عَدُو): دشمنان	٢: ١٤
4: 4	repudiation	إِعْرَاض: روبرگردانیدن	٤: ٤
6: 6	clamour and protestations	اعراض و اعتراض	٦: ٥
2:130	to turn aside	أَعْرَضَ (يُعْرِضُ): روبرگردانیدن	٢: ٥٣
2:132	to turn away	أَعْرَضَ (يُعْرِضُ): روبرگردانیدن	٢: ٥٤
2:166	to grant	أَعْطَى (يُعْطِي): بخشیدن، عطا کردن	٣: ١٢٩
2:121	most great	أَعْظَم (جمع: أَعْظَم، مؤنث: عَظْمِي): بزرگتر (ین)	٢: ٢
3:215	ensigns	أَعْلَام (مفرد: عَلَم): پرچم ها	٢: ٥٦

2:133	most august	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بالاتر (ین)	۲: ۴۵
1: 24	most high	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بالاتر (ین)	۱: ۲۵
1: 32	celestial: heavenly	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بالاتر (ین)	۱: ۳۶
2:162	loftiest	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بلندتر (ین)، بالاتر (ین)	۳: ۱۲۴
2:121	doings	أَعْمَال (مفرد: عَمَل)	۲: ۲
1: 48	pure and goodly deeds	أَعْمَال طَاهِرَه مُمَدَّسَه	۱: ۵۹
4: 74	goodly deeds	أَعْمَال طَيِّبَه	۴: ۵۵
3:215	necks	أَعْنَاق (مفرد: عُنُق، عُنُق): گردنهای مردم	۲: ۵۵
5: 6	associates	أَعْوَان (مفرد: عَوْن): یاران	۵: ۴۶۱
5: 18	the nobility	أَعْيَان	۵: ۴۷۴
2:184	to be stained with dust	اَغْبَرَّ (يَغْبِرُّ): خاکی بودن	۳: ۱۳۹
2:136	boughs	أَغْصَان (مفرد: غُصْن): شاخه ها	۲: ۴۷
3:219	overlooking	اَغْضَاء: چشم پوشی کردن	۲: ۵۸
2:135	fetters: chains	أَغْلَال (مفرد: غُل): زنجیرها	۲: ۴۶
6: 9	wilful blindness	اَغْمَاض: چشم پوشی از حقیقت	۶: ۷
1: 21	strangers	أَغْيَار (مفرد: غَيْر): بیگانگان	۱: ۲۲
1: 20	to exalt oneself over another	اِفْتَخَرَ (يَفْتَخِرُ)	۱: ۲۱
3:218	slander	اِفْتِرَاء: تهمت زدن	۲: ۵۷
5: 11	to separate oneself	اِفْتَرَقَ (يَفْتَرِقُ): جدا گردیدن	۵: ۴۶۷
4: 17	to decree: to ordain	أَفْتَى (يُفْتِي): فتوی دادن	۴: ۱۳
1: 18	to free	أَفْرَغَ (يُفْرِغُ): فارغ و آزاد کردن	۱: ۱۹
4: 87	most eloquent	أَفْصَح (مؤنث: فَصْحِي): فصیح تر (ین)	۴: ۶۴
5: 7	more infamous	أَفْضَح: زشت تر (ین)	۵: ۴۶۱
2:172	choicest	أَفْضَل (جمع: أَفْضَال): برتر (ین)	۳: ۱۲۰
2:174	to break the fast	أَفْطَرَ (يُفْطِرُ): افطار کردن	۲: ۱۰
5: 7	more infamous	أَفْظَم: زشت تر (ین)، کریه تر (ین)	۵: ۴۶۱
1: 24	most effulgent horizon	أَفُقْ أَبْهَى	۱: ۲۵
2:118	the Supreme Horizon	أَفُقْ أَعْلَى	۲: ۷
5: 8	falsehood	اِفْك: دروغ، تهمت	۵: ۴۶۲
6: 48	perversion of the truth	اِفْك (جمع: أَفَايِك): کذب، دروغ	۶: ۴۰

2:129	twigs	أَفْنَان(مفرد: فَنَن): شاخه ها	۲: ۵۲
2:136	branches	أَفْنَان(مفرد: فَنَن): شاخه ها	۲: ۴۷
5: 5	setting (of stars)	أَفُول: غروب کردن	۵:۴۵۹
2: 54	to raise up	أَقَامَ(يُقِيمُ): بالا بردن، برپا کردن	۲: ۶۱
6: 45	promulgation of the Law of God	أَقَامَهُ حَدُودَ اللَّهِ	۶: ۳۸
3:219	to go forward	أَقْبَلَ(يُقْبِلُ): اقبال کردن	۲: ۵۸
2:123	might	أَقْتَدَار	۲: ۳
2: 54	potency	أَقْتَدَار	۲: ۶۱
2:133	dominion: power	أَقْتَدَار	۲: ۴۵
1: 54	calling: occupation	أَقْتَراف: کسب و کار	۱: ۶۸
5: 11	union	أَقْتِران: پیوستگی	۵:۴۶۶
5: 20	exigency: need	أَقْتِضَاء: ضرورت	۵:۴۷۷
3:214	most ancient	أَقْدَم: قدیم تر(ین)	۲: ۵۵
2:159	to confess	أَقْرَأَ(يُقرئُ): اقرار کردن	۲: ۲۰
4: 15	supreme	أَقْصَى(مؤنث: فُصْوى): دورتر(ین)	۴: ۱۱
5: 8	kindreds and peoples of the world	أَقْوام و أمم آفاق	۵:۴۶۲
2:130	most great	أَكْبَر(جمع: أكابر، مؤنث: كُبْرى): بزرگتر(ین)	۲: ۵۲
2:137	hands	أَكْمَف(مفرد: كَف): دست ها	۲: ۶۵
4: 13	crown	أَكْلِيل: تاج	۴: ۱۰
4:125	cognizant	أَكْگاه	۴: ۹۲
2:121	only	أَلّا	۲: ۲
5: 4	vexations: afflictions	أَلَام(مفرد: أَلَم): دردها، رنجها	۵:۴۵۸
1: 44	defilement: contamination	أَلایش	۱: ۵۳
2:138	to clothe	أَلَبَسَ(يُلْبِسُ): لباس پوشانیدن	۲: ۶۵
4: 46	irreligion	أَلْحاد: بی دینی	۴: ۳۵
2:129	melodies	أَلْحان(مفرد: لَحْن): آهنگ ها	۲: ۵۲
4: 1	praise be to God	أَلْحَمْدُ لِلَّهِ	۴: ۲
2:135	favours	أَلْطاف(مفرد: لُطْف)	۲: ۴۶
6:166	thousand	أَلْف(جمع: أَلوف، أَلاف): هزار	۶:۱۴۰
5: 5	to sow the seeds of doubt	أَلْقای شُبْهات نمودن	۵:۴۵۹

2:167	to forsake: to abandon	أَلْقَى (يُلْقَى): دور انداختن	۳: ۱۳۰
2:120	God	الله	۲: ۱
2:181	tablets	أَلْوَاح (مفرد: لَوْح)	۲: ۱۳
6: 33	colours	أَلْوَان (مفرد: لَوْن): رنگ ها	۶: ۲۸
2:126	Godhead	أَلُوهُيَّت	۲: ۵
2:182	Divinity	أَلُوهُيَّت	۲: ۱۴
2:120	Lord	اله	۲: ۱
5: 3	to turn (someone) aside	أَلَّهَا (يُلْهَى): منحرف کردن	۵: ۴۵۶
2:182	inspiration	الهام	۲: ۱۴
2:178	to inspire	أَلَّهَمَّ (يُلْهَمُ): مُلْهَم کردن	۲: ۱۱
2:121	unto	إِلَى	۲: ۱
1: 34	mother	أُم (جمع: أُمَّهَات): مادر، اصل شیء	۱: ۳۹
4: 82	or	أَمْ: یا	۴: ۶۱
6:147	the Source of Revelation	أُمُّ الْكِتَاب	۶: ۱۲۲
5: 8	be it favorable or unfavorable	أَمَّا لِي وَاِمَّا عَلَيَّ	۵: ۴۶۳
1: 29	desires	أَمَال (مفرد: أَمَل): آرزوها	۱: ۳۲
2:121	hopes	أَمَال (مفرد: أَمَل): آرزوها	۲: ۲
6:181	Apostleship	أَمَانَت	۶: ۱۵۱
1: 43	trust	أَمَانَت	۱: ۵۳
5: 15	loyalty	أَمَانَت	۵: ۴۷۲
2:136	handmaidens: woman servants	أَمَاء (مفرد: أَمَةٌ): کنیزان	۲: ۴۷
6: 42	people	أُمَّت (جمع: أُمَّم): گروهی از مردم، جماعت	۶: ۳۵
1: 16	to test	أَمْتَحَنَ (يَمْتَحِنُ): امتحان کردن	۱: ۱۷
2: 54	surest	أَمْتَنَ: محکم تر (بن)	۲: ۶۱
2:119	cause: an objective or movement	أَمْر	۲: ۷
2:123	authority	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۲
2:123	bidding: command, request	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۲
2:124	command	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۳
2:123	commandment	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۳
2:175	behest: command	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۱۰

2:174	injunction: order	أمر (جمع: أوامر): فرمان، حکم	۲: ۱۰
4: 24	ordainer	أمر: امر کننده	۴: ۱۹
2:135	to enjoin: to order	أمر (يأمر): فرمان دادن	۲: ۴۶
2:118	the kingdoms of Revelation and creation	أمر و خلق	۲: ۶
5: 7	the Cause of God	أمر الله	۵: ۴۶۱
4: 66	yesterday	أمس: دیروز	۴: ۴۹
2:174	to hold back	أمسك (يُمسك): منع کردن	۲: ۹
3:214	rains	أمطار (مفرد: مطر): باران ها	۲: ۵۵
2:166	to rain	أمطر (يُمطر): باران آمدن	۳: ۱۳۰
3:217	creation	امكان: خلقت	۲: ۵۶
1: 36	desire	أمل (جمع: آمال): آرزو	۱: ۴۲
2:121	nations	أمم (مفرد: أمة): جماعت ها، مردمان	۲: ۱
2:130	to believe in	آمن (يؤمن): ایمان داشتن	۲: ۵۳
2:166	trusted ones	أمناء (مفرد: أمين): نفوس مورد اعتماد	۳: ۱۲۹
4:129	unlettered	أمی: بیسواد	۴: ۹۵
2: 55	faithful	أمين (جمع: أمناء): امانت دار	۲: ۶۱
4:139	God willing	ان شاء الله	۴: ۱۰۲
2:121	I	أنا: من	۲: ۱
4: 35	repentance	انابة: توبه کردن	۴: ۲۷
6: 22	the four Gospels	اناجیل آربعه	۶: ۱۹
3:217	people	انام: مردم، خلق	۲: ۵۶
2:119	fingers	انامل (مفرد: أنملة): سر انگشتان	۲: ۷
6:216	Prophets "endowed with constancy"	انبیای أولوالعزم	۶: ۱۸۲
2:123	thou	أنت: تو	۲: ۲
2:120	to await	انتظر (ينتظر): منتظر بودن	۲: ۱
3:215	vengeance: revenge	انتقام	۲: ۵۵
4: 21	most foul smelling	أنتن: متعفن تر (ین)، بدبو تر (ین)	۴: ۱۶
4: 48	stars	أنجم (مفرد: نجم): ستاره ها	۴: ۳۷
5: 10	meeting	أنجمن	۵: ۴۶۵
5: 11	to deviate: to turn aside	انحاز (ينحاز): دوری کردن	۵: ۴۶۷

5: 6	deviation	انحراف	۵: ۴۶۱
5: 6	transgression	انحراف	۵: ۴۶۰
4:134	to be crushed	انْدَسَّ (يَنْدَسُّ): فرو ریختن	۴: ۹۸
2:127	to send down	أَنْزَلَ (يُنزِلُ): نازل کردن	۲: ۵
2:158	creation	انْشَاء: خلقت، آفرینش	۲: ۲۰
5: 13	division	انْشِقَاق: شکافته شدن	۵: ۴۶۸
1: 24	justice	انصاف	۱: ۲۵
4: 13	equity	انصاف	۴: ۱۰
4:133	to swoon	انْصَعَقَ (يَنْصَعِقُ): بیهوش شدن	۴: ۹۷
2:159	to become immersed	انْغَمَسَ (يَنْغَمِسُ): فرو رفتن	۲: ۲۰
4:126	to be cleft	انْفَطَرَ (يَنْفَطِرُ): شکافته شدن	۴: ۹۳
1: 17	to bestow: to give	أَنْفَقَ (يُنْفِقُ): بخشیدن مال	۱: ۱۸
2:119	to give one's all	أَنْفَقَ (يُنْفِقُ): انفاق کردن	۲: ۷
4:151	to save: to rescue	أَنْقَذَ (يُنْقِذُ): نجات دادن	۴: ۱۱۲
5: 19	to relieve	أَنْقَذَ (يُنْقِذُ): خلاص کردن، نجات دادن	۵: ۴۷۶
5: 18	most imperfect	أَنْقَصَ: ناقص (تر)ین	۵: ۴۷۵
6: 77	sublime renunciation	انْقِطَاع: بریدن از ممکنات	۶: ۶۵
3:216	detachment	انْقِطَاع: جدائی از ممکنات	۲: ۵۶
4: 2	renunciation	انْقِطَاع: چشم پوشی از ممکنات	۴: ۳
2:185	to be detached	انْقَطَعَ (يَنْقَطِعُ): منقطع بودن	۳: ۱۴۰
5: 11	subordination	انْقِيَاد: اطاعت کردن	۵: ۴۶۷
6:165	denunciation	انكار	۶: ۱۳۹
2:134	to deny	أَنْكَرَ (يُنْكِرُ): انكار کردن	۲: ۴۶
2:124	lights	أنوار (مفرد: نور)	۲: ۳
2:160	most luminous	أَنْوَرُ (مؤنث: نَوْرَاء): درخشان (تر)ین	۳: ۱۲۱
4: 95	companion	أَنْيَسَ: یار و همدم	۴: ۷۰
2:124	or	أو: یا	۲: ۳
4: 58	goblets	أَوْاعِي (مفرد: وِعَاء): ظرف ها	۴: ۴۳
2:174	precepts	أَوْامِر (مفرد: أَمْر): فرمان ها	۲: ۱۰
2: 28	to commit: to entrust	أَوْدَعَ (يُودِعُ): سپردن	۲: ۵۹

4:133	roses	أوراد(مفرد: وَرْد): گلها	٤: ٩٨
2:136	leaves	أوراق(مفرد: وَرَق): برگها	٢: ٤٧
2:138	to kindle	أوقَدَ(يوقِدُ): برافروختن	٢: ٦٦
4:130	to interpret	أَوَّلَ(يُؤَوِّلُ): تعبیر و تفسیر کردن	٤: ٩٥
1: 54	men of understanding	أولی الکباب: صاحبان عقل و خرد	١: ٦٧
2:127	loved ones	أولیاء(مفرد: وَلِيّ): دوستان	٢: ٥
2:127	vain imaginations	أوهام(مفرد: وَهْم)	٢: ٦
3:217	idle imaginings	أوهام(مفرد: وَهْم)	٢: ٥٦
5: 19	to offend	أهان(يُهينُ): اهانت کردن	٥:٤٧٦
6: 9	endeavour: an earnest attempt	اهتمام: همت، کوشش	٦: ٧
1: 29	denizen: inhabitant, occupant	أهل	١: ٣١
2:128	inmate	أهل	٢: ٦
5: 7	the people of doubt	أهل إرتياب	٥:٤٦١
4:128	people of Shín (Shíráz)	أهل الشين	٤: ٩٤
6:219	the upholders of true belief	أهل ايمان	٦:١٨٤
1: 32	the dwellers in the pavilion of glory	أهل سُرادقِ أبهى	١: ٣٦
5: 5	the dwellers in the Pavilion of the Abhá Kingdom	اهل سُرادقِ ملكوتِ أبهى	٥:٤٥٩
4: 63	wicked doers	أهل طُغیان	٤: ٤٧
1: 29	denizens of the realm on high	أهل عالین: فرشتگان	١: ٣١
6: 35	immaculate Souls	أهل عِصْمَت	٦: ٣٠
5: 4	people of malice	أهل نفاق	٥:٤٥٨
2:126	to destroy	أَهْلَكَ(يُهْلِكُ): هلاک کردن	٢: ٤
6:182	new moons	أَهْلَهُ(مفرد: هلال)	٦:١٥٢
5: 10	most important	أَهَمُّ: مهم تر(ین)	٥:٤٦٦
4:131	yea	ای: بلی، آری	٤: ٩٧
5: 4	O ye beloved of the Lord!	ای أَحِبَّائِ الهی	٥:٤٥٧
5: 5	O ye that stand fast and firm in the Covenant!	ای ثابتان بر پیمان	٥:٤٥٩
6:198	revival: coming back	ایاب: برگشتن	٦:١٦٥
2:126	signs	آیات(مفرد: آيَة): نشانه ها	٢: ٥

2:130	verses	آیات (مفرد: آیه)	۲: ۵۳
3:215	emblems: signs	آیات (مفرد: آیه): نشانه ها	۲: ۵۵
5: 5	manifest verses	آیات بَيِّنَات	۵: ۴۵۹
5: 5	the firm and conclusive verses	آیات مُحْكَمَات	۵: ۴۶۰
2:124	hands	آیادی (مفرد: يد): دست ها	۲: ۳
5: 12	the Hands of the Cause of God	آیادی امرالله	۵: ۴۶۸
2:127	longing hands	آیادی رَجَاء	۲: ۵
2:184	days	آيَام (مفرد: يَوْم): روزها	۳: ۱۳۹
2:126	to aid	أَيْدٍ (يُؤَيِّدُ): پشتیبانی کردن	۲: ۵
6: 7	pain	اِذَاء: اذیت و آزار	۶: ۶
2: 55	certainty	اِيقَان: اطمینان، یقین	۲: ۶۱
3:217	certitude	اِيقَان: اطمینان، یقین	۲: ۵۶
2: 54	to awaken	أَيْقَظًا (يُوقِظُ): بیدار کردن	۲: ۶۱
2:131	to be assured	أَيْقَنَ (يُوقِنُ): اطمینان داشتن	۲: ۵۴
3:214	where (?)	أَيْنَ: کجاست	۲: ۵۵
5: 11	the sign of God	آيَةُ اللَّهِ: شوقی افندی	۵: ۴۶۶

«ب»

2:124	gate	باب(جمع: أبواب): در، دروازه	۲: ۳
2:124	door	باب(جمع: أبواب): در، دروازه	۲: ۳
4: 41	absolute	بَات: قطعی	۴: ۳۱
4: 22	lofty	بَاذِخ: عالی، مرتفع	۴: ۱۷
5: 9	in short	باری: خلاصه	۵: ۴۶۴
1: 32	vain	بَاطِل	۱: ۳۶
2:130	error: falsehood	بَاطِل	۲: ۵۲
6: 8	wrong	بَاطِل	۶: ۷
4: 1	hidden	بَاطِن(جمع: بَاطِن): پنهان، مکنون	۴: ۲
1: 24	eternal	باقی	۱: ۲۵
1: 25	everlasting	باقی	۱: ۲۷
5: 10	in one accord	بِالْإِتِّفَاق	۵: ۴۶۵
5: 12	unanimously	بِالْإِتِّفَاق	۵: ۴۶۸
1: 29	consummate: complete, perfect	بَالِغ	۱: ۳۱
4:127	utterly	بِالْمَرَّةِ: قطعاً	۴: ۹۴
4:115	luminous: shining, clear	بَاهِر: روشن، ظاهر	۴: ۸۴
2:137	lowly	بَائِس: بیچاره، فقیر	۲: ۶۵
4: 81	the Chaste One: Fátimih	بَتُول: دوشیزه، لقب حضرت فاطمه	۴: ۶۰
4: 41	complete	بَحْت: خالص، قطعی	۴: ۳۱
2:121	ocean	بَحْر(جمع: بُحُور، أَبْحُر، بِحَار): دریا	۲: ۱
1: 34	bestowal	بَخْشِش	۱: ۳۹
2:134	to call into being	بَدَأ(بَدَأَ): آفریدن	۲: ۴۵
6: 8	nonfulfilment of the divine promise	بَدَاء	۶: ۷
5: 7	ill wisher	بَدَخَوَاه	۵: ۴۶۲
4: 42	full moon	بَدْر(جمع: بُدُور): ماه شب چهارده	۴: ۳۲
6:142	original	بَدْعِيَّة: بی سابقه، جدید	۶: ۱۱۸
2: 55	to change	بَدَّل(بَدَّلَ): تغییر دادن	۲: ۶۱
1: 55	wondrous: wonderful	بَدِيع: تازه و نو	۱: ۶۸

4: 22	piety	بِرّ: نیکی و نیکوکاری	۴: ۱۷
4: 60	land	بَرّ (جمع: بُرور): بیابان، صحرا و دشت	۴: ۴۴
5: 24	conclusive proofs	بَراهین قاطِعَه	۵: ۴۸۲
1: 47	forbearance: patience	بُردباری	۱: ۵۷
2:133	to be divulged	بَرَز (بیرز): ظاهر شدن	۲: ۴۵
2: 53	blessing: benefit or favor	بَرکَت	۲: ۶۴
3:215	coldness	بُرودت: سردی	۲: ۵۵
4: 55	recovery	بُرُوء: بهبود، بازیافت، جبران	۴: ۴۱
1: 55	proof	بُرهان (جمع: بَراهین): دلیل	۱: ۶۹
2:134	testimony	بُرهان (جمع: بَراهین): دلیل	۲: ۴۶
3:215	mankind	بَرّیّه (جمع: بَرایا): خَلق	۲: ۵۵
4: 59	eminence: greatness	بُزرگی	۴: ۴۴
4: 7	relief	بَسَط: گشایش	۴: ۶
4:177	In the name of God, the Compassionate, the Merciful	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۴: ۱۳۲
1: 12	joyful tidings	بِشَارَت (جمع: بَشَائِر): خبر خوش	۱: ۱۱
2:129	to proclaim	بَشَّرَ (بِشَّرُ): بشارت دادن	۲: ۵۲
1: 12	to hail: to welcome	بَشَّرَ (بِشَّرُ): بشارت دادن	۱: ۱۱
1: 14	sight	بَصَر (جمع: أَبْصَار): حَسَ بینائی	۱: ۱۳
6: 50	Bathá: Mecca	بَطْحَاء: مکه	۶: ۴۱
4: 60	Mecca	بَطْحَاء: مکه	۴: ۴۵
2:134	to send down	بَعَثَ (بِيعَثُ): فرستادن	۲: ۴۶
6:117	resurrection	بَعَثَ: بیدار کردن	۶: ۹۶
1: 24	farness	بُعْد: دوری	۱: ۲۵
2:131	remote	بَعِيد (ضدّ: قَرِيب): دور	۲: ۵۳
1: 11	unheralded	بَغْتَه: ناگهان	۱: ۱۰
3:219	hate	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	۲: ۵۸
4: 12	hatred	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	۴: ۹
4: 12	perversity	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	۴: ۱۰
1: 13	(to seek to) attain	بَغَى (بِغْي): جستن، خواستن	۱: ۱۲

4: 44	spots	بقاع (مفرد: بقعه): مکانها	۴: ۳۳
2:129	eternity	بقاء	۲: ۵۲
4: 44	spot	بقعه (جمع: بقاع): مکان	۴: ۳۳
2:122	to live: to last, endure	بقی (بقی): ماندن	۲: ۲
4: 72	weeping	بکاء: گریستن	۴: ۵۳
5: 11	first-born	بکر (جمع: آبکار): نخست زاده، ارشد	۵: ۴۶۶
2:130	message	بلاغ: پیغام	۲: ۵۳
1: 42	afflictions: calamities	بلايا (مفرد: بلاء)	۱: ۵۱
1: 46	calamity	بلاء (جمع: بلايا)	۱: ۵۶
3:217	tribulation	بلاء (جمع: بلايا)	۲: ۵۶
2:135	adversity: calamity	بلاء (جمع: بلايا)	۲: ۴۶
1: 23	nightingale	بلبل	۱: ۲۴
2:134	to attain	بلغ (یلغ): رسیدن، نائل شدن	۲: ۴۶
3:215	to reach	بلغ (یلغ): رسیدن، آمدن	۲: ۵۵
5: 3	to proclaim	بلغ (یلغ): اعلام کردن، انتشار دادن	۵: ۴۵۷
1: 7	to be outworn	بلی (بلی): کهنه و فرسوده شدن	۱: ۶
3:215	calamity	بلیه (جمع: بلیات): مصیبت	۲: ۵۵
4: 67	wherefore	بم (مخفف بما): برای چه	۴: ۴۹
1: 38	fetter: a chain for the feet, restraint	بند	۱: ۴۴
1: 34	bond slave	بنده	۱: ۴۰
2:119	glory	بهاء: جلال، روشنی	۲: ۷
1: 40	beasts of the field	بهائم (مفرد: بهیمة): چهارپایان	۱: ۴۷
5: 7	false accusation	بهتان: افتراء، تهمت بی روا	۵: ۴۶۱
3:215	joy	بهجت: شادمانی، سرور	۲: ۵۶
5: 5	iniquitous: unjust	بی انصاف	۵: ۴۵۹
2:123	utterance	بیان: سخن آشکار و فصیح	۲: ۳
2: 53	home	بیت (جمع: بیوت): خانه	۲: ۶۴
5: 20	the Universal House of Justice	بیت عدل عمومی	۵: ۴۷۷
2:126	wilderness	بیداء: بیابان	۲: ۴
1: 27	eternal	بیزوال	۱: ۲۹

1: 37	everlasting	بیزوال	۱: ۴۳
1: 30	imperishable: immortal	بیزوال	۱: ۳۴
6:119	sale	بَیْع (جمع: بُیوع): فروش، خرید	۶: ۹۸
5: 14	estrangement	بیگانگی	۵: ۴۷۰
1: 40	peerless	بیمثال	۱: ۴۸
4: 84	betwixt: between	بین	۴: ۶۲
2:167	clear tokens	بَیِّنَات (مفرد: بَیِّنَة): دلائل محکم	۳: ۱۳۰
5: 17	abyss: bottomless gulf	بِئْر (جمع: آبار): چاه	۵: ۴۷۳
4: 54	(how) wretched is	بِئْسَ (ضد: نِعْم): چه بد است	۴: ۴۱

« پ »

5: 4 to nurture

پرورش دادن

ه: ۴۵۸

4: 23	to repent	تَابَ (يَتُوبُ): توبه کردن	٤: ١٨
4: 88	plunder	تَارَاج	٤: ٦٥
4: 88	union	تَأْلِيف: الفت دادن	٤: ٦٥
5: 25	interpretation	تَأْوِيل: تفسیر باطن، تعبیر	٥: ٤٨٣
5: 25	Grace of God	تَأْيِيد: کمک و یاری کردن	٥: ٤٨٣
5: 24	heavenly Grace	تَأْيِيد آسمانی	٥: ٤٨٢
2:121	to be blessed and exalted	تَبَارَكَ وَ تَعَالَى	٢: ١
5: 17	to dare	تَجَاسَّرَ (يَتَجَاسَّرُ): جسارت ورزیدن	٥: ٤٧٣
5: 9	drinking	تَجَرُّع: جرعه جرعه آشامیدن	٥: ٤٦٤
6:160	detachment	تَجْرِيد: انقطاع	٦: ١٣٥
2:164	to shine forth	تَجَلَّى (يَتَجَلَّى): تجلی کردن	٣: ١٢٦
4: 7	splendors	تَجَلِّيَّات	٤: ٦
6:160	limitation	تَحْدِيد: محدود کردن	٦: ١٣٥
5: 6	interpolation	تَحْرِيف: تغییر دادن معنی	٥: ٤٦١
5: 5	to falsify	تَحْرِيف کردن: تغییر دادن معنی	٥: ٤٥٩
5: 19	regret	تَحَسَّرَ: افسوس خوردن	٥: ٤٧٦
4: 26	acquisition	تَحْصِيل	٤: ٢٠
5: 3	salutation	تَحِيَّة (جمع: تَحِيَّات): سلام و درود	٥: ٤٥٦
5: 14	restriction	تَخْصِيف	٥: ٤٧٠
1: 14	to reflect: to ponder	تَدَبَّرَ (يَتَدَبَّرُ): تفکر کردن	١: ١٤
3:218	deceit: fraud or lie	تَدْلِيس: فریب	٢: ٥٧
1: 34	clay: soil, earth	تُرَاب (جمع: أَتْرَابَة): خاک، زمین	١: ٣٩
1: 24	dust	تُرَاب (جمع: أَتْرَابَة): خاک، زمین	١: ٢٥
5: 6	chanting	تَرْتِيل: تلاوت	٥: ٤٦٠
3:214	to abandon	تَرَكَّ (يَتْرُكُ): ترک کردن	٢: ٥٥
5: 10	promotion	تَرْوِيج	٥: ٤٦٥
4:134	to tremble	تَزَعَزَعَ (يَتَزَعَزَعُ): متزلزل شدن	٤: ٩٩
6:211	chastening	تَزْكِيَة: پاکیزه کردن	٦: ١٧٧

1: 41	to be adorned	تَزَيَّنَ (يَتَزَيَّنُ): زینت یافتن	۱: ۵۰
2:124	resignation: patient submission	تَسْلِيم: سر سپردن	۲: ۳
5: 12	nomination	تَسْمِيَة: نامیدن	۵: ۴۶۸
2:119	to cling: to hold fast	تَشَبَّثَ (يَتَشَبَّثُ): چنگ زدن	۲: ۷
5: 5	scattering	تَشْتِيت: پراکندگی	۵: ۴۵۹
5: 7	dispersing	تَسْتِيت: پراکندگی	۵: ۴۶۱
3:214	gleam: flash, reflected brightness	تَشَعُّع	۲: ۵۵
5: 18	to be upset	تَشَوَّشَ (يَتَشَوَّشُ): آشفته و مشوش شدن	۵: ۴۷۴
2:175	acknowledgement	تَصَدِيق	۲: ۱۰
5: 7	to acquiesce: to agree quietly	تَصَدِيق کردن	۵: ۴۶۲
2:162	to shed	تَضَوَّعَ (يَتَضَوَّعُ): منتشر شدن	۳: ۱۲۳
4:123	extermination	تَضْيِيع: نابود کردن	۴: ۹۱
5: 19	teachings	تَعَالِيم (مفرد: تَعْلِيم)	۵: ۴۷۶
5: 7	investigation	تَفْتِيش (جمع: تَفَاتِيش): رسیدگی، بازجوئی	۵: ۴۶۲
6:199	loving-kindness	تَفَقُّد: مهربانی کردن	۶: ۱۶۶
2:127	to ponder	تَفَكَّرَ (يَتَفَكَّرُ): تفکر کردن	۲: ۵
2:137	to be exalted	تَقَدَّسَ (يَتَقَدَّسُ): منزّه بودن	۲: ۶۵
2:169	irrevocable judgment	تَقْدِير: قضا و فرمان الهی	۳: ۱۱۵
6:167	dispensation	تَقْدِير: قضا و فرمان الهی	۶: ۱۴۰
1: 17	sanctity	تَقْدِيس: منزّه کردن	۱: ۱۷
5: 8	to submit	تَقْدِيم کردن	۵: ۴۶۳
2:177	to draw nigh	تَقَرَّبَ (يَتَقَرَّبُ): نزدیک شدن	۲: ۱۱
2:125	drawing nigh	تَقَرَّب: نزدیک شدن، نزدیکی	۲: ۴
1: 36	virtue: godliness, moral excellence	تَقْوَى: پرهیزکاری	۱: ۶۸
4: 2	fear of God	تَقْوَى	۴: ۳
3:216	purity	تَقْوَى: پرهیزکاری	۲: ۵۶
6: 10	righteousness	تُقَى: پرهیزکاری	۶: ۸
5: 13	limitation	تَقْيِيد: مقید ساختن	۵: ۴۶۹
1: 41	haughtiness: pride	تَكْبُر	۱: ۴۸
2:119	salutation	تَكْبِير	۲: ۷

3:218	to be sullied	تَكَدَّرَ (يَتَكَدَّرُ): لگه دار شدن	۲: ۵۷
6: 5	defamation: slander	تَكْذِيب	۶: ۵
2:166	to speak	تَكَلَّمَ (يَتَكَلَّمُ): تکلم کردن	۳: ۱۳۰
6: 22	disciples	تَلَامِيذ (مفرد: تَلْمِيذ): شاگردان	۶: ۱۹
1: 19	loving-kindness	تَلَطَّف: دوستی و مهربانی	۱: ۲۰
2:134	before: just in front of	تَلْقَاء: روبرو، مقابل	۲: ۴۶
6: 28	allusions	تَلْوِيحَات (مفرد: تَلْوِيح): اشارات	۶: ۲۴
6:117	idols	تَمَائِيل (مفرد: تِمَال): بت ها	۶: ۹۷
5: 8	transgression	تَمَرَّد: سرپیچی کردن	۵: ۴۶۲
5: 13	to disobey	تَمَرَّد نمودن	۵: ۴۶۸
2:121	to cling: to hold fast	تَمَسَّكَ (يَتَمَسَّكُ): چنگ زدن	۲: ۱
4: 87	imperturbability: calmness	تَمَكِين: آرامش و متانت	۴: ۶۴
3:219	to surge	تَمَوَّجَ (يَتَمَوَّجُ): موج زدن	۲: ۵۸
1: 17	freedom	تَنْزِيه: پاک کردن	۱: ۱۷
1: 13	humbleness	تَوَاضَع: فروتنی	۱: ۱۳
1: 23	mighty	تَوَانَا	۱: ۲۴
3:219	oneness	تَوْحِيد: یگانگی	۲: ۵۸
6: 85	Pentateuch: the first 5 books of the Bible	تَوْرَات	۶: ۷۱
5: 24	unfailing help	تَوْفِيق صَدَانِي	۵: ۴۸۲
4: 42	to anticipate	تَوَقَّعَ (يَتَوَقَّعُ): انتظار داشتن	۴: ۳۲
3:217	to halt	تَوَقَّفَ (يَتَوَقَّفُ): متوقف شدن، ایستادن	۲: ۵۷
2: 53	trust	تَوَكَّل	۲: ۶۴
2:131	to rely	تَوَكَّلَ (يَتَوَكَّلُ): توکل کردن، تکیه کردن	۲: ۵۴
4: 21	regeneration	تَهْذِيب: تربیت و رفع عیوب	۴: ۱۶
4: 59	improvement	تَهْذِيب: تربیت و پاکیزه کردن از عیب و نقص	۴: ۴۴
5: 4	dart of woe	تِيْر بَلَاء	۵: ۴۵۸
4: 85	wilderness	تِيَه: بیابان	۴: ۶۳

« ث »

6:170	indubitable: unquestionable	ثَابِت	٦: ١٤٢
1: 21	to endure: to stand firm	ثَبَّتَ (يَثْبِتُ): استوار شدن	١: ٢٣
6: 77	unwavering constancy	ثُبُوت	٦: ٦٥
4: 87	firmness	ثُبُوت	٤: ٦٤
4: 30	affluence: an abundance of riches	ثَرَوَات	٤: ٢٣
2:125	earth	ثَرَى: زمین، خاک	٢: ٤
4: 58	serpent: a snake	ثُعْبَان (جمع: ثُعَابِين): اژدها، مار بزرگ	٤: ٤٣
4: 40	burden	ثِقْل (جمع: أَثْقَال): بار	٤: ٣١
4:100	to subvert: to destroy	ثَلَّ (يَثْلُ): ویران کردن	٤: ٧٣
2:120	then	ثُمَّ: سپس	٢: ١
4: 73	precious	ثَمِين: با ارزش، گرانبها	٤: ٥٤
2:121	praise	ثَنَاء (جمع: أَثْنِيَه): ستایش، مدح	٢: ٢
1: 41	attire: garment	ثَوْب (جمع: أَثْوَاب، ثِيَاب): جامه، لباس	١: ٤٨
2:138	robe	ثَوْب (جمع: أَثْوَاب، ثِيَاب): جامه، لباس	٢: ٦٥

« ج »

2:134	to gainsay: to deny	جَا حَدَّ (يُجَا حِدُّ): انکار کردن	۲: ۴۶
2:134	to dispute	جَادَلَّ (يُجَادِلُّ): مجادله کردن	۲: ۴۶
2:162	to cavil at: to object	جَادَلَّ (يُجَادِلُّ): مخالفت کردن	۳: ۱۲۳
1: 41	garment	جامه	۱: ۴۸
1: 25	beloved	جانان	۱: ۲۶
5: 13	vivifying	جانبخش	۵: ۴۷۰
5: 8	self sacrifice	جانفشانی	۵: ۴۶۳
4: 54	to outstep	جاوَزَ (يُجاوِزُ): تجاوز کردن	۴: ۴۱
4: 24	to come	جاءَ (يَجِيءُ): آمدن، رسیدن	۴: ۱۸
4: 12	to reach	جاءَ (يَجِيءُ): آمدن، رسیدن	۴: ۹
1: 25	dominion: governed territory	جَبْرُوت: عالم قدرت الهی	۱: ۲۷
2:123	heaven	جَبْرُوت: عالم قدرت الهی	۲: ۳
4: 22	mountain	جَبَل (جمع: جِبَال): کوه	۴: ۱۷
2:179	forehead	جَبِين: پیشانی	۲: ۱۲
2:137	brow: the forehead	جَبِين: پیشانی	۲: ۶۵
5: 11	to deny	جَحَدَ (يَجْحَدُ): انکار کردن	۵: ۴۶۷
4: 22	dispute: quarrel, argument	جِدال	۴: ۱۷
3:218	desolate: deserted	جَدْبَاء: خشک و بایر	۲: ۵۷
3:214	enchanter: one who attracts	جَدَاب	۲: ۵۵
2:135	to draw	جَذَبَ (يَجْذِبُ): بسوی خود کشیدن	۲: ۴۶
4: 32	courage	جُرأت	۴: ۲۵
6: 47	parched and barren soil	جُرْزَة: زمین بایر، شوره زار	۶: ۳۹
2:176	to stream	جَرَى (يَجْرِي): جاری شدن	۲: ۱۱
5: 5	audacious: rudely bold	جَرِي	۵: ۴۶۰
2:126	sins	جَرِيرَات (مفرد: جَرِيرَة): گناهان	۲: ۴
3:219	to lament	جَزَعَ (يَجْزَعُ): ناله کردن	۲: ۵۷
2:120	to make: to create	جَعَلَ (يَجْعَلُ): آفریدن	۲: ۱
2:126	to cause: to bring about	جَعَلَ (يَجْعَلُ): ساختن	۲: ۵

6:117	abject beetle	جَعَلٌ (جمع: جَعْلان): حشره سیاه	۶: ۹۷
6:190	unyielding cruelty	جَفا	۶: ۱۵۸
1: 43	to be disloyal	جَفا کردن	۱: ۵۱
4: 89	exalted be His glory	جَلُّ جَلالُهُ	۴: ۶۵
2:176	to reveal	جَلَّى (يُجَلِّي): ظاهر کردن	۲: ۱۰
4: 2	distinguished	جَلِيلٌ (جمع: أَجْلَاء): بررگوار	۴: ۳
5: 10	vast concourse	جَمٌّ غَفِيرٌ: جمعیت زیاد	۵: ۴۶۵
1: 26	beauty	جَمال: زیبایی، حسن صورت	۱: ۲۸
5: 5	the Ancient Beauty	جَمال قَدَم	۵: ۴۶۰
5: 7	the Blessed Beauty	جَمال مَبَارَك	۵: ۴۶۱
5: 23	fire	جَمْرَةٌ (جمع: جَمَرات): آتش	۵: ۴۸۰
5: 12	congregation: a gathering, assemblage	جَمع	۵: ۴۶۸
4: 34	seemly	جَمیل: زیبا، خوب	۴: ۲۶
4: 26	wing	جَناح (جمع: أَجْنَحَة): بال و پر	۴: ۲۰
6: 24	paradise	جَنان (مفرد: جَنَّت): بهشت	۶: ۲۰
2:125	paradise	جَنَّت (جمع: جِنان): بهشت	۲: ۴
2:127	hosts: armies	جُنود (مفرد: جُنْد): لشگرها	۲: ۶
5: 6	the hosts of the Realm above	جُنود مَلَأَ أَعْلَى	۵: ۴۶۰
5: 23	to commit a sin against	جَنى (يَجْنى): مرتکب جنایت شدن	۵: ۴۸۰
3:218	giver	جَواد: بخشنده	۲: ۵۷
6: 82	the Essences of Detachment	جَواهِر مُجَرَّدَة	۶: ۶۹
1: 34	bounty	جود: کرم، بخشش	۱: ۳۹
2:175	generosity	جود: کرم، بخشش	۲: ۱۰
3:218	bestowal	جود: کرم، بخشش	۲: ۵۷
6:131	hunger	جوع: گرسنگی	۶: ۱۰۹
1: 28	essence	جَواهِر (جمع: جَواهِر): اصل چیزی	۱: ۳۰
1: 3	gem	جَواهِر (جمع: جَواهِر): گوهر	۱: ۱
6: 92	the Quintessence of truth	جَواهِر الجَواهِر	۶: ۷۷
5: 6	outwardly	چهاراً: آشکاراً	۵: ۴۶۱
4: 28	the foolish	جُهال (مفرد: جاهل)	۴: ۲۲

5: 10	the Realm of the Unseen	جَهَان پنهان	ه: ۴۶۵
1: 15	to strive	جَهَد (يَجْهَدُ): كوشش كردن	۱: ۱۵
5: 21	openly	جَهْرًا: آشكاراً	ه: ۴۷۹
5: 17	foolish	جَهُول (جمع: جُهَلَاء): نادان	ه: ۴۷۳
1: 18	bosom	جَيْب: گريبان	۱: ۱۸

«ج»

1: 25 swift

5: 8 alas

چالاک

چه فائده: افسوس

۱: ۲۷

۵: ۴۶۳

« ح »

4: 62	able	حَاذِق (جمع: حُذَاق): ماهر، استاد	۴: ۴۶
2:134	to rise up against	حَارَبَ (يُحَارِبُ): جنگیدن	۲: ۴۶
2: 28	keeper	حَارِس (جمع: حُرَّاس): نگهبان	۲: ۵۹
4: 13	guardian	حَارِس (جمع: حُرَّاس): نگهبان	۴: ۱۰
2: 28	preserver	حَافِظ (جمع: حُفَاط): حفظ کننده	۲: ۵۹
4:132	the Inevitable	حَاقَّة (جمع: حَوَاق): بلای سخت، قیامت	۴: ۹۷
2:124	ordainer	حَاكِم (جمع: حُكَّام)	۲: ۳
2:136	to come in between	حَالَ (يَحُولُ): در میان واقع شدن	۲: ۴۷
4: 73	bearer (of a Tablet)	حَامِل: حمل کننده	۴: ۵۴
1: 24	affection	حُبَّ	۱: ۲۵
1: 25	love	حُبَّ	۱: ۲۷
2:121	to love	حَبَّ (يَحِبُّ): دوست داشتن	۲: ۲
4: 41	how excellent is	حَبِّدَا: چه نیکوست، آفرین	۴: ۳۱
5: 7	imprisonment	حَبْس	۵: ۴۶۱
5: 4	confinement	حَبْس	۵: ۴۵۸
2:121	cord	حَبَل (جمع: حِبَال): ریسمان، بند	۲: ۱
2:184	the Friend: Muhammad	حَبِيب (جمع: أَحِبَاء، أَحِبَاب): یار	۳: ۱۴۰
1: 31	veil: cover, barrier	حِجَاب (جمع: حُجُب): پرده	۱: ۳۵
2:121	veils	حُجُبَات (مفرد: حِجَاب): پرده ها	۲: ۱
1: 55	argument: proof or evidence	حُجَّت (جمع: حُجَج): برهان	۱: ۶۹
2:130	proof	حُجَّت (جمع: حُجَج): دلیل	۲: ۵۳
2:130	ordinances	حُدُود (مفرد: حَدَّ): تعالیم و احکام	۲: ۵۳
2:174	limitations	حُدُودَات	۲: ۹
4: 9	keen: sharp	حَدِيد: تیز	۴: ۷
4:158	shoe	حِذَاء (جمع: أَحْذِيَّة): کفش	۴: ۱۱۷
4: 22	to protect	حَرَسَ (يَحْرُسُ): محافظت کردن	۴: ۱۷
1: 41	covetousness: greed	حِرْص	۱: ۵۰
3:216	greed	حِرْص	۲: ۵۶

2:164	letter	حَرْف	۳: ۱۲۷
۲: ۱۷۵	to pervert	حَرْفٌ (يُحَرِّفُ): تغییر دادن معنی کلام	۲: ۱۰
2:120	to burn (something)	حَرَقَ (يَحْرِقُ): سوزاندن	۲: ۱
1: 33	sanctuary: a holy place	حَرَمٌ (جمع: أَحْرَامُ): مکان مقدس	۱: ۳۸
2:177	to deprive	حَرَمَ (يَحْرِمُ): محروم کردن	۲: ۱۱
4: 5	honor	حُرْمَت: عزت، احترام	۴: ۵
6: 82	Letters of Unity	حُرُوفَاتِ أَحَدِيَّةٍ	۶: ۶۹
1: 41	covetous: greedy	حَرِيصٌ	۱: ۵۰
2:131	affliction: pain, suffering	حُزْنٌ (جمع: أَحْزَانُ): اندوه	۲: ۵۳
1: 30	grief	حُزْنٌ (جمع: أَحْزَانُ): غم	۱: ۳۴
2:132	sadness	حُزْنٌ (جمع: أَحْزَانُ): اندوه	۲: ۵۴
1: 11	to grieve	حَزِنَ (يَحْزِنُ): غمگین شدن	۱: ۱۱
5: 18	envious ones	حُسَادٌ (مفرد: حاسِد): حسودان	۵: ۴۷۴
1: 25	envy	حَسَدٌ	۱: ۲۷
5: 19	sorrows	حَسَرَاتٌ (مفرد: حَسْرَةٌ): غصه ها، حزن ها	۵: ۴۷۶
2:127	benevolence: an inclination to do good	حُسْنِ عَمَلٍ	۲: ۵
2:136	most excellent	حُسْنِيٌّ (مذکر: أَحْسَنُ): نیکوتر (ین)	۲: ۴۷
2:180	to gather	حَشَرَ (يَحْشُرُ): جمع کردن	۲: ۱۳
4:103	resurrection	حَشْرٌ: گرد کردن مردم	۴: ۷۶
2:170	stone	حَصَاةٌ (جمع: حَصَبَاتُ): ریگ، سنگریزه	۳: ۱۱۷
2: 53	stronghold	حِصْنٌ (جمع: حُصُونُ): قلعه	۲: ۶۲
5: 8	His Majesty	حَضْرَتِ سُلْطَانٍ	۵: ۴۶۳
5: 8	presence	حُضُورٌ	۵: ۴۶۳
4: 7	habitations	حَظَائِرٌ (مفرد: حَظِيرَةٌ): محل های تجمع	۴: ۶
2:127	to protect	حَفِظَ (يَحْفَظُ): حفظ کردن	۲: ۶
2:118	to guard	حَفِظَ (يَحْفَظُ): نگهبانی نمودن	۲: ۶
2:179	to preserve	حَفِظَ (يَحْفَظُ): نگاهداری نمودن	۲: ۱۲
2:164	rustling	حَفِيفٌ: صدای برگ درختان	۳: ۱۲۶
1: 26	truth	حَقٌّ	۱: ۲۸
6: 8	right	حَقٌّ	۶: ۷

4:175	the one true God - exalted be His glory	حَقَّ جَلَّ جَلَالُهُ	۴:۱۳۰
4:170	God testifieth and beareth Me witness	حَقَّ شَاهِدٌ وَ گَوَاهِ اسْت	۴:۱۲۷
5: 9	rancor	حَقْدٌ (جمع: أَحْقَاد، حُقُود): كِينُهُ	۵:۴۶۴
2:138	to fulfill	حَقَّقَ (يُحَقِّقُ): اجْرَا كَرْدَن، بَرَأوردن	۲: ۶۶
6: 99	the inmost Reality of all things	حَقِيقَةُ الْحَقَائِقِ	۶: ۸۰
4: 27	veritable: actual	حَقِيقِي	۴: ۲۱
4: 6	statute: established rule, law	حُكْمٌ (جمع: أَحْكَام): فَرْمَان	۴: ۵
4: 31	edict: decree	حُكْمٌ (جمع: أَحْكَام): فَرْمَان	۴: ۲۴
2:123	behest: order	حُكْمٌ (جمع: أَحْكَام): فَرْمَان	۲: ۲
2:133	injunction: command	حُكْمٌ (جمع: أَحْكَام): فَرْمَان	۲: ۴۵
4: 54	to judge	حَكَمَ (يَحْكُمُ): دَاوَرِي كَرْدَن، فَرْمَان دَادَن	۴: ۴۱
1: 29	wisdom	حِكْمَةٌ (جمع: حِكَم)	۱: ۳۱
6: 46	divine wisdom	حِكْمَتُ لُدُنِّي: حِكْمَتُ ذَاتِي	۶: ۳۹
2:134	rule: government	حُكُومَتٌ	۲: ۴۶
5: 7	Imperial Government	حُكُومَتُ شَهْرِيَارِي	۵:۴۶۲
2:129	wise	حَكِيمٌ (جمع: حُكَمَاء)	۲: ۵۲
2:177	sweetness	حَلَاوَتٌ: شِيرِينِي	۲: ۱۱
4: 6	forbearance: patience	حِلْمٌ: بَرْدْبَارِي	۴: ۵
1: 31	dove	حَمَامَةٌ (جمع: حَمَامَات): كَبُوتَر	۱: ۳۶
5: 4	safeguarding	حَمَايَتٌ	۵:۴۵۷
2:126	praise	حَمْدٌ: سِيَّاسٌ وَ ثَنَا	۲: ۵
4: 32	crimson: deep red	حَمْرَاءٌ: سَرخ	۴: ۲۵
6: 89	the foolish	حَمَقِيٌّ (مفرد: أَحْمَق)	۶: ۷۵
5: 3	to preserve	حَمَى (يَحْمِي): حَمَايَتُ كَرْدَن	۵:۴۵۶
5: 3	sanctuary: a place of refuge	حَمِيٌّ: مَكَانٌ مَقْدَسٌ	۵:۴۵۶
4:163	fanaticism	حَمِيَّتٌ (جمع: حَمِيَّات): تَعْصَبٌ، غَيْرَتٌ	۴:۱۲۱
4: 97	all praised	حَمِيدٌ: سْتُودَه	۴: ۷۱
2:125	lamentation	حَنِينٌ: آهٌ وَ نَالَهٌ وَ زَارِي	۲: ۴
5: 10	disciples	حَوَارِيُونَ (مفرد: حَوَارِي)	۵:۴۶۶
6: 61	leviathan: sea monster	حَوْتٌ (جمع: أَحْوَات): مَاهِي بَزْرُگ	۶: ۵۱

5: 5	the Immortal Maids of Heaven	حوریات	۵: ۴۵۹
2:134	around	حَوْل	۲: ۴۶
2: 28	power	حَوْل: قَوْت و قدرت	۲: ۵۹
2:131	to (make someone) waver	حَوْلَ (يُحَوِّلُ): دگرگون کردن	۲: ۵۳
3:216	life	حَيَات: زندگی	۲: ۵۶
4: 27	shame	حِيَاء	۴: ۲۱
2:117	moment	حِين (جمع: أحيان): زمان، آن	۲: ۸

« خ »

4:155	ring	خَاتَم: انگشتری	۴: ۱۱۴
6:162	Seal of the Prophets	خَاتَمُ النَّبِيِّينَ	۶: ۱۳۶
5: 24	lost	خَاسِر: زیانکار	۵: ۴۸۲
2:126	humble	خَاشِع: فروتن	۲: ۵
2:137	lowly	خَاشِع: فروتن	۲: ۶۵
2:137	humble	خَاضِع: فروتن	۲: ۶۵
6:194	evil doer	خَاطِئ: خطا کار، گناهکار	۶: ۱۶۲
1: 7	to fear	خَافَ (يَخَافُ): ترسیدن	۱: ۶
4: 54	to deal treacherously	خَانَ (يَخُونُ): خیانت کردن	۴: ۴۱
5: 24	hopeless	خَائِب: ناامید	۵: ۴۸۲
5: 17	immersed	خَائِض: فرو رفته	۵: ۴۷۲
4: 37	treacherous	خَائِن	۴: ۲۹
2:162	tabernacle	خَبَاء (جمع: أَخْبِيَه): خیمه	۳: ۱۲۴
2:159	all informed	خَبِير (جمع: خُبْرَاء): آگاه	۲: ۲۰
5: 7	seal	خَتَم: مهر	۵: ۴۶۱
1: 11	to be abashed	خَجِلَ (يَخْجَلُ): شرمگین شدن	۱: ۱۰
1: 33	shame	خَجَلَت	۱: ۳۸
6:124	servants	خُدَام (مفرد: خَادِم): چاکران	۶: ۱۰۳
5: 17	to beguile: to deceive	خَدَعَ (يَخْدَعُ): فریب دادن	۵: ۴۷۳
5: 23	to serve	خَدَمَ (يَخْدُمُ): خدمت کردن، بندگی کردن	۵: ۴۸۰
2:164	to rend asunder: to tear apart	خَرَقَ (يَخْرِقُ): دریدن	۳: ۱۲۷
1: 50	to rend asunder: to tear apart	خَرَقَ کردن	۱: ۶۲
6:197	autumn	خَرِيف: پائیز، خزان	۶: ۱۶۴
6: 9	perdition: loss, ruin	خَسَار: زیان بردن، هلاکت	۶: ۸
4: 82	loss	خُسْرَان: زیان، ضرر، گمراهی	۴: ۶۰
4: 27	fear	خَشِيَت: بیم، ترس	۴: ۲۱
1: 41	attributes	خِصَال (مفرد: خِصْلَة): صفات	۱: ۴۹
5: 19	to single out	خَصَّصَ (يُخَصِّصُ): مشخص و انتخاب کردن	۵: ۴۷۵

1: 15	to tinge: to color	خَضَبَ (يُخَضِبُ): رنگ کردن	۱: ۱۴
4: 47	verdant: green	خَضْرَاءَ (مذْكَر: أَخْضَرَ): سبز	۴: ۳۶
4: 17	green	خَضْرَاءَ (مذْكَر: أَخْضَرَ): سبز رنگ	۴: ۱۳
2:134	to humble oneself before	خَضَعَ (يَخْضَعُ): فروتنی کردن	۲: ۴۶
5: 3	tender	خَضِيلٌ: تر و تازه	۵: ۴۵۶
1: 13	submission	خُضُوعٌ: فروتنی	۱: ۱۳
6:220	discourses: lectures	خُطَبٌ (مفرد: خُطْبَةٌ): سخنرانی، نطق	۶: ۱۸۵
4: 14	momentous: very important	خَطِيرٌ: بزرگ، مهم	۴: ۱۱
6:190	humility	خَفَضَ جَنَاحٌ: تواضع و فروتنی	۶: ۱۵۹
1: 9	to be obscured	خَفِيَ (يَخْفَى): مخفی بودن	۱: ۷
1: 25	eternity	خُلْدٌ: دوام، بقاء، همیشگی	۱: ۲۷
1: 29	paradise	خُلْدٌ: بهشت	۱: ۳۱
1: 29	exalted paradise	خُلْدٌ بَرِّينٌ	۱: ۳۱
4:117	to pull off	خَلَعَ (يَخْلَعُ): برکندن لباس، دور کردن	۴: ۸۶
6: 53	robes	خِلَعٌ (مفرد: خِلْعَةٌ): لباسهای نو	۶: ۴۴
1: 50	apparel: garment	خِلَعَتٌ (جمع: خِلَعٌ): لباس نو	۱: ۶۲
4: 10	attire: fine clothes	خِلَعَتٌ (جمع: خِلَعٌ): لباس نو	۴: ۸
1: 50	behind	خَلْفٌ: عقب، پس، پشت سر، دنبال	۱: ۶۲
2:117	to create	خَلَقَ (يَخْلُقُ): ایجاد کردن، خلق کردن	۲: ۸
3:215	peoples	خَلِيقَةٌ (جمع: خَلَائِقُ): مردم	۲: ۵۵
6: 10	the Friend of God	خَلِيلٌ: دوست، لقب حضرت ابراهیم	۶: ۸
2:176	wine	خَمْرٌ: شراب	۲: ۱۱
4: 32	fear	خَوْفٌ: ترس	۴: ۲۵
6:157	timidity: fear	خَوْفٌ: ترس	۶: ۱۳۱
6: 97	habitations	خِيَامٌ (مفرد: خَيْمَةٌ): سراپرده ها	۶: ۷۹
5: 8	disloyalty	خِيَانَتٌ	۵: ۴۶۲
2:119	to disappoint	خَيَّبَ (يُخَيِّبُ): ناامید کردن	۲: ۷
5: 14	good-will: benevolence	خَيْرٌ: خواهی	۵: ۴۷۰
5: 8	well wisher	خَيْرٌ: خواه	۵: ۴۶۲
5: 22	benevolent: charitable	خَيْرِيَّةٌ	۵: ۴۷۹

٧٠: ٤ خَيط (جمع: خُيوط، أَخِياط): رشته، نخ

4: 94 thread

4: 14	tree	دار: درخت، دنیا، خانه	۴: ۱۱
6:174	the Abode of Peace: Baghdad	دارُ السَّلام	۶: ۱۴۶
4: 46	pain	داء: درد و مرض	۴: ۳۵
4: 20	pit	دَحْمَه	۴: ۱۶
5: 14	uprightness	دُرُستی	۵: ۴۷۰
5: 8	straightforwardness	دُرُستی	۵: ۴۶۲
5: 3	shield	درع: زره	۵: ۴۵۶
2:134	abyss: profound depth	دَرَّگَه (جمع: دَرَّکات): درجه پست	۲: ۴۶
1: 32	radiant	دُرّی: روشن و درخشنده، تابنده	۱: ۳۶
5: 25	machinations	دَسائِس (مفرد: دَسِيسَة): مکرها، فریب ها	۵: ۴۸۳
4: 17	pasture	دَسْکَرَة (جمع: دَساکِر): مزرعه	۴: ۱۳
1: 30	foe: enemy, opponent	دُشْمَن	۱: ۳۳
5: 14	enmity	دُشْمَنی	۵: ۴۷۰
6: 9	adjuration: an earnest appeal	دَعْوَت	۶: ۷
6: 9	to summon	دَعْوَت نمودن	۶: ۸
4: 46	to ring	دَقَّ (يَدُقُّ): کوبیدن درب	۴: ۳۵
2:121	to lead	دَلَّ (يَدُلُّ): راهنمایی کردن	۲: ۱
5: 11	the Beloved One of God	دَلِیْبَر رَحْمَانی	۵: ۴۶۶
1: 55	evidence	دَلِیل (جمع: دَلائِل، اَدْلَه، اَدِلَاء)	۱: ۶۹
2:127	blood	دَم (جمع: دِماء): خون	۲: ۵
4: 4	bloods	دِماء (مفرد: دَم): خون ها	۴: ۴
4: 95	tears	دُمُوع (مفرد: دَمْع): اشک ها	۴: ۷۰
6: 82	sordid: base, mean	دَنّی (جمع: اَدْنِیاء): پست	۶: ۶۹
4:176	calamities	دَواهِی (مفرد: داهِیَة): بلایا	۴: ۱۳۱
5: 11	the Tree of Holiness	دَوَحَه رَحْمَانِیَه	۵: ۴۶۶
5: 13	dispensation	دَوْر (جمع: اَدوار)	۵: ۴۶۹
1: 31	the Beloved	دوست	۱: ۳۵
4: 73	the Incomparable Friend	دوست یِکْتا	۴: ۵۴

5: 14	friendliness	دوستی	۵: ۴۷۰
1: 41	wealth	دَوْلَت: دارائی، ثروت	۱: ۴۹
1: 43	dominion: government	دَوْلَت (جمع: دَوْل): حکومت	۱: ۵۲
5: 7	alarm	دَهْشَت: حیرت، سراسیمگی	۵: ۴۶۱
4:104	oil	دُهْن (جمع: آدهان): روغن	۴: ۷۶
1: 28	habitations	دِیَار (مفرد: دار): مساکن و مسلها	۱: ۳۱
2:168	preamble	دِیَاج: مقدمه کتاب، دیباچه	۳: ۱۱۵
4:133	darkness	دِیَجور (جمع: دِیَاجیر): تاریکی	۴: ۹۷

« ذ »

2:122	to melt	ذَابَ (يَذُوبُ): ذوب شدن، گداختن	۲: ۲
6: 98	the divine Being	ذَاتِ أَحَدِيَّةٍ	۶: ۷۹
6: 99	the Ancient of Days	ذَاتِ أَزَلٍ	۶: ۸۰
6: 99	the unchangeable Being	ذَاتِ أَزَلِيَّةٍ	۶: ۸۰
2:177	to taste	ذَاقَ (يَذُوقُ): چشیدن	۲: ۱۱
4: 17	wick	ذُبَالَةٌ: فتيله	۴: ۱۳
4:101	the Sacrifice: Ishmael	ذَبِيح: قربانی	۴: ۷۴
4:151	arm	ذِرَاعَ (جمع: أذْرُع): فاصله آرنج تا سر انگشتان	۴: ۱۱۲
4: 11	to flow (tears)	ذَرَفَ (يَذْرِفُ): جاری شدن اشک	۴: ۹
4: 27	pinnacle: lofty peak	ذُرْوَةٌ (جمع: ذُرَى): قله کوه	۴: ۲۱
2:134	summit: the highest point	ذُرْوَةٌ: بلندترین مرتبه	۲: ۴۶
2:119	praise	ذِكْر	۲: ۷
1: 35	remembrance	ذِكْر: یاد کردن	۱: ۴۱
2:121	mention	ذِكْر: امری را به زبان آوردن	۲: ۲
2:131	to remember	ذَكَرَ (يَذْكُرُ): بیاد آوردن	۲: ۵۳
5: 19	lowliness	ذُلٌّ: خواری، حقارت	۵: ۴۷۵
1: 39	abasement	ذَلَّتْ: خواری	۱: ۴۶
2:131	degradation	ذَلَّتْ: ذلیل گردیدن	۲: ۵۳
2:122	lowly	ذَلِيلَ (جمع: أَذِلَاءَ): خوار	۲: ۲
4: 8	sin	ذَنْبَ (جمع: ذُنُوبَ): گناه	۴: ۷
1: 54	kindred: relatives or family	ذَوَالْقُرْبَى: خویشاوندان	۱: ۶۸
1: 16	gold	ذَهَبٌ: زر، طلا	۱: ۱۷
1: 31	all glorious	ذِي الْجَلَالِ: دارای جلال	۱: ۳۵
4: 98	wolves	ذِنَابَ (مفرد: ذَنْبَ): گرگ ها	۴: ۷۲

« ر »

4: 29	tranquility	رَاحَت	۴: ۲۲
2:119	one who shows mercy	رَاحِم: رحم کننده، بخشاینده	۲: ۷
2:159	pitier: one who shows compassion	رَاحِم: رحم کننده	۲: ۲۰
2: 28	head	رَأْس (جمع: رُؤوس): سر، سرور، اوّل هر چیزی	۲: ۵۹
5: 14	truthfulness	راستی	۵: ۴۷۰
5: 8	rectitude of conduct	راستی	۵: ۴۶۲
4: 97	steadfast	رَامِخ: ثابت، استوار	۴: ۷۲
4: 19	shepherd	رَاعِي (جمع: رُعاة): چوپان	۴: ۱۴
5: 18	mercy	رَأْفَت: رحمت، بخشش	۵: ۴۷۴
2:135	to gaze	رَأَى (يَرَى): دیدن	۲: ۴۶
2:121	to see	رَأَى (يَرَى): دیدن	۲: ۱
2:125	to perceive	رَأَى (يَرَى): دیدن با قوه عقل	۲: ۴
2:172	to behold: to see	رَأَى (يَرَى): دیدن	۳: ۱۱۹
4: 89	world-adorning view	رَأَى جهان آرا	۴: ۶۶
3:217	banners	رَايَات (مفرد: رَايَة): پرچم ها، علم ها	۲: ۵۷
2:184	ensign	رَايَة (جمع: رَايَات): پرچم، عَلَم	۳: ۱۳۹
1: 52	fragrance	رَائِحَة (جمع: رَوَائِح): بوی خوش	۱: ۶۴
2:120	Lord	رَبّ (جمع: أرباب، رُبوب): خداوند، آقا، صاحب	۲: ۱
6: 12	the All Glorious	رَبُّ العِزَّة	۶: ۱۰
5: 10	heavenly	رَبَّانِي: منسوب به پروردگار	۵: ۴۶۵
4: 82	to profit from	رَبِحَ (يَرْبِحُ): سود و منفعت بردن	۴: ۶۰
2:126	Lordship	رُبُوبِيَّة	۲: ۵
6:197	spring: first season	رَبِيع: فصل بهار	۶: ۱۶۴
5: 18	to lament	رَثَى (يَرثِي): سوگواری کردن	۵: ۴۷۴
1: 15	to yearn	رَجَا (يَرْجُو): امید داشتن	۱: ۱۵
4: 21	men	رِجَال (مفرد: رَجُل): مردها	۴: ۱۷
4: 3	supreme aspiration	رَجَاء (ضد: يَأْس): امید	۴: ۳
4: 5	desire	رَجَاء (ضد: يَأْس): امید	۴: ۴

1: 20	foot	رِجْل (جمع: أَرْجُل): پا	۱: ۲۲
6: 84	death by stoning	رَجْم: سنگسار کردن	۶: ۷۱
4: 25	accursed	رَجِيم: لعن و نفرین شده	۴: ۱۹
5: 23	vastness	رُحْب: وسعت	۵: ۴۸۱
2:138	precinct	رَحْبَة (جمع: رِحَاب): پیشگاه	۲: ۵
1: 28	celestial: divine	رَحْمَانِي	۱: ۳۰
1: 34	favour	رَحْمَت: مهربانی، رِقْت	۱: ۳۹
2:120	mercy	رَحْمَت: بخشش	۲: ۱
3:218	compassion	رَحْمَت: شفقت	۲: ۵۷
2:120	merciful	رَحِيم: بخشاینده و مهربان	۲: ۱
2:161	choice wine	رَحِيق: شراب ناب، صفت آیات الهیه	۳: ۱۲۲
4: 44	the Choice Sealed Wine	رَحِيق مَخْتوم	۴: ۳۳
2:120	compassionate	رَحِيم (جمع: رُحَمَاء): بخشاینده	۲: ۱
2:138	pitiful	رَحِيم (جمع: رُحَمَاء): رحم کننده	۲: ۶۶
5: 19	prosperity: wealth, success	رَخَاء: گشایش در معیشت	۵: ۴۷۶
5: 8	breach	رَخْنه	۵: ۴۶۲
6: 88	denunciation	رَدَّ	۶: ۷۴
6:166	denial	رَدَّ	۶: ۱۳۹
6: 59	mantle: robe	رِدَاء (جمع: أَرْدِيَّة): عبا، بالاپوش	۶: ۵۰
1: 19	garment	رِدَاء (جمع: أَرْدِيَّة): عبا، بالاپوش	۱: ۲۰
4: 95	death	رِدَى: مرگ	۴: ۷۰
4: 93	dew	رِذَاذ: باران نرم و ریز	۴: ۶۹
4: 95	trials	رِزَايا (مفرد: رَزِيَّة): بلیات، شدائد	۴: ۷۰
4: 17	afflictions	رِزَايا (مفرد: رَزِيَّة): سختی ها، مصائب	۴: ۱۳
2:127	to supply: to provide	رَزَقَ (يَرْزُقُ): روزی رساندن	۲: ۵
6:181	Messengership	رِسَالَت	۶: ۱۵۱
5: 24	treatise	رِسَالَة (جمع: رَسَائِل): نوشته، کتاب	۵: ۴۸۲
6:108	abiding felicity	رِسْتگاری	۶: ۸۸
2:132	Messengers	رُسُل (مفرد: رَسول): پیغمبران	۲: ۵۴
4: 87	steadfastness	رُسُوخ: راسخ و ثابت بودن	۴: ۶۴

4: 81	the Apostle of God: Muhammad	رَسُولُ اللَّهِ	٤: ٦٠
6: 28	dev drop	رَشْحَه (جمع: رَشْحَات): قطره، چگ	٦: ٢٤
5: 23	to hurl: to throw	رَشَقَ (يَرشُقُ): پرتاب کردن	٥: ٤٨٠
4:119	bullets	رِصَاص: گلوله تفنگ، سرب	٤: ٨٨
1: 29	will: pleasure	رِضَا (رِضَى): خشنودی	١: ٣٢
2:121	good pleasure	رِضَاء	٢: ١
2:124	willing submission	رِضَاء	٢: ٣
1: 5	paradise	رِضْوَان: بهشت	١: ٣
4: 29	shepherds	رُعَاة (مفرد: راعى): چوپانان	٤: ٢٢
4: 98	fear	رُعب: ترس	٤: ٧٢
1: 4	to turn away	رَغِبَ عَن (يَرغِبُ عَن): متنفر بودن	١: ٢
4:173	in spite of	رَغَم: با وجود	٤: ١٢٩
1: 25	height: highest limit	رَقْرَف (جمع: رَقَارِف): مقام بلند	١: ٢٧
6:160	the inaccessible heights of glory	رَقْرَفِ امْتِنَاع	٦: ١٣٤
2:121	to raise	رَفَعَ (يَرفَعُ): بالا بردن، بلند کردن	٢: ١
2:132	to dispel: to scatter	رَفَعَ (يَرفَعُ): رفع کردن، گرفتن	٢: ٥٤
1: 14	exalted	رَفِيع: بلند مرتبه	١: ١٤
4: 72	the Supreme Companion	رَفِيقُ أَعْلَى	٤: ٥٤
5: 18	to be moved with compassion	رَفِقَ (يَرفِقُ): ترحم داشتن	٥: ٤٧٥
2: 54	slumber	رَقْد: خواب	٢: ٦١
5: 4	wrapt in holy ecstasy	رَقَصٌ مُكْنَان	٥: ٤٥٧
3:218	to be stilled	رَكَدَ (يَركُدُ): ساکن شدن	٢: ٥٧
1: 13	to speed	رَكَضَ (يَركُضُ): دویدن، پناه بردن	١: ١٢
1: 37	dust	رَمَاد (جمع: أَرمِدَة): خاکستر، خاک	١: ٤٤
6:200	dart	رُمَح (جمع: رِمَاح، أَرمَاح): نیزه	٦: ١٦٧
2:125	symbol	رَمَز (جمع: رُمُوز)	٢: ٤
6:200	assault: a violent attack	رَمَى: تیر انداختن	٦: ١٦٧
1: 24	spirit	رُوح (جمع: أرواح): جان، روان	١: ٢٤
2:184	the Spirit: Jesus	رُوح (حضرت روح): حضرت مسیح	٣: ١٤٠
6:114	the Spirit of God	رُوحُ الْأَمِين: حامل وحی، جبرئیل	٦: ٩٣

1: 44	holy spirit	رُوحُ الْقُدُس: جبرئیل، فیض الہی	۱: ۵۴
4:168	may the sou's of all else but Him be sacrificed for His sake	رُوحٌ مَا سِوَاهُ فِدَاهُ	۴:۱۲۵
1: 28	celestial: divine	روحانی: منسوب بہ روح	۱: ۳۱
5: 4	may my life be a sacrifice unto Him	روحی لَہِ الرَّبِّ	۵:۴۵۷
5: 4	may my life be offered up for His loved ones	روحی لِأَحِبَّائِهِ الْفِدَاءِ	۵:۴۵۸
1: 24	garden	رَوْضَه (جمع: ریاض): باغ، گلستان	۱: ۲۵
2:138	merciful	رَوْفٌ	۲: ۶۶
4: 49	monks	رُهبان (مفرد: راہب)	۴: ۳۷
6: 46	myrtles	رِیاحین (مفرد: ریحان): گیاهان سبز و خوشبو	۶: ۳۸
5: 3	flourishing	رَبَّان (جمع: رواء): شاداب و سرسبز	۵:۴۵۶
2: 55	doubt	رَبِّب: شک و تردید	۲: ۶۱
6: 36	sparkling	زاهر: درخشان	۶: ۳۰
1: 16	fleeting: transient, not lasting	زائل: از بین رفته	۱: ۱۷
2:127	scriptures	زُبُر (مفرد: زبور): رسالہ ہا	۲: ۶
4:104	glass	زُجاج: شیشہ	۴: ۷۷
6: 87	worldly emoluments	زَخَارِفِ دُنْیَا: مال و ثروت دنیا	۶: ۷۴
6:171	idle sayings	زَخَارِفِ قَوْلٍ	۶:۱۴۳
5: 17	chief	زَعِيم (جمع: زعماء): پیشوا، رہبر	۵:۴۷۳
2:125	sighs	زَقَرَات (مفرد: زَقْرَة): نالہ ہا	۲: ۴
6:190	infernal tree	زَقُوم: غذای کشندہ، درخت جہنمی	۶:۱۵۹
2:173	to purify	زَكَّى (يُزَكِّي): پاک و منزہ کردن	۲: ۹
4:132	earthquakes	زَلَزِل (مفرد: زَلَزَلَة): زمین لرزہ ہا	۴: ۹۷
2:184	crystal water	زُلَّال: آب صاف و گوارا	۳:۱۳۹
4: 8	rein	زمام (جمع: آزِمَة): افسار، مہار	۴: ۷
6:166	time	زَمَن (جمع: آزمان): زمان، عصر	۶:۱۳۹
6: 84	adultery	زنا	۶: ۷۱
2:117	noon	زوال: ہنگام ظہر	۲: ۸
5: 3	to stand for righteousness	زَهْدًا (يُزَهِّدُ): زاہد بودن	۵:۴۵۷
2:169	to deck forth: to adorn	زَيَّنَ (يُزَيِّنُ): زینت دادن	۳:۱۱۵

4: 1 to embellish: to adorn

زَيَّنَ (يُزَيِّنُ): زینت دادن ۴: ۲

1: 28 adorned

زینت یافته ۱: ۲۱

« ز »

1: 45 fathomless

زُرف ١: ٥٥

«س»

1: 26	court: open space, arena	سَاحَت: پیشگاه	۱: ۲۷
1: 26	the court of the Most High	ساحت لولاکی	۱: ۲۷
4: 64	sorcerer	ساجِر: جادوگر	۴: ۴۷
1: 41	quintessence: pure essence	ساذِج: جوهر خالص، خالص	۱: ۵۰
4: 21	thief	سارق: دزد	۴: ۱۶
2:165	to impel: to propel	ساقَ (یسوقُ): بحرکت درآوردن	۳: ۱۲۹
5: 17	adversity: trouble	ساق (جمع: سوق، سیقان): سختی و شدت	۵: ۴۷۳
1: 36	cupbearer	ساقی	۱: ۴۲
2:123	to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): گدائی کردن	۲: ۳
2:121	to implore: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): استدعا کردن	۲: ۱
2:126	to entreat: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): طلب کردن	۲: ۴
2:120	to beseech: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): التماس کردن	۲: ۱
2: 28	wakeful	ساهر: بیدار	۲: ۵۹
4:132	the Plain	سَاهِرَة: دشت خوفناک، از القاب قیامت	۴: ۹۷
4: 3	suppliant	سائل: استدعا کننده	۴: ۳
6: 38	seeker	سائل: طالب	۶: ۳۲
4: 17	to curse	سَبَّ (يَسُبُّ): دشنام دادن	۴: ۱۳
4: 24	to revile	سَبَّ (يَسُبُّ): ناسزا گفتن	۴: ۱۸
4: 7	to blaspheme	سَبَّ (يَسُبُّ): کفر گفتن	۴: ۶
6:166	execration: curse	سَبَّ: دشنام، ناسزا	۶: ۱۳۹
5: 9	lions	سَبَاع (مفرد: سَبْع): درندگان	۵: ۴۶۳
2:136	veils	سُبُحات (مفرد: سُبْحَة): پرده ها، جلال	۲: ۴۷
2:122	exalted art thou	سُبْحَانِكَ	۲: ۲
2:124	too high art thou	سُبْحَانِكَ	۲: ۴
6: 17	Sept	سَبْطِي: پیرو حضرت موسی	۶: ۱۵
2:131	path	سَبِيل (جمع: سُبُل): راه، طریق	۲: ۵۳
6:165	the way of truth	سَبِيل حَق	۶: ۱۳۹
3:219	concealer	سَتَار: پنهان کننده	۲: ۵۸

4: 38	dissimulation: hiding	ستر: پوشاندن، پنهان کردن	۴: ۳۰
5: 4	iniquity	سَمّ	۵: ۴۵۸
2:175	to prostrate oneself	سَجَدَ (يَسْجُدُ): سجده کردن	۲: ۱۰
2:130	prison	سِجْن (جمع: سُجُون): زندان	۲: ۵۳
5: 7	incarceration	سِجْن: حبس	۵: ۴۶۱
2:17i	the Most Great Prison	سِجْنِ اعْظَم: زندان عگاء	۳: ۱۱۸
6: 37	hell	سِجِّين: زندان، سخت، شدید، دانم، جهنم	۶: ۳۱
1: 50	cloud	سَحَاب (جمع: سُحُب): ابر	۱: ۶۲
2:169	daybreak	سَحَر (جمع: اَسْحَار)	۳: ۱۱۶
5: 20	extermination	سَحَق: هلاک نمودن	۵: ۴۷۷
6: 7	to scoff	سَخَرَ (يَسْخَرُ): استهزاء کردن	۶: ۶
6: 7	to deride: to ridicule	سَخَرَ (يَسْخَرُ): مسخره کردن	۶: ۶
2:122	to subdue: to conquer	سَخَّرَ (يُسَخِّرُ): تسخیر کردن	۲: ۲
6:117	derision: ridicule	سُخْرِيَّة: ریشخند	۶: ۹۷
6:215	vile imputations	سُخْنَاهِ لَفُو	۶: ۱۸۲
6:188	base	سَخِيف: پست، بی مقدار	۶: ۱۵۷
2:129	tree	سِدْرَه: درخت	۲: ۵۲
2:170	the Burning Bush	سِدْرَه سِينَاء	۳: ۱۱۷
3:217	the Divine Lote-Tree	سِدْرَةُ الْمُنتَهَى	۲: ۵۷
1: 14	inmost soul	سِرِّ (جمع: اَسْرَار): قلب، راز	۱: ۱۴
2:125	mystery	سِرِّ (جمع: اَسْرَار): امر پنهان، راز	۲: ۴
4:104	lamp	سِرَاج (جمع: سُرُج): چراغ	۴: ۷۶
1: 25	pavilion: large tent	سُرَادِق: سراپرده، چادر بزرگ	۱: ۲۷
6:101	the mystic Tabernacle	سُرَادِقُ الْعَمَاء	۶: ۸۲
1: 37	sanctuary of the tabernacle of God	سُرَادِقِ حَفْظِ اللَّهِ	۱: ۴۳
5: 19	bliss: spiritual joy	سَرَّاء: شادی، خوشی	۵: ۴۷۶
1: 51	to warble	سَرَانِيدن	۱: ۶۳
2:122	to hasten	سَرَّعَ (يَسْرِعُ): شتاب کردن، شتافتن	۲: ۲
5: 4	to be banished	سُرْغُونِ گَرْدِيدن	۵: ۴۵۸
6: 46	infinite: endless, eternal	سَرْمَدِي: همیشگی، دائمی	۶: ۳۹

1: 30	joy	سُرور	۱: ۳۴
1: 23	call	سُرُوش	۱: ۲۴
4:133	to waft: to blow gently	سَرَى (سَرَى): وزیدن	۴: ۹۸
3:215	might	سَطَوَات: اقتدار، هیمته	۲: ۵۵
4:133	awful majesty	سَطَوَات: بزرگی، عظمت	۴: ۹۷
6: 8	happiness	سَعَادَات	۶: ۷
4:133	to make to blaze	سَعَرَ (يُسَعِّرُ): آتش افروختن	۴: ۹۸
4:133	hell	سَعِير (جمع: سُعْر): جهنم، آتش افروخته	۴: ۹۸
6: 24	Gospel	سَفَر (جمع: أَسْفَار): کتاب	۶: ۲۱
2:170	to shed	سَفَكَ (يَسْفِكُ): ریختن آب یا خون	۳: ۱۱۷
2:134	lowest	سُفْلَى (مذکر: أَسْفَل): پست تر (ین)	۲: ۴۶
4: 48	to fall	سَقَطَ (يَسْقُطُ): بر زمین افتادن، فرود آمدن	۴: ۳۷
4: 47	sickness	سُقْم (جمع: أَسْقَام): بیماری، نادرستی	۴: ۳۵
2:138	to make someone drink	سَقَى (يَسْقِي): آب خوراندن	۲: ۶۵
4: 5	dwellers	سُكَّان (مفرد: ساكن): ساکنین	۴: ۵
3:216	drunkenness	سُكْر: مستی	۲: ۵۶
4: 79	stupor: mental dullness	سُكْر: مستی	۴: ۵۹
2:169	inebriety: drunkenness	سُكْر: مستی	۳: ۱۱۶
4: 87	poise: ease and dignity of manner	سُكُون	۴: ۶۴
4: 75	serenity	سُكُون	۴: ۵۵
5: 8	calm and quietness	سُكُون و قَرَار	۵: ۴۶۳
5: 23	to unsheathe: to draw, remove	سَلَّ (يَسْلُ): بر کشیدن	۵: ۴۸۰
4: 22	weapon	سِلَاح (جمع: أَسْلِحَة)	۴: ۱۷
2:135	chains	سَلَامِل (مفرد: سَلِيلَة): زنجیرها	۲: ۴۶
2:119	peace	سَلَام: صلح، آرامش	۲: ۷
2:184	fountain	سَلْسَال: آب روان و گوارا	۳: ۱۳۹
1: 53	stream	سَلْسَبِيل: آب شیرین و گوارا	۱: ۶۶
2:127	king	سُلْطَان (جمع: سَلَاطِين): پادشاه	۲: ۵
2:134	sovereignty	سُلْطَان: قدرت، شوکت	۲: ۴۶
3:216	sovereign	سُلْطَان (جمع: سَلَاطِين): پادشاه	۲: ۵۶

6: 52	ideal King	سُلْطَان حَقِيقِي	٦: ٤٤
2:122	sovereignty	سَلْطَنَت	٢: ٢
5: 3	power	سُلْطَة: قدرت، توانائی	٥: ٤٥٦
4: 48	sound	سَلِيم: سالم، درست	٤: ٣٦
4:147	needle's eye	سَمَّ اِبْرَه: سوراخ سوزن	٤: ١٠٩
2:120	heaven	سَمَاء (جمع: سَمَاوَات): آسمان	٢: ١
6: 3	firmament: sky, solid arch	سَمَاء (جمع: سَمَاوَات): آسمان	٦: ٢
5: 3	beneficent: generous	سَمَحَاء (مذکر: اَسْمَح): صاحب کرم	٥: ٤٥٦
2:125	to hear	سَمِعَ (يَسْمَعُ): شنیدن	٢: ٤
4:135	advancement	سُمُو: بلندی و بزرگی مقام	٤: ٩٩
2:176	to call: to name	سَمَى (يُسَمِّي): نامیدن	٢: ١١
2:158	to name	سَمَى (يُسَمِّي): نامیدن	٢: ٢٠
1: 18	enlightenment	سَنَاء: روشنی	١: ١٩
4: 3	mainstay: a chief support	سَنَد (جمع: اَسْنَاد): تکیه گاه	٤: ٣
4: 98	straight path	سَوَاء الصِّرَاط	٤: ٧٢
4: 6	to darken	سَوَدَ (يُسَوِّدُ): سیاه کردن	٤: ٥
6: 53	market	سَوْق (جمع: اَسْوَاق): بازار	٦: ٤٥
2:121	save: except, but, other than	سِوَى: مگر، جز، غیر	٢: ١
2:127	evil	سُوء (جمع: اَسْوَاء): بدی، شرّ	٢: ٥
3:220	shaft	سَهْم (جمع: سِهَام): تیرها	٢: ٥٨
6: 90	scourges	سَيَاط (مفرد: سَوَاط): تازیانه ها	٦: ٧٦
4: 3	master	سَيِّد (جمع: سَادَات): سرور، آقا، بزرگ	٤: ٣
6:225	the Prince of Martyrs: Imam Husayn	سَيِّدُ الشُّهَدَاء	٦: ١٩٠
6:185	Muhammad	سَيِّد لَوْلَاک: از القاب حضرت محمّد	٦: ١٥٥
2:135	sword	سَيْف (جمع: سُيُوف، اَسْيَاف): شمشیر	٢: ٤٦
2:131	swords	سُيُوف (مفرد: سَيْف): شمشیرها	٢: ٥٣
5: 20	misdeed	سَيِّئَة (جمع: سَيِّئَات): خطا، گناه	٥: ٤٧٨

« ش »

4: 63	sharpened	شاحذ: تیز و برآن	۴: ۴۷
2:132	grateful	شاکر: شکر گزار	۲: ۵۴
3:216	Syria	شام: سوریه	۲: ۵۶
1: 37	sovereignty	شاهنشهی	۱: ۴۳
4: 29	haply: perhaps	شاید	۴: ۲۲
2:130	to desire	شاء(یشاء): خواستن	۲: ۵۳
2:123	to will	شاء(یشاء): اراده کردن	۲: ۲
4: 56	span	شیر: وجب	۴: ۴۲
1: 29	tree of life	شجره انیسا	۱: ۳۲
5: 5	the Blessed Tree	شجره مبارکه	۵: ۴۵۹
2:124	to embolden	شجع(یشجع): جرات دادن، جسور کردن	۲: ۳
4: 78	grievous vexations	شدائد(مفرد: شدة): سختی ها	۴: ۵۸
2:132	affliction: distress	شدت(جمع: شدائد): سختی	۲: ۵۴
2:136	mischief	شر	۲: ۴۷
2:138	to gladden his bosom	شرح(یشرح) صدره	۲: ۶۶
4: 98	pack	شرذمة(جمع: شراذم): دسته کوچک	۴: ۷۲
2:134	to honor	شرف(یشرف): مفتخر ساختن	۲: ۴۶
2:175	to confer honor upon	شرف(یشرف): مفتخر ساختن	۲: ۱۰
2:184	excellence	شرف	۳: ۱۳۹
1: 30	misbelief	شوک: شریک دانستن برای خدا	۱: ۳۳
4:176	iniquities	شور(مفرد: شر): بدیها	۴: ۱۳۱
6: 38	dispensation	شریعت(جمع: شرایع): آئین، مذهب	۶: ۳۲
5: 4	law	شریعت(جمع: شرائع): آئین، مذهب	۵: ۴۵۷
5: 25	the Law of God	شریعت الله: احکام الهیه	۵: ۴۸۳
2:161	hair	شعر(جمع: أشعار، شعار، شعور): مو	۳: ۱۲۳
4:131	to understand	شعر(یشعر): درک کردن، فهمیدن	۴: ۹۷
4: 78	to plead on behalf of (someone)	شفاعت: درخواست عفو	۴: ۵۸
4: 15	good-will: kindness	شفقت: مهربانی	۴: ۱۱

4: 15	kindliness	شَفَقَت: مهربانی	۴: ۱۲
4: 89	mercy	شَفَقَت: رحمت	۴: ۶۵
4: 25	loving providence	شَفَقَت: عنایت	۴: ۲۰
4: 42	to tear	شَقَّ (يَشُقُّ): پاره کردن	۴: ۳۲
4: 5	to rend asunder: to tear apart	شَقَّ (يَشُقُّ): دریدن	۴: ۵
4:134	contention: discord	شِقَاق: دشمنی، اختلاف	۴: ۹۹
5: 19	discord	شِقَاق: ناسازگاری، جدائی و نفاق	۵: ۴۷۷
6: 8	misery	شَقَاوَت (ضد: سعادت): بدبختی	۶: ۷
4: 6	iniquity: wickedness	شَقَوَت: شقاوت، شرارت	۴: ۵
3:220	to thank	شَكَرَ (يَشْكُرُ): شکر کردن	۲: ۵۸
2:120	left (side, hand)	شَمَال (ضد: يَمِين): طرف چپ	۲: ۱
5: 18	to bestir oneself	شَمَّرَ (يُشَمِّرُ): همت گماشتن	۵: ۴۷۵
2:121	day-star: sun	شَمْس (جمع: شُموس): آفتاب، خورشید	۲: ۱
3:217	sun	شَمْس (جمع: شُموس): آفتاب، خورشید	۲: ۵۶
6: 97	the Day-star of Truth	شَمْس حَقِيقَت	۶: ۷۸
6:182	the Light of Truth	شَمْس حَقِيقِي	۶: ۱۵۲
5: 7	gathering	شَمَل: جمع، اجتماع	۵: ۴۶۱
4: 7	suns	شُموس (مفرد: شَمْس): خورشیدها	۴: ۶
6: 82	the divine Luminaries	شُموس باقِیَه	۶: ۶۹
6: 97	the Luminaries of truth	شُموس حَقِيقَت	۶: ۷۹
1: 24	desire	شَوَق (جمع: اشواق)	۱: ۲۵
6:125	power	شَوَكَت: قوه و قدرت	۶: ۱۰۳
3:216	meteor	شَهَاب (جمع: شُهَب): ستاره جهنده	۲: ۵۶
2:123	to bear witness	شَهِدَ (يَشْهَدُ): شهادت دادن	۲: ۲
2:123	to testify	شَهِدَ (يَشْهَدُ): شهادت دادن	۲: ۳
4: 20	month	شَهْر (جمع: اشهُر، شهور): ماه	۴: ۱۶
1: 36	passion	شَهْوَت	۱: ۴۲
1: 37	worldly desire	شَهْوَت	۱: ۴۳
2:132	martyr	شَهِيد (جمع: شُهَدَاء)	۲: ۵۴
3:216	satan	شَيْطَان (جمع: شَيْاطِين)	۲: ۵۶

1: 40	satanic	شَيْطَانِي	١: ٤٧
6: 3	all that is earthly	شُئُونَاتِ عَرْضِيَّه	٦: ٢
6: 82	selfish desires	شُئُونَاتِ نَفْسِيَّه	٦: ٦٩

«ص»

3:220	to weep	صَاخَ (يَصِيخُ): فریاد زدن، نوحه کردن	۲: ۵۸
1: 29	true	صَادِق	۱: ۳۲
2:174	to fast	صَامَ (يَصُومُ): روزه گرفتن	۲: ۱۰
5: 3	to guard	صَانَ (يَصُونُ): حفظ و نگهداری کردن	۵: ۴۵۶
5: 7	deadly	صَائِلٌ: حمله کننده، مهاجم	۵: ۴۶۲
2: 53	morning	صَبَاح: صبح	۲: ۶۲
4: 94	cold: severe coldness	صَبَارَةٌ: شدت سرما	۴: ۶۹
3:214	morn	صُبْح	۲: ۵۵
1: 47	long-suffering	صَبِيرٌ: شکیبائی	۱: ۵۷
1: 38	mead: meadow	صَحْرَاء	۱: ۴۴
2:181	scriptures	صُحُف (مفرد: صَحِيفَةٌ): رساله ها	۲: ۱۳
1: 24	breast	صَدْر (جمع: صُدُور): سینه، قلب	۱: ۲۶
2:138	bosom	صَدْر (جمع: صُدُور): سینه، قلب	۲: ۶۶
2:132	sincerity	صِدْق: خلوص	۲: ۵۴
3:217	truth	صِدْق (صَدَّ: دروغ): راستی	۲: ۵۶
5: 4	vicissitudes: difficulties	صَدَمَات (مفرد: صَدْمَةٌ)	۵: ۴۵۸
6: 14	open: clear	صِرَاح: واضح و آشکار	۶: ۱۱
5: 12	openly	صَرَاحَةً	۵: ۴۶۷
4: 5	path	صِرَاط (جمع: صُرُط): راه، طریق	۴: ۴
1: 48	assayer	صَرَاف: زرشناس	۱: ۵۹
4: 10	pure	صِرْف: خالص، بی غش	۴: ۸
6: 48	utter: complete, absolute	صِرْف: کامل، تمام، محض	۶: ۴۰
2:125	wailing	صَرِيخ: فریاد برای کمک طلبیدن	۲: ۴
4: 40	shrill voice	صَرِير: صدای قلم موقع تحریر، فریاد	۴: ۳۱
2:124	to ascend	صَعِدَ (يَصْعَدُ): بالا رفتن، قوت کردن	۲: ۴
4: 26	ascent	صُعُود: بالا رفتن، قوت کردن	۴: ۲۰
5: 12	passing: death	صُعُود: قوت کردن	۵: ۴۶۸
2:125	attributes	صِفَات (مفرد: صِفَةٌ)	۲: ۴

3:217	purity	صَفَاء: پاکی	۲: ۵۶
4: 11	sincerity	صَفَاء: خلوص، صداقت	۴: ۸
2:120	obligatory prayer	صَلَات(جمع: صَلَوَات): نماز	۲: ۱
4: 1	benediction: a blessing	صَلَات(جمع: صَلَوَات): رحمت خدا	۴: ۲
2:119	blessing: divine favor	صَلَات(جمع: صَلَوَات): رحمت خدا	۲: ۷
4: 85	to crucify	صَلَب(يُصَلَبُ): به صلیب آویختن	۴: ۶۲
6:112	loins	صُلَب(جمع: أَصْلَاب): پشت، ستون فقرات	۶: ۹۱
5: 8	peace and amity	صُلح و صلح	۵:۴۶۲
2:117	to pray	صَلَّى(يُصَلِّي): نماز گزاردن، دعا کردن	۲: ۶
4: 41	to bless	صَلَّى(يُصَلِّي): رحمت فرستادن، درود فرستادن	۴: ۳۱
4:178	may the blessings of God and His salutations be upon him	صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ	۴:۱۳۲
5: 23	silence	صَمْت: سکوت، خاموشی	۵:۴۸۰
4: 3	ever abiding	صَمَد: پاینده	۴: ۳
6:184	pre-eminent leaders	صِنَادِيد(مفرد: صِنْدِيد): بزرگان	۶:۱۵۴
5: 17	the truth	صَوَاب(ضد: خطأ): راست و درست، حق	۵:۴۷۳
4:133	bugle	صَوْر: بوق، شیپور بزرگ	۴: ۹۷
6: 26	trumpet	صَوْر: شیپور بزرگ، بوق	۶: ۲۳
2:173	fast	صِيَام: روزه	۲: ۹
4: 14	protection	صِيَانَت: حفظ، محافظت	۴: ۱۱
5: 4	preservation	صِيَانَت: حفظ	۵:۴۵۷
5: 10	fame	صِيَت: آوازه، شهرت	۵:۴۶۶
6: 10	great cry	صَيْحَه: فریاد شدید	۶: ۸
4: 55	summer	صَيْف: تابستان	۴: ۴۱

«ض»

5: 9	ferocious	ضاری: درنده، اذیت کننده	۵: ۴۶۳
5: 18	to be troubled	ضاق(یَضِيقُ): دلتنگ شدن، تنگ و سخت شدن	۵: ۴۷۴
2:125	groaning	ضَجِيج: ناله و بیتابی کردن	۲: ۴
2:172	lamentation	ضَجِيج: ناله و بیتابی کردن	۳: ۱۱۹
2:132	difficulty	ضَرَّ: سختی	۲: ۵۴
4: 23	harm	ضَرَّ: آسیب، آزار	۴: ۱۸
3:220	to be on fire	ضَرِمَ(يُضَرِمُ): افروخته بودن	۲: ۵۸
4: 93	blind	ضَرِير: نابینا، کور	۴: ۶۹
4: 55	double	ضَعْف(جمع: أضعاف): دو چندان، دو برابر	۴: ۴۱
4: 12	enmity	ضَغِينَة(جمع: ضَغَائِن): کینه، حقد	۴: ۹
1: 12	to go astray	ضَلَّ(يَضِلُّ): گمراه شدن	۱: ۱۱
4:135	error	ضَلَال: گمراهی، اشتباه	۴: ۹۹
6: 8	error	ضَلَّات: خطا، گمراهی	۶: ۷
2:173	noise	ضَوَضاء: هیاهو، غوغا، همهمه	۲: ۹
2:161	splendor	ضِيَاء: روشنائی	۳: ۱۲۲
3:215	radiance	ضِيَاء: تشعشع	۲: ۵۵
6: 24	oppression	ضِيق: تنگی، افسردگی	۶: ۲۱

« ط »

4: 63	to recover	طَابَ (يَطِيبُ): شفا و بهبودی یافتن	٤: ٤٦
2:163	to soar	طَارَ (يَطِيرُ): پرواز کردن	٣: ١٢٦
3:220	to fly	طَارَ (يَطِيرُ): پرواز کردن، پریدن	٢: ٥٨
2:128	to circle	طَافَ (يَطُوفُ): گرد جایی گشتن	٢: ٦
5: 23	overflowing	طَافِح: سرشار، لبریز	٥: ٤٨١
3:215	to be stretched out	طَالَ (يَطُولُ): دراز شدن	٢: ٥٥
1: 24	seeker	طَالِب (جمع: طُلَّاب): جوینده، محصل	١: ٢٦
4:129	to read	طَاعَ (يُطَاعُ): مطالعه کردن، خواندن	٤: ٩٥
4:132	the Catastrophe	طَامَّة: قیامت، بلای سخت	٤: ٩٧
5: 17	tribulation	طَامَّة: بلای سخت	٥: ٤٧٢
1: 28	pure	طَاهِر: پاک، مبرا از عیب	١: ٣١
3:220	all	طُرّاً: همه، تمام، جمعاً	٢: ٥٨
3:219	adornment	طِرَاز: زینت، زیور	٢: ٥٨
3:218	vesture: garment, apparel	طِرَاز: زینت، زیور	٢: ٥٧
2:177	to cast away	طَرَدَ (يَطْرُدُ): راندن و دور کردن	٢: ١١
2:168	to adorn	طَرَّرَ (يُطَرِّرُ): زینت دادن	٣: ١١٥
2:169	eye	طَرْف: چشم	٣: ١١٦
5: 9	fallen (upon the dust)	طَرِيح: بخاک افتاده	٥: ٤٦٤
2:172	oppressors	طَغَاة (مفرد: طاغی): ظالمان، گردنکشان	٣: ١٢٠
5: 23	to run over	طَفَحَ (يُطْفَحُ): سرشار و لبریز شدن	٥: ٤٨١
1: 7	to be extinguished	طَفِيَ (يُطْفِئُ): خاموش شدن	١: ٦
6:194	quest	طَلَب	٦: ١٦٢
2:133	to shine forth	طَلَعَ (يَطْلُعُ): طلوع کردن، نمایان شدن	٢: ٤٥
6:104	the beautiful Countenances	طَلَعَات بَدِيَعَة	٦: ٨٤
4: 93	with a bright and friendly face	طَلَّقَ الْوَجْهَ	٤: ٦٨
1: 37	well is it with	طَوْبِي: خوشا بحال	١: ٤٣
4: 17	willingly	طَوَّعاً: بطیب خاطر، از روی میل	٤: ١٣
1: 17	to cleanse	طَهَّرَ (يُطَهِّرُ): پاک کردن	١: ١٨

4: 2	to purify	طَهَّرَ (يُطَهِّرُ): پاک کردن	٤: ٣
1: 27	pure	طَيِّب: خوب، نیکو سرشت	١: ٢٩
1: 36	sacred	طَيِّب: نیکو سرشت	١: ٤١
6: 8	fragrance	طيب (جمع: اطياب): بوی خوش	٦: ٧
1: 24	bird	طير (جمع: طيور، اطيوار): پرنده	١: ٢٤
4:130	mire: deep mud, wet earth	طين: گِل، خاک	٤: ٩٦

« ظ »

1: 46	oppressor	ظالم	۱: ۵۷
1: 55	manifest	ظاهر	۱: ۶۹
4:136	triumph	ظَفَر: پیروزی	۴:۱۰۰
2:171	shadow	ظَل (جمع: ظلال، آظلال، ظُلوا): سایه	۳:۱۱۸
6: 85	to overshadow	ظَلَّل (يُظَلِّل): سایه افکندن	۶: ۷۱
2:172	wrong	ظلم	۳:۱۲۰
4: 14	oppression	ظلم	۴: ۱۱
1: 31	tyranny	ظلم	۱: ۳۶
4: 8	iniquity: lack of righteousness or justice	ظلم	۴: ۷
5: 4	flagrant injustice	ظلم	۵:۴۵۸
2:134	to transgress	ظَلَمَ (يُظَلِّمُ): ستم کردن	۲: ۴۶
5: 17	unbearable cruelty	ظلم لا يُطاق: ظلم طاقت فرسا	۵:۴۷۳
5: 5	malevolence and cruelty	ظلم و ستم	۵:۴۵۹
5: 19	darksome: dark	ظلمات: بسیار تاریک، تاریکی	۵:۴۷۵
4:121	darkness	ظلمات (جمع: ظلمات، ظلمات): تاریکی	۴: ۸۹
5: 17	unjust	ظلم: ظالم، ستمکار	۵:۴۷۳
4: 93	thirsty	ظمان: تشنه	۴: ۶۹
3:216	thirst	ظماء: عطش شدید	۲: ۵۶
2:127	idle fancies	ظنون (مفرد: ظن): گمانهای بیهوده	۲: ۶
2:131	superstitions	ظنون (مفرد: ظن): خرافات	۲: ۵۴
6:200	soul-devouring doubts	ظنون مَجْتَنِّه	۶:۱۶۷
2:134	to be unveiled	ظَهَرَ (يُظْهِرُ): هویدا شدن	۲: ۴۶
2:133	to dawn: to begin to appear	ظَهَرَ (يُظْهِرُ): ظاهر شدن	۲: ۴۵
2:126	back: rear	ظَهْر (جمع: ظُهور، أظهْر): پشت	۲: ۵
2:126	manifestation	ظهور	۲: ۵
2:118	revelation	ظهور	۲: ۷
6: 36	dispensation	ظهور	۶: ۳۰
3:215	signs	ظهورات	۲: ۵۵

«ع»

2:177	impotent: weak, powerless	عاجز	۲: ۱۱
5: 11	to oppose	عَارِضٌ (يُعَارِضُ): ضدیت و مخالفت کردن	۵: ۴۶۷
4: 83	man of understanding	عَارِفٌ: دانا، شناسنده	۴: ۶۲
4: 35	to associate	عَاشِرٌ (يُعَاشِرُ): معاشرت کردن	۴: ۲۷
4: 12	tempestuous	عَاصِفٌ: تند و شدید	۴: ۹
4: 25	mighty winds	عَاصِفَاتٌ: بادهای تند و شدید	۴: ۲۰
2:177	protector	عَاصِمٌ: حفظ کننده	۲: ۱۱
1: 15	rebel	عَاصِيٌ (جمع: عُصَاةٌ): سرکش، نافرمان	۱: ۱۵
2:122	transgressor	عَاصِيٌ (جمع: عُصَاةٌ): گناهکار	۲: ۲
1: 47	rebellious one	عَاصِيٌ (جمع: عُصَاةٌ): سرکش، نافرمان	۱: ۵۷
1: 25	realm	عَالَمٌ (جمع: عَوَالِمٌ)	۱: ۲۷
2:121	world	عَالَمٌ (جمع: عَوَالِمٌ): جهان، دنیا	۲: ۱
5: 11	men of action	عَامِلُونَ	۵: ۴۶۶
5: 18	floods	عُجَابٌ: سیلها، امواج	۵: ۴۷۵
2:136	servants	عِبَادٌ (مفرد: عَبْدٌ): بندگان	۲: ۴۷
2:123	worship	عِبَادَتٌ: پرستش	۲: ۳
2:132	service	عِبَادَتٌ: بندگی	۲: ۵۴
2:121	servant	عَبْدٌ (جمع: عِبَادٌ): بنده	۲: ۱
2:125	tears	عَبْرَاتٌ (مفرد: عَبْرَةٌ): اشک ها	۲: ۴
4: 56	lesson	عِبْرَتٌ (جمع: عِبَرٌ): پند	۴: ۴۲
2:137	servitude	عِبُودِيَّةٌ: بندگی، پرستش	۲: ۶۵
2:137	threshold	عَتَبَةٌ (جمع: عَتَبَاتٌ): درگاه، آستان	۲: ۶۵
6:201	family	عَتْرَتٌ: خانواده	۶: ۱۶۸
5: 23	arrogance: self importance	عُتُوٌّ: تکبر	۵: ۴۸۰
4: 79	strange	عُجَابٌ: شگفت آور، حیرت آور	۴: ۵۹
2:123	powerlessness	عَجْزٌ	۲: ۳
6: 99	incapacity	عَجْزٌ	۶: ۸۰
4:120	to hasten	عَجَّلَ (يُعَجِّلُ): عجله کردن	۴: ۸۸

4: 45	Persian	عَجَمِي: ایرانی، از نژاد غیر عرب	۴: ۳۴
1: 34	nothingness	عَدَم: نیستی، نابودی	۱: ۳۹
4: 12	evanescence: transitoriness	عَدَم: نیستی، نابودی	۴: ۹
5: 7	enemy	عَدُو(جمع: أعداء): دشمن	۵: ۴۶۲
5: 4	hostility	عُدوان: دشمنی، خصومت	۵: ۴۵۸
4: 17	tribulation	عَذاب	۴: ۱۳
4:101	chastisement	عَذاب	۴: ۷۴
4:104	to torment	عَذَّب(يُعَذِّبُ): عذاب دادن	۴: ۷۶
2:125	throne	عَرْش(جمع: عُرُوش، أعراش): تخت، سریر	۲: ۴
2:175	to recognize	عَرَفَ(يَعْرِفُ): شناختن	۲: ۱۰
2:122	comprehension	عِرْفان: شناسائی، فهم، ادراک	۲: ۲
3:220	vein	عِرْق(جمع: عُرُوق): رگ	۲: ۵۸
1: 38	to ascend	عُرُوج کردن: بالا رفتن	۱: ۴۴
2:127	veins	عُرُوق(مفرد: عِرْق): رگها	۲: ۵
2:175	cord	عُرْوَة(جمع: عُرَى): ریسمان	۲: ۱۰
2:158	handle	عُرْوَة(جمع: عُرَى): دسته	۲: ۲۰
1: 25	glory	عِزّ: جلال، ارجمندی	۱: ۲۷
1: 30	glory	عِزّت: جلال، ارجمندی، قوت	۱: ۳۴
6:194	avoidance	عِزْلَت: گوشه نشینی، اجتناب	۶: ۱۶۲
2:123	almighty	عَزِيز: قادر	۲: ۳
2:129	glorious	عَزِيز: ارجمند	۲: ۵۲
2:130	incomparable	عَزِيز: قادر، غالب	۲: ۵۳
1: 35	to cherish	عَزِيز دانستن	۱: ۴۱
4:136	armies	عَسَاكِر(مفرد: عَسْكَر): لشکرها، سپاه ها	۴: ۱۰۰
4: 8	trouble	عُسْر: تنگی و سختی	۴: ۶
2:169	lovers	عُشَّاق(مفرد: عاشِق)	۳: ۱۱۶
4: 77	the City of Love ('Ishqābād)	عَشَق آباد	۴: ۵۷
5: 3	company	عَصْبَة: جمعیت، دسته	۵: ۴۵۶
6: 7	age: period	عَصْر(جمع: أَعْصَار، عُصُور): زمان	۶: ۵
5: 11	to rebel	عَصَى(يَعْصِي): سرکشی کردن، اطاعت نکردن	۵: ۴۶۷

1: 30	rebellion	عَصِيَان: سرکشی، طغیان	۱: ۳۴
2:126	sin	عَصِيَان: سرکشی، طغیان	۲: ۵
4: 93	defender	عَضِد: مدافع، پشتیبان	۴: ۶۹
2:123	bounty	عَطَاء	۲: ۳
2:159	graciousness	عَطَاء	۲: ۲۰
3:214	generosity	عَطَاء	۲: ۵۵
1: 4	gift	عَطِيَّة(جمع: عَطَايَا): هدیه، بخشش	۱: ۲
2:122	majesty	عَظَمَت: بزرگی	۲: ۲
2:125	grandeur	عَظَمَت: بزرگی	۲: ۴
2:124	forgiveness	عَفْو: بخشش گناه	۲: ۳
1: 46	retribution: punishment	عِقَاب: عذاب سخت	۱: ۵۶
1: 52	hill	عَقَبَة(جمع: عِقَاب): گردنه	۱: ۶۴
4: 83	to hamstring	عَقَرَ(يَمْقِرُ): قطع کردن، مجروح کردن	۴: ۶۲
4: 19	pure gold	عَقِيَان: طلای خالص	۴: ۱۵
4: 14	desolate: laid waste	عَقِيم: بی ثمر	۴: ۱۱
2:127	all knowing	عَلَام: بسیار دانا	۲: ۶
1: 35	illness	عِلَّت(جمع: عِلَل): بیماری	۱: ۴۱
2:123	knowledge	عِلْم(جمع: عُلُوم): دانش	۲: ۳
6:183	divine Knowledge	عِلْم لَدُنِّي	۶:۱۵۳
4: 59	distinguished divines	عُلَمَاءِ اَعْلَام	۴: ۴۴
6: 86	Muslim divines	عُلَمَاءِ فُرْقَان	۶: ۷۳
6:182	divines	عُلَمَاء(مفرد: عَالِم، عَلِيم)	۶:۱۵۲
4:135	exaltation	عُلُو: بلندی	۴: ۹۹
2:129	upon	عَلَى	۲: ۵۲
2:120	exalted	عَلَى: بلند مرتبه	۲: ۱
2:136	most august	عَلِيَا(مذکر: اَعْلَى): بلندتر(ین)	۲: ۴۷
5: 25	the Glory of Glories rest upon you	عَلَيْكُمْ الْبَهَاءُ الْاَبْهَى	۵:۴۸۳
2:129	all knowing	عَلِيم(جمع: عُلَمَاء): دانا	۲: ۵۲
4: 42	peace be upon him	عَلَيْهِ السَّلَام	۴: ۳۲
4:176	upon him be the glory of God and His mercy	عَلَيْهِ بَهَاءُ اللّٰهِ وَ رَحْمَتُهُ	۴:۱۳۰

5: 10	the glory of the Lord rest upon them	عَلَيْهِمْ بِهَاءُ اللَّهِ	۵: ۴۶۵
4:115	pillars	عَمَدٌ (مفرد: عِمَاد): ستون ها	۴: ۸۵
4:158	to baptize	عَمَدٌ (يَعْمِدُ): غسل تعمید دادن	۴: ۱۱۷
1: 48	deed	عَمَلٌ (جمع: أَعْمَال)	۱: ۶۰
6:185	folly: foolishness	عَمَى: جهالت، کوری	۶: ۱۵۵
2:121	from	عَنْ	۲: ۱
4: 12	hatred	عِنَادٌ: کینه ورزی	۴: ۱۰
1: 15	providence	عِنَايَةٌ	۱: ۱۶
1: 20	favour	عِنَايَةٌ	۱: ۲۱
2:135	loving-kindness	عِنَايَةٌ	۲: ۴۶
6: 24	nightingale	عَنْدَلِيبٌ (جمع: عَنَادِل): بلبل	۶: ۲۰
1: 23	Phoenix: legendary bird, symbol of immortality	عَنْقَاءٌ	۱: ۲۴
4:101	perverse: corrupt, wicked	عَنْوَدٌ (جمع: عُنُد): مخالف حق	۴: ۷۴
5: 14	affections	عَوَاطِفٌ (مفرد: عَاطِفَةٌ)	۵: ۴۷۰
6:185	the ignorant	عَوَامٌ (مفرد: عَامَّةٌ): توده ها، غیر خاص	۶: ۱۵۴
6:210	the common people	عَوَامٌ (مفرد: عَامَّةٌ): توده ها، غیر خاص	۶: ۱۷۶
1: 39	sighing and weeping	عَوِيلٌ: شیون و گریه	۱: ۴۶
1: 3	covenant	عَهْدٌ (جمع: عُهُود): پیمان، سوگند	۱: ۱
1: 39	fault	عَيْبٌ (جمع: عُيُوب)	۱: ۴۶
2:183	festival	عِيدٌ (جمع: أَعْيَاد)	۳: ۱۳۸
1: 44	well-spring	عَيْنٌ (جمع: عُيُون، أَعْيُن): چشمه	۱: ۵۳
2:135	eye	عَيْنٌ (جمع: عُيُون، أَعْيُن): چشم	۲: ۴۶
1: 10	faults	عُيُوبٌ (مفرد: عَيْب)	۱: ۹
2:131	eyes	عُيُونٌ (مفرد: عَيْن): چشم ها	۲: ۵۴

« غ »

4:102	to be obscured	غَابَ (يَغِيبُ): غایب شدن، پنهان شدن	٤: ٧٥
4: 17	morning dew	غَادِيَّة: باران نافع بامدادی	٤: ١٣
4: 88	pillage	غَارَتِكَ	٤: ٦٥
1: 25	negligent	غَافِلٌ	١: ٢٦
1: 51	unwary	غَافِلٌ	١: ٦٣
4:127	oblivious	غَافِلٌ	٤: ٩٣
1: 30	heedless: careless, unmindful	غَافِلٌ	١: ٣٤
1: 42	end	غَايَتٌ (جمع: غَايَات): نهایت، پایان هر چیزی	١: ٥٠
4: 15	wish	غَايَتٌ (جمع: غَايَات): مقصود	٤: ١١
4: 3	utmost	غَايَتٌ (جمع: غَايَات): نهایت	٤: ٣
6:146	acme: highest point, summit	غَايَتٌ قُصْوَى: منتهی درجه	٦: ١٢٢
2:138	dust	غُبَارٌ	٢: ٦٦
4: 46	dust	غَبْرَةٌ: گرد و خاک، غبار	٤: ٣٥
2:131	banishment	عُزْبَتٌ	٢: ٥٣
3:216	exile	عُزْبَتٌ	٢: ٥٦
4: 96	malice: active ill will, spite	عَرَضٌ (جمع: أَعْرَاض)	٤: ٧١
6: 70	chamber	عُرْفَةٌ (جمع: عُرَفَات)	٦: ٥٩
2:138	to be immersed	عَرِقَ (يَغْرِقُ): غرق شدن	٢: ٦٦
1: 41	vainglory: pride	عُرُورٌ	١: ٤٨
2:161	brow: facial expression	عُرَّةٌ: طلعت، چهره	٣: ١٢٢
2:161	luminous brow	عُرَّةُ الْقَرَاءِ: صورت نورانی	٣: ١٢٢
2:122	stranger	عَرِيبٌ (جمع: أَعْرَاب): بیگانه	٢: ٢
4: 50	war	عَزَا: جنگ	٤: ٣٨
6: 83	dross: worthless matter	عَشَنٌ: ناخالصی، فساد	٦: ٧٠
1: 7	to fade	عَشِيَ (يَفْشِي): محو شدن، ضعیف شدن	١: ٦
1: 9	to veil	عَشِيَ (يَفْشِي): پوشاندن	١: ٧
5: 11	the chosen branch	عُصْنٌ مُمْتَاز: شوقی افندی	٥: ٤٦٦
4: 98	to close (one's) eyes to (something)	عَضَّ الطَّرْفَ	٤: ٧٢

5: 6	wrath	غَضَب	۵: ۴۶۰
3:215	lion	غَضَنَفَر: شیر ژبان	۲: ۵۵
1: 9	to conceal	غَطَا(يَغْطُو): پوشاندن، پنهان کردن	۱: ۷
6:234	veil of concealment	غَطَاء(جمع: أَغْطِيَه): پرده، پوشش	۶: ۱۹۷
3:218	forgiver	غَفَّار: بخشنده، آمرزنده	۲: ۵۷
2:122	forgiveness	غُفْران: بخشش، آمرزش	۲: ۲
1: 4	to neglect	غَفَلَ(يَغْفُلُ): غفلت کردن، از یاد بردن	۱: ۲
1: 28	negligence	غَفَلَت: فراموشی، بیخبری	۱: ۳۰
4: 28	waywardness	غَفَلَت: خودسری	۴: ۲۲
1: 30	heedlessness: carelessness	غَفَلَت: بی توجهی	۱: ۳۳
2:119	ever forgiving	غَفُور: بخشنده، آمرزنده	۲: ۷
1: 38	malice: animosity, spite	غَل: کینه، خیانت	۱: ۴۵
6:127	ascendancy	غَلَبَه: چیرگی	۶: ۱۰۶
3:218	to lock	غَلَقَ(يُغْلِقُ): بستن و مسدود کردن	۲: ۵۷
2:127	to boil	غَلَى(يَغْلِي): جوشیدن	۲: ۵
5: 17	seas	غَمَار(مفرد: غَمَر): دریاهاى پر آب	۵: ۴۷۲
6: 4	cloud	غَمَام(جمع: غَمَائِم): ابر	۶: ۳
4: 25	scabbard	غَمَد(جمع: غُمُود، أَغْمَاد): غلاف	۴: ۱۹
2:137	to immerse	غَمَرَ(يَغْمُرُ): فرو بردن، غوطه دادن	۲: ۶۵
2:129	to sing	غَنَّ(يَغْنُ): آواز خواندن	۲: ۵۲
2:123	wealth	غَنَاء	۲: ۲
6: 53	affluence: wealth	غَنَاء	۶: ۴۴
4: 19	sheep	غَنَم(جمع: أَغْنَام): گوسفند	۴: ۱۴
1: 42	all possessing	غَنَى(جمع: أَغْنِيَاء): توانگر، بی نیاز	۱: ۵۰
1: 24	to treasure	غَنِمَت دانستن	۱: ۲۵
6: 83	subtleties	غَوَامِض(مفرد: غَامِض): مسائل پیچیده	۶: ۷۰
1: 6	to stray: to deviate	غَوَى(يَغْوِي): گمراه شدن	۱: ۴
3:215	forests	غَيَاض(مفرد: غَيْصَة): بیشه ها، جنگل ها	۲: ۵۵
2:127	unseen	غَيْب(جمع: غُيُوب، غِيَاب): ناپدید، پنهان	۲: ۵
2:120	invisible	غَيْب(جمع: غُيُوب، غِيَاب): ناپدید، پنهان	۲: ۱

6: 98	the unknowable Essence	غَيْبٌ هُوِيَ	٦: ٧٩
2: 54	disappearance	غَيْبَتٌ: ناپدید شدن	٢: ٦١
1: 47	detraction: backbiting	غَيْبَتٌ	١: ٥٨
3:218	rain	غَيْثٌ(جمع: غُيُوثٌ، أَغْيَاثٌ): باران	٢: ٥٧
1: 33	stranger	غَيْرٌ(جمع: أَغْيَارٌ): بیگانه	١: ٣٨
6: 44	unequivocal	غَيْرٌ مُتَشَابِهٌ	٦: ٣٧
2:173	secret things	غُيُوبٌ(مفرد: غَيْبٌ): رازها	٣: ١٢١

«ف»

4:102	impious	فَاجِر (جمع: فُجَّار): بدکار	۴: ۷۴
4: 73	knight	فَارِس (جمع: قَوَارِس): سوار ماهر و دلیر	۴: ۵۴
2:134	to attain	فَازَ (يَافِزُ): بمقصود رسیدن، فائز شدن	۲: ۴۶
6: 74	profligate: immoral	فَاسِق (جمع: فُسَّاق): بدکار	۶: ۶۲
2:120	maker: creator	فَاطِر: خالق	۲: ۱
2:124	creator	فَاطِر: آفریدگار	۲: ۳
1: 24	transient	فَانِي	۱: ۲۵
2:124	evanescent: transient	فَانِي	۲: ۳
1: 26	mortal: that must eventually die	فَانِي	۱: ۲۸
1: 38	fleeting: transient, not lasting	فَانِي	۱: ۴۵
3:218	unlocker	فَتَّاح: باز کننده، گشاینده	۲: ۵۷
1: 43	to open	فَتَّحَ (يَفْتَحُ): باز کردن، گشودن	۱: ۵۲
4:105	sedition	فِتْنَه (جمع: فِتَن): فساد، بلا، شر	۴: ۷۷
6: 57	convulsion: social upheaval	فِتْنَه (جمع: فِتَن)	۶: ۴۸
5: 6	decree: an official order	فَتْوَى (جمع: فَتَاوَى)	۵: ۴۶۱
6:147	youth	فَتَى (جمع: فِتْيَان): کودک، جوان	۶: ۱۲۲
4:133	the impious	فُجَّار (مفرد: فَاجِر): بدکاران	۴: ۹۸
6: 57	the wicked	فُجَّار (مفرد: فَاجِر): بدکاران	۶: ۴۹
2:126	dawn	فَجْر: روشنایی صبح	۲: ۵
1: 10	iniquity: lack of righteousness	فَحْشَاء: گناه شدید	۱: ۱۰
5: 21	examination	فَحْص (جمع: فُحُوص): امتحان، آزمایش	۵: ۴۷۹
1: 6	to seek: to search for	فَحَّصَ (يَفْحَصُ): جستجو کردن	۱: ۴
3:219	pride	فَخْر	۲: ۵۸
1: 10	to vaunt: to boast	فَخَّرَ (يَفْخِرُ): مغرور بودن	۱: ۹
2:135	sacrifice	فِدَاء: قربانی	۲: ۴۶
2:135	ransom	فِدَاء: قربانی	۲: ۴۶
2:134	to flee	فَرَّ (يَفِرُّ): فرار کردن	۲: ۴۶
2: 28	pillow	فِرَاش (جمع: فُرُش): بستر	۲: ۵۹

1: 24	separation	فراق: جدائی، دوری	۱: ۲۶
3:215	succor: relief	فَرَج: گشایش، رهائی از مشقت	۲: ۵۵
3:215	salvation	فَرَج: نجات، رستگاری	۲: ۵۵
3:215	delight	فَرَح: شادی	۲: ۵۵
2:119	oneness	فَرْدَانِیَّت: یگانگی	۲: ۷
1: 28	paradise	فِرْدَوْس (جَمع: فَرادیس): بهشت، باغ	۱: ۳۱
1: 28	highest paradise	فِرْدَوْس بَرین	۱: ۳۱
2:130	to enjoin: to ordain	فَرَضَ (یَفْرِضُ): واجب گردانیدن	۲: ۵۳
2:173	to bid: to command	فَرَضَ (یَفْرِضُ): واجب گردانیدن	۲: ۹
6: 11	Pharaoh	فِرْعَوْن	۶: ۹
2:171	to scatter	فَرَّقَ (یُفَرِّقُ): متفرق کردن	۳: ۱۱۷
4: 13	Qur'án	فُرْقَان: جدا کننده حق از باطل، از القاب قران	۴: ۱۰
5: 7	the people of salvation	فِرْقَه نَاجِیَه	۵: ۴۶۱
2:129	peerless	فَرِید (جمع: فَرَائِد): یگانه، بی نظیر	۲: ۵۲
4: 88	consternation: great fear	فَزَع: ترسیدن، ناله و بیتابی	۴: ۶۵
2:163	canopy	فُسْطَاط: خیمه، سراپرده	۳: ۱۲۴
2:180	to make plain	فَضَّلَ (یُفَضِّلُ): واضح ساختن	۲: ۱۳
2:129	to reveal	فَضَّلَ (یُفَضِّلُ): آشکار کردن	۲: ۵۲
2:130	to distinguish: to separate	فَضَّلَ (یُفَضِّلُ): جدا کردن	۲: ۵۲
5: 17	the decisive Holy Text	فَصْلُ الْخُطَاب	۵: ۴۷۳
6: 44	the four seasons	فُصُولِ اَرْبَعَه	۶: ۳۷
5: 9	all bountiful	فَضَال	۵: ۴۶۵
1: 28	realm	فَضَاء	۱: ۳۱
1: 34	grace	فَضْل (جمع: فُضُول): بخشش، احسان	۱: ۳۹
6: 85	to exalt (someone) above (another)	فَضَّلَ (یُفَضِّلُ)	۶: ۷۱
2:169	virtue: moral excellence	فَضِیْلَت (جمع: فُضَائِل)	۳: ۱۱۵
4: 29	true faith	فِطْرَه: دین	۴: ۲۳
2:123	poverty	فَقْر	۲: ۳
6:132	paupers: the poor	فُقَرَاء (مفرد: فَقِیر)	۶: ۱۱۰
6:182	doctors	فُقَهَاء (مفرد: فَقِیَه)	۶: ۱۵۲

6: 62	felicity: happiness, bliss	فَلاح: رستگاری	٦: ٥٢
6: 85	to cleave	فَلَقَ (يَفْلِقُ): شکافتن	٦: ٧١
1: 25	heaven	فَلَک (جمع: أَفلاک)	١: ٢٧
3:217	ark: boat, refuge	فُلک: کشتی	٢: ٥٦
1: 20	mouth	فَم (جمع: أَفواه): دهان	١: ٢٢
2:138	entrance	فناء: آستانه، پیشگاه، ساحت	٢: ٦٥
2:121	soul	فُؤَاد (جمع: أَفئِدَه): قلب	٢: ٢
6:236	heroes	فَواریس (مفرد: فاریس): سوارهای ماهر و دلیر	٦: ١٩٩
2:130	fruits	فَوَاکِه (مفرد: فاکِهه): میوه ها	٢: ٥٣
4: 88	breath (of fragrance)	فَوَاحِه: منتشر شدن بوی خوش	٤: ٦٤
2: 53	to commit: to entrust	فَوَّضَ (يُفَوِّضُ): واگذار کردن	٢: ٦٤
2:122	in	فی	٢: ٢
4: 18	all bountiful	فَیاض: بسیار فیض دهنده	٤: ١٤
4: 18	effusions	فُیوضات	٤: ١٤

« ق »

6:124	receptiveness	قابلیت	۶: ۱۰۳
4: 25	tempestuous gales	قاصفات: بادهای شدید	۴: ۲۰
5: 17	overwhelming	قاصم (جمع: قواصم): شکننده	۵: ۴۷۲
4: 17	judge	قاض (جمع: قضاة): قاضی	۴: ۱۳
2:120	to say	قال (يقول): گفتن	۲: ۱
2:120	to stand up	قام (يقوم): ایستادن	۲: ۱
1: 24	content	قانع	۱: ۲۵
4: 26	leader	قائد (جمع: قواد): پیشوا	۴: ۲۰
4:135	commander	قائد (جمع: قواد): سردار	۴: ۹۹
2:122	canopies	قباب (مفرد: قبة): گنبدها	۲: ۲
4: 8	affliction: suffering	قَبض: گرفتگی، غم و اندوه	۴: ۶
2: 55	grasp	قَبْضَة: پنجه	۲: ۶۱
6: 17	Copt: a native of ancient Egypt	قبطی: پیرو فرعون	۶: ۱۵
2:179	to accept	قَبِلَ (يقبل): پذیرفتن	۲: ۱۲
2:118	the Qiblih: point of Adoration (Bahjī, 'Akká)	قبله	۲: ۶
4:122	sepulchres	قُبُور (مفرد: قبر)	۴: ۹۰
2:183	acceptance	قبول: پذیرش	۳: ۱۳۸
2:126	to ordain: to order	قَدَّرَ (يقدر): فرمان دادن	۲: ۵
2:169	to assign	قَدَّرَ (يقدر): مقرر کردن، مقدر کردن	۳: ۱۱۵
2:123	power	قُدْرَت	۲: ۳
6: 77	indomitable strength	قُدْرَت	۶: ۶۵
5: 24	Divine Strength	قُدْرَت جَبْرُوتی	۵: ۴۸۲
1: 27	holiness	قُدْس	۱: ۲۹
1: 17	to sanctify	قَدَّسَ (يقدس): پاک و منزّه کردن	۱: ۱۸
2:118	powerful	قَدِير: توانا	۲: ۶
2:130	omnipotent	قَدِير: دارای قدرت	۲: ۵۳
6: 46	to cast	قَدَفَ (يقذف): پرتاب کردن	۶: ۳۹
4:103	(one's) eye to be cheered	قَرَّ (يقر): روشن شدن چشم	۴: ۷۶

2:132	to read	قَرَأَ (يَقْرَأُ): خواندن	۲: ۵۴
2:124	nearness	قُرْب: نزدیکی	۲: ۳
2:127	to draw nigh	قَرَّبَ (يُقَرِّبُ): نزدیک کردن	۲: ۵
5: 4	the glorious field of martyrdom	قُرْبَانگاه	۵: ۴۵۷
2:124	to knock	قَرَعَ (يَقْرَعُ): در زدن، زدن	۲: ۳
4: 14	village	قَرْيَة (جمع: قُرَى): ده	۴: ۱۱
4:128	balance	قِسْطاس (جمع: قَسَاطِيس): میزان، آلت سنجش	۴: ۹۴
4: 46	priest	قَسِيس: کشیش، پیشوای مسیحی	۴: ۳۵
6: 84	penalty	قصاص: جزا	۶: ۷۱
2:122	to seek: to pursue, aim at	قَصَدَ (يَقْصِدُ): قصد کردن	۲: ۲
4: 56	palaces	قُصُور (مفرد: قَصْر)	۴: ۴۲
4: 15	highest	قُصُوى (مذکر: أَقْصَى): بالاتر (ین)، دورتر (ین)	۴: ۱۱
2:133	irrevocable decree	قَضَاء: حکم قطعی و حتمی خداوند	۲: ۴۵
3:217	destiny	قَضَاء: حکم خدا که برگشت ندارد	۲: ۵۷
2:166	to fulfill	قَضَى (يَقْضِي): روا ساختن، بجا آوردن	۳: ۱۲۹
5: 5	the Prime Mover of mischief	قطب شقاق: میرزا محمد علی	۵: ۴۵۹
2:130	verily	قُلْ إِنَّ	۲: ۵۲
4: 12	to transform	قَلَّبَ (يُقَلِّبُ): برگردانیدن، تغییر دادن	۴: ۹
3:220	fewness	قَلَّتْ (جمع: قَلَل): کمی	۲: ۵۸
4: 40	Pen of Glory	قَلَمُ أَعْلَى: قلم وحی الهی	۴: ۳۱
2:125	Pen of the Most High	قَلَمُ أَعْلَى: قلم وحی الهی	۲: ۴
4: 22	summit: peak, apex	قُلَّة	۴: ۱۷
6: 36	moon	قَمَر (جمع: أَقْمَار): ماه	۶: ۳۰
1: 3	garment	قَمِيص (جمع: قُمُص، أَقْمِصَة): جامه	۱: ۱
2:161	raiment: clothing	قَمِيص (جمع: قُمُص، أَقْمِصَة): جامه	۳: ۱۲۲
4: 6	to despair	قَنَطَ (يَقْنُطُ): ناامید شدن	۴: ۵
4: 6	hopelessness	قُنُوط: ناامیدی	۴: ۵
2:117	might	قُوَّة	۲: ۸
1: 25	word	قَوْل (جمع: أَقْوَال): سخن، کلام	۱: ۲۶
4:176	magnified be His utterance	قَوْلُهُ تَعَالَى	۴: ۱۳۱

2:124	to strengthen	قَوَى (يُقَوِي): نیرو بخشیدن	۲: ۳
5: 11	fierce indignation	قَهْر: چیرگی	۵: ۴۶۷
4:132	the Resurrection	قِيَامَت	۴: ۹۷
2:120	self subsisting	قَيُّوم: قائم بالذات، پاینده	۲: ۸
1: 43	self-existent	قَيُّوم: قائم بالذات، پاینده	۱: ۵۲

« ک »

6:119	scribe	کاتب	۶: ۹۹
2:130	false one: liar, untruthful	کاذِب (جمع: کَذَبَه): دروغگو	۲: ۵۳
2:138	chalice	کاس (جمع: کُؤوس): جام، کاسه	۲: ۶۵
5: 23	all sufficing	کافی	۵: ۴۸۰
2:180	to magnify	کَبَّرَ (يُكَبِّرُ): بزرگ گردانیدن	۲: ۱۳
4: 44	arrogance: overbearing pride	کِبْر: خودبینی، غرور	۴: ۳۴
2:133	grandeur	کِبْرِيَاء: عظمت، جلال	۲: ۴۵
2:181	books	کُتُب (مفرد: کتاب)	۲: ۱۳
6:184	to multiply	كَثَّرَ (يُكَثِّرُ): تکثیر کردن	۶: ۱۵۳
5: 25	despondency: loss of courage or hope	كَدَّر: ناامیدی، غم	۵: ۴۸۳
6: 8	falsehood	کذب: دروغ	۶: ۷
2:132	affliction: calamity	كَرْب (جمع: كُرُوب): مصیبت، رنج	۲: ۵۴
5: 18	care: worry	كَرْبَة (جمع: كُرَب): اندوه، ناراحتی	۵: ۴۷۴
2:131	distress: pain, trouble	كَرْبَة (جمع: كُرَب): مشقت، مصیبت	۲: ۵۳
2:127	bounty	کرم	۲: ۵
3:214	bestowal	کرم	۲: ۵۵
4:145	vineyard	کرم (جمع: کُرُوم): باغ انگور، باغ، درخت انگور	۴: ۱۰۷
2:164	to abhor: to hate	كِرِه (يَكْرَهُ): ناپسند داشتن چیزی	۳: ۱۲۶
2:120	all bountiful	کَرِيم (جمع: کِرَام، کُرَمَاء): بخشنده، شریف	۲: ۷
2:129	generous	کَرِيم: بخشنده، صاحب کرم	۲: ۵۲
3:217	to break	كَسَرَ (يَكْسِرُ): شکستن	۲: ۵۷
4: 29	to be eclipsed	كَسَفَ (يَكْسِفُ): تیره شدن، گرفته شدن	۴: ۲۳
2:136	to remove	كَشَفَ (يَكْشِفُ): پرده برداشتن	۲: ۴۷
2:183	to abstain	كَفَّ (يَكْفُ): اجتناب کردن	۳: ۱۳۸
2:134	to repudiate: to deny	كَفَرَ (يَكْفُرُ): انکار کردن حق	۲: ۴۶
2:130	to deny (truth, God)	كَفَرَ (يَكْفُرُ): انکار کردن حق	۲: ۵۳
2:167	to cancel	كَفَرَ (يَكْفُرُ): بخشودن گناه، پوشاندن	۳: ۱۳۰
1: 8	to suffice	كَفَى (يَكْفِي): کافی بودن	۱: ۷

1: 52	dogs	کلاب (مفرد: کلب): سگها	۱: ۶۵
5: 9	care: protection	کَلَاة: محافظت	۵: ۴۶۵
2:127	whenever	کَلَمًا: هر وقت	۲: ۵
6:171	luminous words	کَلِمَات دُرِّيَّة	۶: ۱۴۴
4: 3	dumb	کَلِيل: عاجز، ناتوان	۴: ۴
2: 53	sanctuary: shelter	کَنْف (جمع: اکناف): پناه	۲: ۶۲
1: 38	handmaid: a girl or woman servant	کَنِيْز	۱: ۴۵
2:124	river of everlasting life	کَوْتَر بَقَاء	۲: ۳
1: 37	river of everlasting life	کَوْتَر حَيَوَان	۱: ۴۳
2:122	fountain of living waters	کَوْتَر حَيَوَان	۲: ۲
6: 92	Dispensation of the Qur'an	کُور فُرْقَان	۶: ۷۸
4:145	hill	کُوم (جمع: اکوام): تپه	۴: ۱۰۷
3:218	universe	کُون (جمع: اکوان): عالم وجود	۲: ۵۷
1: 25	abode	کُوی	۱: ۲۶
4: 64	stratagem: a trick, scheme	کَیْد: مکر، حيله	۴: ۴۷
4: 37	essence	کَیْنُوْنَت: سرشت، هستی	۴: ۲۹
4: 35	inmost being	کَیْنُوْنَت: باطن، حقیقت	۴: ۲۷

« گ »

1: 37	to renounce: to give up, cast off	گذشتن (از چیزی)	۱: ۴۴
1: 38	garden	گلشن	۱: ۴۴
1: 34	idle imaginings	گمان باطل	۱: ۴۰

«ل»

1: 42	countless	لا تُحصَى: بیشمار	۱: ۵۱
5: 9	boundless	لا تُحصَى: بیشمار	۵: ۴۶۴
5: 17	fathomless	لا قَرَارَ لَهَا	۵: ۴۷۳
5: 20	nay, by the righteousness of the Lord!	لا وَاللَّهِ	۵: ۴۷۸
1: 27	lasting	لا يَزَالُ: ابدی، دائم، پیوسته	۱: ۲۹
2:134	to shine forth	لَا حَ (يَلُوحُ): جلوه کردن، درخشیدن	۲: ۴۶
4: 87	from time immemorial	لازَال: پیوسته، همیشه	۴: ۶۴
1: 23	the realm of the infinite	لَا مَكَانَ: عالم غیب	۱: ۲۴
1: 38	placeless	لَا مَكَانَ: عالم غیب	۱: ۴۴
2:173	worthy	لَا يُقَابَلُ: شایسته، درخور	۲: ۹
5: 3	slanderer	لَا يُؤْمِنُ (جمع: لُؤَامٍ): ملامت کننده	۵: ۴۵۶
2:126	here am I (at your service!)	لَبَّيْكَ: اجابت میکنم	۲: ۴
6:120	grave	لَحْدٌ (جمع: لُحُود، أَلْحَاد): قبر	۶: ۹۹
2:137	glances	لَحَظَاتٌ (مفرد: لَحْظَةٌ): نظرها، نگاهها	۲: ۶۵
1: 26	melody	لَحْنٌ (جمع: أَلْحَانُ)	۱: ۲۸
4:100	to sting	لَدَغٌ (يَلْدَعُ): گزیدن	۴: ۷۴
2:124	at	لَدَى	۲: ۳
1: 28	tongue	لِسَانٌ (جمع: أَلْسِنَ، أَلْسِنَةٌ): زبان	۱: ۳۰
5: 23	blows: calamities	لَطْمَاتٌ (مفرد: لَطْمَةٌ): سختی ها	۵: ۴۸۱
4:136	to play	لَعَبٌ (يَلْعَبُ): بازی و مزاح کردن	۴: ۱۰۰
6: 3	haply: perhaps	لَعَلَّ: شاید، مگر، کاش	۶: ۲
4: 11	by my life!	لَعْمَرَى: قسم بجان خود	۴: ۹
1: 10	to confound: to damn	لَعَنَ (يَلْعَنُ): نفرین کردن	۱: ۹
6:236	execration: curse	لَعْنٌ: دشنام، نفرین	۶: ۱۹۹
6:210	fallacious: erroneous	لَعْوٌ: بی معنی، باطل	۶: ۱۷۶
1: 19	trouble	لُعُوبٌ: رنج و محنت	۱: ۲۰
6:139	attainment unto the divine Presence	لِقَاءٌ: ملاقات	۶: ۱۱۶
3:214	countenance	لِقَاءٌ: دیدار	۲: ۵۵

4: 67	why	لِمَ: چرا	٤: ٤٩
2:183	since	لَمَّا	٣:١٣٨
4: 58	when	لَمَّا: وقتی که	٤: ٤٣
4: 33	shining	لَمِيع: روشن، درخشان	٤: ٢٦
4: 87	for the sake of God	لِوَجْهِ اللَّهِ	٤: ٦٤
2:132	tablet	لَوْح (جمع: ألواح)	٢: ٥٤
5: 3	slander	لَوْمَةٌ: نکوهش، سرزنش	٥:٤٥٦
5: 25	hence: therefore, for this reason	لِهَذَا	٥:٤٨٣
4: 5	nights	لَيَالٍ (مفرد: لَيْلَةٌ): شب ها	٤: ٤
4: 7	pearls	لَثَالِي (مفرد: لُؤْلُؤٌ): مرواریدها	٤: ٦

«م»

2:124	the end	مآب: محل باز گشت، کنایه از آخرت	۲: ۳
4:150	return	مآب: بازگشت	۴: ۱۱۱
6: 39	recorded	مأثور: روایت شده	۶: ۳۳
2:164	to surge	ماج (یموج): موج زدن	۳: ۱۲۷
5: 9	ungodly	مارق (جمع: مَرَّاق): گمراه شده و خارج از دین	۵: ۴۶۴
2:124	who am I that I should dare to ...	مالی و شانی	۲: ۳
5: 25	hindrance: obstacle	مانع (جمع: مَوَانِع)	۵: ۴۸۳
1: 29	blessed	مُبَارَك	۱: ۳۲
6:119	transaction	مُبَايَعَة (جمع: مُبَايَعَات): خرید و فروش	۶: ۹۸
5: 4	to fall a victim to	مُتَلَا شدن	۵: ۴۵۸
2:124	beginning	مَبْدَأ (جمع: مَبَادِي): آغاز، اصل، سرچشمه	۲: ۳
5: 19	joys	مَبْرَات (مفرد: مَبْرَة): خیرها	۵: ۴۷۶
4: 12	all compelling	مُبْرَم: محکم، قاطع	۴: ۹
4: 24	resistless	مُبْرَم: ثابت، متین	۴: ۱۸
6:178	demonstrated	مُبْرَهَن: با دلیل ثابت شده، آشکار	۶: ۱۴۹
2:180	announcer	مُبَشِّر: بشارت دهنده، لقب حضرت اعلیٰ	۲: ۱۳
4:141	forerunner	مُبَشِّر: مرده دهنده، لقب حضرت اعلیٰ	۴: ۱۰۳
4:101	hater	مُبْغِض: دشمن، صاحب بغض	۴: ۷۴
5: 20	obscure	مُبْهَم	۵: ۴۷۷
1: 26	veilless	مُبِين: آشکار	۱: ۲۸
2:130	clear	مُبِين: واضح	۲: ۵۳
4: 27	conspicuous: obvious, noticeable	مُبِين: آشکار	۴: ۲۱
4:130	lucid: clear to the mind	مُبِين: واضح	۴: ۹۵
4: 47	perspicuous: clear, lucid	مُبِين: واضح	۴: ۳۶
4: 32	revealer	مُبِين: آشکار کننده	۴: ۲۵
3:219	expounder: one who explains	مُبِين: شرح دهنده	۲: ۵۷
4: 90	man of insight	مُتَبَصِّر: بصیر	۴: ۶۶
2:137	in tears	مُتَضَرِّع	۲: ۶۵

4: 63	ignorant physician	مُتَطَبِّب: پزشک دروغی	٤: ٤٧
2:136	exalted	مُتَعَالَى: بلند و رفیع	٢: ٤٧
4: 13	manifold	مُتَعَدَّد	٤: ١٠
5: 13	aggressor	مُتَعَدِّی: تجاوزکار، مهاجم	٥: ٤٦٩
6: 44	conclusive	مُتَقَن: محکم، مورد اعتماد	٦: ٣٧
6: 80	God-fearing	مُتَّقَى	٦: ٦٧
6:194	boastful: vainly proud	مُتَكَبِّر	٦: ١٦٢
4: 24	immovable	مُتَمِّين	٤: ١٨
5: 9	strong	مُتَمِّين	٥: ٤٦٤
4: 54	abode	مَثَوَى (جمع: مَثَاوَى): منزل، مکان	٤: ٤١
1: 25	dispute: quarrel, argument	مُجَادَلَه: نزاع	١: ٢٦
2:162	majesty	مَجْد: عظمت، بزرگی	٣: ١٢٤
6:182	images	مَجْمُوعَات (مفرد: مَجْمُوعَة): چیزهای ساختگی	٦: ١٥٢
3:214	answerer	مُجِيب: اجابت کننده، پاسخ دهنده	٢: ٥٥
5: 17	shelter: protector	مُجِير: پناه دهنده	٥: ٤٧٢
2:164	to cause (something) to vanish	مَحَا (يَمْحُو): محو کردن	٣: ١٢٧
5: 4	protection	مُحَافَظَت	٥: ٤٥٧
6:104	Day-springs of God's attributes	مَحَال صِفَاتِ الْهَيْه	٦: ٨٤
2:129	lover	مُحِبِّب: عاشق	٢: ٥٢
6: 91	affectionate: tender and loving	مُحِبِّب: دوست دار	٦: ٧٧
2:121	beloved	مُحِبُّوب	٢: ١
6: 46	veiled	مُحْجُوب: پنهان و پوشیده	٦: ٣٩
5: 3	path	مَحَجَّة: راه راست	٥: ٤٥٦
3:217	mover	مُحَرِّك: حرکت دهنده	٢: ٥٧
5: 13	deprived of God's grace	مُحْرَم	٥: ٤٦٩
1: 24	bereft of: deprived of	مُحْرَم	١: ٢٥
5: 18	heartrending: causing grief	مُحْزِن: حزن آور	٥: ٤٧٥
6: 84	married man	مُحْصِن: مرد متأهل	٦: ٧١
6: 84	married woman	مُحْصِنَة: زن شوهردار	٦: ٧١
6: 48	sheer: pure, absolute	مُحْض	٦: ٤٠

6:178	incontrovertible: undeniable	مُحَقَّق	٦: ١٤٩
6: 83	divine Touchstone	مِجَکِ الهی	٦: ٧٠
5: 13	the Supreme Tribunal	مَحْکَمَه عُمومی	٥: ٤٦٩
2:184	praiseworthy	مَحْمُود: ستوده، مورد ستایش	٣: ١٣٩
1: 49	toil: hardship	مِجْنَت (جمع: مِجَن): سختی، زحمت	١: ٦٠
6: 86	to efface: to wipe out	مَحُو نمودن	٦: ٧٢
5: 6	the Center of the Covenant	مِحوَر میثاق	٥: ٤٦١
4: 52	a place to flee to	مَحِیص: گریزگاه	٤: ٣٩
2:135	supreme	مُحِیط: احاطه کننده	٢: ٤٦
2:182	treasuries	مَخازِن (مفرد: مَخزَن)	٢: ١٤
5: 17	perils	مَخاطِر: خطرها، شدائد	٥: ٤٧٢
4: 98	clutches	مَخالِب (مفرد: مِخْلَب): چنگال ها	٤: ٧٢
2:123	unconstrained: not forced	مُختار: صاحب اختیار	٢: ٢
6:125	abased	مَخذول (جمع: مَخاذیل): پست و حقیر	٦: ١٠٣
2:125	treasured	مَخزون: محفوظ در خزینه	٢: ٤
2:129	sincere	مُخلص	٢: ٥٢
5: 15	to meddle: to interfere	مُدَاخَلَه نمودن	٥: ٤٧٢
1: 26	stages	مَدارج (مفرد: مَدْرَج): درجات، مراتب	١: ٢٨
4:110	hypocrisy	مُدَاهَنَه: دو روئی	٤: ٨١
4: 89	deceit: fraud or lie	مُدَاهَنَه: فریب	٤: ٦٦
4: 5	cities	مَدائِن (مفرد: مَدینَه): شهرها	٤: ٥
6:125	opposer	مُدبِر (ضد: مُقْبِل): اعراض کننده	٦: ١٠٤
4: 33	Constantinople	مَدینَه کبیرَه	٤: ٢٦
4: 68	the Great City (Constantinople)	مَدینَه کبیرَه	٤: ٥٠
5: 20	to deliberate	مُدَاکِرَه نمودن	٥: ٤٧٧
6:172	submissive	مُذِعِن: مطیع	٦: ١٤٤
6:147	blameworthy	مَذْمُوم: نکوهیده، زشت و بد	٦: ١٢٢
1: 15	sinful	مُذْنِب: گناهکار	١: ١٥
1: 12	mirror	مِرآت (جمع: مَرایا): آینه	١: ١٢
3:218	desire	مُرَاد	٢: ٥٧

5: 19	purpose	مُرَاد	۵: ۴۷۷
6: 45	bitterness	مَرَارَت (جمع: مَرَائِر): تلخی	۶: ۳۸
1: 24	fellowship	مُرَافَقَت: رفاقت، دوستی	۱: ۲۵
4:167	association	مُرَاوَدَه: دوستی، رفت و آمد	۴: ۱۲۴
4: 99	doubter	مُرْتَاب: شگاک	۴: ۷۳
6:187	rejected	مَرْدود: ردّ شده، رانده شده	۶: ۱۵۶
1: 26	lifeless	مُرْدَه	۱: ۲۸
4: 96	malady: disease	مَرَض (جمع: آمراض)	۴: ۷۱
4: 24	pleasure	مَرَضَاة: خوشنودی	۴: ۱۸
4: 26	ladder	مِرْقَاة (جمع: مَرَاقی): نردبان	۴: ۲۰
5: 6	the Center of the Covenant	مَرَكز پیمان	۵: ۴۶۱
5: 5	the Center of Sedition	مَرَكز نَقْض: میرزا محمد علی	۵: ۴۵۹
6:131	steed	مَرَكوب (جمع: مَرَاكِب): حیوان سواری	۶: ۱۰۹
6: 49	symbolic	مَرْموز	۶: ۴۱
1: 34	to waft: to blow gently	مُرور نمودن	۱: ۴۰
2:135	at one time	مَرَّةً: یکبار	۲: ۴۶
4:134	doubt	مُرِيَّةً: شک	۴: ۹۹
6:186	preposterous statements	مُرْخَرَفَات	۶: ۱۵۶
5: 22	efforts	مَسَاعی (مفرد: مَسْعَى): کوشش ها	۵: ۴۷۹
4: 34	surpassing	مَسْبُوق: با سابقه، پیشی گرفته	۴: ۲۶
4: 93	fugitive	مُسْتَجِير: پناهنده	۴: ۶۹
5: 6	supported: vindicated	مُسْتَدَل: ثابت و محقق	۵: ۴۶۱
2:131	steadfast	مُسْتَقِيم	۲: ۵۳
2:165	concealed	مَسْتُور: پوشیده، پنهان	۳: ۱۲۱
5: 8	imprisoned one	مَسْجُون	۵: ۴۶۲
3:214	conqueror	مُسَخِّر: تسخیر کننده	۲: ۵۵
2:162	musk	مِسْكَ (مُعْرَبٌ مِسْكَ)	۳: ۱۲۳
4: 35	abasement	مَسْكَنَةٌ: فقر، بدبختی	۴: ۲۱
2:124	wretched creature	مِسْكِين (جمع: مَسَاكِين): فقیر	۲: ۳
1: 10	poor	مِسْكِين (جمع: مَسَاكِين): فقیر	۱: ۹

6: 37	universally recognized	مُسَلَّم	٦: ٣١
2:184	Christ	مَسِيح	٣:١٤٠
2: 28	one who longs	مُشْتَاق	٢: ٥٩
2:134	infidel: atheist	مُشْرِك	٢: ٤٦
1: 40	loving	مُشْفِقٌ اَنَّهُ	١: ٤٧
1: 6	lamp	مَشْكُوتَةٌ: چراغدان	١: ٤
5: 12	perturbed: agitated, disturbed	مُشْوَشٌ: پریشان، آشفتہ	٥:٤٦٧
1: 40	to walk	مَشَى (يَمْشِي): راه رفتن	١: ٤٨
2:121	will: desire, decree	مَشِيَّتٌ: اراده	٢: ١
1: 24	companionship	مُصَاحَبَةٌ	١: ٢٥
2:170	portals	مَصَارِيع (مفرد: مِصْرَاع): درها، ابواب	٣:١١٦
5: 17	calamities	مَصَائِب (مفرد: مُصِيبَةٌ): سختی ها	٥:٤٧٢
1: 6	light	مِصْبَاح (جمع: مِصَابِيح): چراغ	١: ٤
4: 64	reformer	مُصْلِحٌ: اصلاح کننده	٤: ٤٧
2:169	couches	مَضَاجِع (مفرد: مَضْجَع): بسترها	٣:١١٦
6: 6	perturbed: disturbed, troubled	مُضْطَرَبٌ	٦: ٥
5: 17	afflicted: in pain and distress	مُضْطَهَدٌ: مصیبت کشیده	٥:٤٧٣
4: 73	arena	مِضْمَارٌ: میدان	٤: ٥٤
1: 18	resplendent	مُضِيءٌ: درخشنده	١: ١٨
5: 17	oppressive	مُضْيِقٌ: سختی آور	٥:٤٧٢
6: 88	in conformity	مُطَابِقٌ	٦: ٧٤
2:184	(one who is) obeyed	مُطَاعٌ: اطاعت شده	٣:١٣٩
2:120	day-springs	مَطَالِع (مفرد: مَطْلَع): محل های طلوع	٢: ١
6:181	Day-springs of Holiness	مَطَالِعٌ قُدْسِيَّةٌ	٦:١٥٢
4: 6	fallen (upon the dust)	مَطْرُوحٌ: بخاک افتاده	٤: ٥
2:180	Day-Spring of Divinity	مَطْلَعُ الْوَهْبِيَّةِ	٢: ١٣
2:178	cleansed	مُطَهَّرٌ: پاک و پاکیزه	٢: ١١
6:220	the Embodiments of divine Revelation	مَظَاهِرُ أَمْرٍ	٦:١٨٦
6:181	the Manifestations of the Unseen	مَظَاهِرُ غَيْبِيَّةٍ	٦:١٥٢
2:135	wronged one	مَظْلُومٌ	٢: ٤٦

4: 93	victim of oppression	مَظْلُوم	٤: ٦٩
5: 4	He Whom the world hath wronged	مَظْلُومِ آفَاق	٥: ٤٥٨
3:220	meekness	مَظْلُومِيَّت	٢: ٥٨
2:133	manifestation	مَظْهَر (جمع: مَظَاهِر): محلّ ظهور	٢: ٤٥
4:132	revealer	مُظْهِر: ظاهر و آشکار کننده	٤: ٩٧
5: 19	the Supreme Manifestation of God	مَظْهَرِ كَلِيهِ الْهِيَه	٥: ٤٧٦
4:131	nevertheless	مَعَ ذَلِك	٤: ٩٦
5: 8	God forbid!	مَعَاذَ اللَّهِ	٥: ٤٦٢
1: 26	heights	مَعَارِج (مفرد: مَعْرَج): مقامات بلند	١: ٢٨
6: 82	opponent	مُعَارِض: مخالفت کننده	٦: ٦٩
4: 15	to consort	مُعَاشَرَتِ نَمُودَن	٤: ١١
5: 25	inimical: hostile	مُعَانِد: دشمنانه	٥: ٤٨٢
6:141	interpreted	مُعَبَّر: تعبیر شده	٦: ١١٨
1: 48	Adored One	مَعْبُود: پرستش شده	١: ٥٩
4: 71	transgressor	مُعْتَد: متجاوز	٤: ٥٣
2:136	aggressor	مُعْتَد: ستمکار	٢: ٤٧
6:185	ascent	مِعْرَاج: صعود	٦: ١٥٥
4: 34	highly esteemed	مُعَزَّز: ارجمند، محترم، عزیز	٤: ٢٧
6:125	exalted	مُعَزَّز: بزرگوار، گرامی	٦: ١٠٣
4: 94	company	مَعَشَر: گروه	٤: ٦٩
1: 24	beloved	مَعشُوق	١: ٢٦
6:168	abstruse: deep	مُعْضِل: مشکل، مرموز	٦: ١٤١
6:177	mysteries	مُعْضِلَات (مفرد: مُعْضِلَة): مشکلات، رموز	٦: ١٤٨
1: 54	idle	مُعْطَل	١: ٦٧
6: 53	exalted	مُعْظَم: بلند مرتبه	٦: ٤٥
6:113	remitted: forgiven, pardoned	مَعْفُور: عفو شده	٦: ٩٣
2:183	dependent	مُعَلِّق	٣: ١٣٨
1: 23	mystic	مَعْنَوِي	١: ٢٤
5: 22	crooked	مُعَوَج	٥: ٤٧٩
1: 37	well-spring	مَعِين: چشمه	١: ٤٣

4: 5	succorer: helper	مُعِين: ياور، نصرت دهنده	٤: ٤
5: 17	helper	مُعِين: کمک کننده، ياور	٥: ٤٧٢
6:169	contrary	مُغَايِر: مخالف	٦: ١٤١
5: 12	vain-glorious	مَغْرور	٥: ٤٦٧
5: 12	impure	مَغْشُوش: ناخالص، غش دار	٥: ٤٦٨
1: 15	forgiveness	مَغْفِرَت: بخشش	١: ١٥
4:110	perfidious: treacherous, faithless	مُغْل: خائن	٤: ٨١
3:218	key	مِفْتَاح (جمع: مَفَاتِيح): کلید	٢: ٥٧
4: 9	calumnies	مُفْتَرِيَات	٤: ٧
4: 37	calumniators	مُفْتَرِين: تهمت زندگان	٤: ٢٩
4: 64	fomentor of discord	مُفْسِد	٤: ٤٧
5: 25	mover of strife	مُفْسِد	٥: ٤٨٢
5: 6	mischief-maker	مُفْسِد	٥: ٤٦٠
2:120	place	مَقَام (جمع: مَقَامَات): جایگاه	٢: ١
1: 29	station	مَقَام (جمع: مَقَامَات): رتبه	١: ٣١
2:123	state: condition	مَقَام (جمع: مَقَامَات): حالت، وضع	٢: ٣
4: 44	receptive	مُقْبِل: رو آورنده، قبول کننده	٤: ٣٤
2:118	almighty	مُقْتَدِر: توانا	٢: ٦
3:220	ordainer	مُقَدِّر: مقدر کننده، معین کننده	٢: ٥٨
1: 28	sanctified	مُقَدَّس	١: ٣١
2:121	far above	مُقَدَّس	٢: ١
2:134	Desired One	مَقْصُود: بمفهوم ذات الهی	٢: ٤٦
2:121	desire	مَقْصُود: قصد و نیت شده، مطلوب	٢: ١
2:129	seat	مَقْعَد (جمع: مَقَاعِد): محل نشستن	٢: ٥٢
1: 33	retreats: hiding places	مَكَائِن (مفرد: مَكْنَن)	١: ٣٨
2:182	depositories	مَكَائِن (مفرد: مَكْنَن): مخفی گاهها	٢: ١٤
1: 33	abode	مَكَان (جمع: أَمَاكِن)	١: ٣٨
4: 93	distressed: troubled	مَكْرُوب: مضطرب، محزون	٤: ٦٩
2:125	hidden	مَكْنُون: پوشیده، پنهان، مستور	٢: ٤
1: 32	concourse: gathering, crowd	مَلَأ (جمع: أَمْلاء): گروه	١: ٣٦

2:130	assemblage	مَلَأَ (جمع: أملاء): گروه، جمعیت	۲: ۵۳
3:219	to fill	مَلَأَ (يَمَلَأُ): پر کردن	۲: ۵۸
1: 32	celestial concourse	مَلَأَ أَعْلَى	۱: ۳۶
2:125	the Concourse on high	مَلَأَ أَعْلَى	۲: ۴
4: 36	mariner: a sailor, seaman	مَلَاح: کشتیبان	۴: ۲۸
4: 5	haven: safe place, refuge	مَلَاذ: پناهگاه، پناه	۴: ۴
5: 17	refuge: safe place, haven	مَلَاذ: پناهگاه، پناه	۵: ۴۷۲
2:177	haven: refuge	مَلَجَأَ (جمع: مَلَاجِئ): محل پناه	۲: ۱۱
4: 5	refuge: safe place, shelter	مَلَجَأَ: محل پناه	۴: ۴
6:105	salt	مِلْح (جمع: أملاح): نمک	۶: ۸۵
6:105	salt that burneth bitterly	مِلْح أجاج	۶: ۸۵
4:120	impious	مُلْحِد (جمع: مَلَاحِدَه): کافر، بی دین	۴: ۸۹
1: 10	accursed	مَلْعُون: لعن و نفرین شده	۱: ۹
6: 49	abstruse: hard to understand	مُلْفَظ: نامفهوم، پیچیده	۶: ۴۱
1: 37	dominion: sovereignty	مُلْك: عظمت و سُلطه پادشاهی	۱: ۴۳
1: 3	to possess	مَلَكَ (يَمْلِكُ): مالک شدن، تصرف کردن	۱: ۱
2:129	king	مَلِك (جمع: مُلُوك): پادشاه	۲: ۵۲
4: 9	angel	مَلَك (جمع: مَلَائِكَه): فرشته	۴: ۸
2:128	the kingdoms of earth and heaven	مُلْك و مَلَكُوت	۲: ۶
1: 25	kingdom	مَلَكُوت: جهان سلطنت الهی	۱: ۲۷
5: 5	the Abhá Kingdom	مَلَكُوتِ آبِهی	۵: ۴۵۹
2:159	kings	مُلُوك (مفرد: مَلِك): پادشاهان	۲: ۲۰
1: 26	sweet: pleasant	مَلِیح	۱: ۲۸
2:133	lord	مَلِیک (جمع: مُلُکاء): صاحب، پادشاه	۲: ۴۵
2:131	those who doubt	مُمْتَرِین: شک کنندگان	۲: ۵۳
6: 46	praiseworthy	مَمْدُوح: قابل ستایش	۶: ۳۹
6: 93	extended	مَمْدُود: کشیده شده، گسترده	۶: ۷۸
2:138	pathway	مَمَر: محل عبور، گذرگاه	۲: ۶۶
2:134	all created things	مُمَكِّنات (ضد: مُحَالَات): مخلوقات	۲: ۴۶
2:159	downtrodden	مَمْلُوك (جمع: مَمَالِیک): بنده	۲: ۲۰

3:217	forbidden	مَمْنُوع	۲: ۵۶
4:100	man of discernment	مُمَيِّز: تمیز دهنده	۴: ۷۳
5: 7	blindly	مِن دُونِ تَحْقِيق	۵: ۴۶۲
4:175	Him Whom God shall make manifest	مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ	۴: ۱۳۰
4:132	crier	مُنَاد(مُنَادِي): ندا کننده	۴: ۹۷
2: 54	sleep	مَنَام: خواب	۲: ۶۱
2:182	the One Whose help is sought by all men	مَتَّان: پر احسان	۲: ۱۴
2:177	beneficent: generous	مَتَّان: بخشنده	۲: ۱۱
6: 9	that which is forbidden	مَنَاهِي: کارهای حرام	۶: ۸
5: 9	wishes	مُنَا، مُنَى(مفرد: مُنْيَة): آرزوها	۵: ۴۶۴
4: 8	pulpit	مِنْبَر(جمع: مَنَابِر)	۴: ۶
6: 90	avenger	مُنْتَقِم: انتقام گیرنده	۶: ۷۶
6: 90	the omnipotent Avenger	مُنْتَقِم حَقِيقِي	۶: ۷۶
4: 22	stench-filled	مُنْتَنَه: بدبو	۴: ۱۷
4: 21	loathsome: disgusting, abhorrent	مُنْتَنَه: بدبو	۴: ۱۶
3:217	savior	مُنْجِي: نجات دهنده	۲: ۵۶
6: 81	warner	مُنْذِر: انذار کننده، ترساننده	۶: ۶۸
2:125	holy	مُنَزَّه	۲: ۴
6: 39	abolished	مَنْسُوخ: نسخ شده، رد شده	۶: ۳۳
4: 36	fair-minded	مُنْصَف: با انصاف	۴: ۲۸
2:121	to shut out: to prevent	مَنْعَ(يَمْنَعُ): باز داشتن	۲: ۱
2:127	prevent, to	مَنْعَ(يَمْنَعُ): باز داشتن	۲: ۵
5: 9	cut off: separated	مُنْفَصِل: جدا	۵: ۴۶۵
4: 93	generous	مُنْفِق: انفاق کننده، بخشنده	۴: ۶۸
5: 5	detested: hated, disliked	مَنْفُور: مورد تنفر	۵: ۴۶۰
4:125	place of exile	مَنْفَى: تبعیدگاه	۴: ۹۲
2:121	rid of all attachment	مُنْقَطِع	۲: ۱
2:129	severed	مُنْقَطِع	۲: ۵۲
6:125	tormented	مَنْكُوب: مصیبت دیده	۶: ۱۰۳
2:132	favors	مِنْنَ(مفرد: مِئْتَة): نیکویی ها، احسانها	۲: ۵۴

2:129	resplendent	مُنِير: تابان، درخشان	۲: ۵۲
1: 53	wondrous: extraordinary	مَنِيْع: عالی مقام، استوار و بلند	۱: ۶۷
4: 22	counsels	مَوَاعِظ(مفرد: مَوْعِظَة): پندها و اندرزها	۴: ۱۷
6: 88	in consonance	مُوَافِق	۶: ۷۴
2:174	gifts	مَوَاهِب(مفرد: مَوْهَبَة): عطایا، بخششها	۲: ۱۰
5: 4	perpetual: eternal	مُؤَبَّد: ابدی، دائمی	۵: ۴۵۸
1: 24	death	مَوْت: مرگ	۱: ۲۶
2:184	begetter: creator	مَوْجِد: بوجود آورنده	۳: ۱۴۰
2:170	Moses	مُوسَى	۳: ۱۱۷
6: 86	instance	مَوَاضِع(جمع: مَوَاضِع): جا، محل، مقام	۶: ۷۲
2:126	footstep	مَوَاطِئ(جمع: مَوَاطِئ): محل قدم	۲: ۴
4:103	place	مَوَاقِف(جمع: مَوَاقِف): محل ایستادن	۴: ۷۶
2:124	Lord	مَوَالِی(جمع: مَوَالِی): مالک، سرور	۲: ۳
5: 24	Celestial Bounty	مَوْهَبَة رَحْمَانِی	۵: ۴۸۲
4:133	cradle	مِهَاد(جمع: مِهَاد، مِهَادَة): گهواره	۴: ۹۸
4: 11	couch	مِهَاد(جمع: مِهَاد، مِهَادَة): بستر	۴: ۹
2:123	stirred up	مِهْتَز: از شدت سرور بحرکت آمده	۲: ۳
2:177	refuge	مِهْرَب(جمع: مِهَارِب): پناهگاه	۲: ۱۱
5: 14	kindliness	مِهْرِبَانِی	۵: ۴۷۰
3:215	destroyer	مِهْلِك: هلاک کننده، کشنده	۲: ۵۵
4: 17	deadly	مِهْلِك: سبب هلاکت و مرگ	۴: ۱۳
1: 54	worthless	مِهْمَل	۱: ۶۷
4: 93	sorrowful	مِهْمُوم: غمگین	۴: ۶۹
1: 43	help in peril	مِهْمِیْن: مستولی، نگهبان	۱: ۵۲
2:130	protector	مِهْمِیْن: نگهبان	۲: ۵۳
4: 55	sorry	مِهْمِیْن(جمع: مِهْمَاء): حقیر، ضعیف	۴: ۴۱
4: 6	dead	مِیْت(جمع: آموات): مرده	۴: ۵
3:219	covenant	مِیْثَاق: عهد و پیمان	۲: ۵۷
4:132	promised time	مِیْعَاد(جمع: مَوَاعِید): زمان وعده داده شده	۴: ۹۷
2:132	hundred	مِئَة(جمع: مِائَات): صد	۲: ۵۴

«ن»

3:220	to wail	ناحَ (يَنوحُ): گریه و ناله کردن	۲: ۵۸
5: 14	ignorance	نادانی	۵: ۴۷۰
2:120	fire	نار (جمع: نيران): آتش	۲: ۱
4: 14	world-devouring fire	نار عالم سوز	۴: ۱۱
5: 11	to contend	نازَع (يُنازِعُ): نزاع و مجادله کردن	۵: ۴۶۷
2:131	people	ناس: مردم	۲: ۵۴
5: 20	abrogator	ناسِخ (جمع: نُسَاخ): نسخ کننده، باطل کننده	۵: ۴۷۷
4: 93	admonisher	ناصِح (جمع: نَصَاح): نصیحت کننده	۴: ۶۸
3:220	champion	ناصِر (جمع: أَنْصار): یار و یاور	۲: ۵۸
4: 26	helper	ناصِر (جمع: أَنْصار): کمک کننده	۴: ۲۰
4: 93	upholder	ناصِر (جمع: أَنْصار): اعانت کننده	۴: ۶۹
5: 18	foreboder of evil	ناعِق: مدعی باطل، مخالف امرالله	۵: ۴۷۵
5: 9	all swaying: influential	نافذ	۵: ۴۶۵
5: 20	Covenant-breaker	ناقِض: شکننده عهد و پیمان	۵: ۴۷۷
4:133	trumpet	ناقور: بوق، صور	۴: ۹۷
4: 46	bell	ناقوس (جمع: نَوَاقِيس): زنگ کلیسا	۴: ۳۵
5: 5	hapless: unfortunate	ناکام	۵: ۴۵۹
5: 9	Covenant-breaker	ناكِث: عهد شکن	۵: ۴۶۴
1: 41	sigh	ناله	۱: ۴۹
2: 27	to sleep	نامَ (يَنامُ): خوابیدن	۲: ۵۹
4: 81	Gabriel	ناموس اکبر	۴: ۶۰
2:129	message	نَبَأ (جمع: أَنْباء): خبر	۲: ۵۲
4:143	announcement	نَبَأ (جمع: أَنْباء): خبر	۴: ۱۰۶
4: 46	to tell	نَبَأ (يُنَبِّئُ): خبر دادن	۴: ۳۵
3:215	barking	نَباح: پارس سگ	۲: ۵۵
4: 3	to cast away	نَبَذَ (يَنبِذُ): افکندن، دور انداختن	۴: ۴
6:181	Prophethood	نُبُوَّت (جمع: نُبُوتات)	۶: ۱۵۱
1: 3	prophet	نَبِي (جمع: أَنْبياء)	۱: ۱

3:217	salvation	نجات	۲: ۵۶
6: 36	stars	نُجوم (مفرد: نَجْم): ستاره ها	۶: ۳۰
4: 57	secret commune	نَجْوَى: راز گوئی، درگوشی حرف زدن	۴: ۴۲
6:157	copper	نُحاس: مس	۶: ۱۳۲
6: 69	conceit: pride	نَخْوَت: تکبّر، خودمستائی	۶: ۵۸
4: 44	pride	نَخْوَت: تکبّر، خودمستائی	۴: ۳۴
6: 34	rival: competitor	نَدَا (جمع: اَنَدَاد): مثل، نظیر	۶: ۲۹
2:124	call	نَدَاء	۲: ۳
6: 35	lamentation	نُدْبَه: ناله و زاری	۶: ۳۰
1: 32	to lament	نُدْبَه نمودن	۱: ۳۶
4: 22	quarrel	نِزَاع	۴: ۱۷
4: 24	contention: conflict	نِزَاع	۴: ۱۹
1: 17	descent	نَزُول: فرود آمدن	۱: ۱۸
1: 11	to ascribe: to attribute	نَسَبَ (يَنْسِبُ): نسبت دادن	۱: ۱۰
2:172	to relate	نَسَبَ (يَنْسِبُ): نسبت دادن	۳: ۱۲۰
6:238	annulment: abolishment	نَسَخ: باطل کردن	۶: ۲۰۱
4:132	to scatter	نَسَفَ (يَنْسِفُ): پراکنده و پخش کردن	۴: ۹۷
2:126	gentle winds	نَسِمَات (مفرد: نَسْمَه): نسیم ها	۲: ۵
2:131	to forget	نَسِيَ (يَنْسِي): فراموش کردن	۲: ۵۳
2:180	to spread	نَشَرَ (يَنْشُرُ): پخش کردن	۲: ۱۳
5: 10	diffusion	نَشْر	۵: ۴۶۵
4: 41	resurrection	نُشُور: زنده شدن مردگان در روز قیامت	۴: ۳۱
5: 20	text	نَصْر (جمع: نُصُوص): متن، گفتار صریح	۵: ۴۷۷
5: 20	the Divine Explicit Text	نَصْر صَرِيحِ الْهَي	۵: ۴۷۷
6: 86	Christians	نَصَارَى (مفرد: نَصْرَانِي): مسیحیان	۶: ۷۲
5: 23	darts	نَصَال (مفرد: نَصْل): سرهای تیر، پیکان ها	۵: ۴۸۰
1: 40	counsels	نَصَائِح (مفرد: نَصِيحَت)	۱: ۴۷
2:184	to lift up	نَصَبَ (يَنْصِبُ): برپا داشتن	۳: ۱۳۹
2:130	counsel	نُصِيح: پند، نصیحت	۲: ۵۳
3:217	to champion: to defend	نَصَرَ (يَنْصُرُ): یاری کردن	۲: ۵۷

6: 7	victory	نَصْر: پیروزی، یاری	٦: ٦
5: 24	clear texts from the Holy Writ	نُصُوصِ الْهَيْه	٥: ٤٨٢
5: 8	the direct and sacred command of God	نُصُوصِ الْهَيْه	٥: ٤٦٢
5: 8	final and decisive words	نُصُوصِ قَاطِعَه	٥: ٤٦٢
4: 127	exhortation: admonishment	نَصِيحَت (جمع: نَصَائِح)	٤: ٩٤
5: 3	verdant: green	نَضْر: خرم و شاداب	٥: ٤٥٦
3: 218	to utter	نَطَقَ (يَنْطِقُ): سخن گفتن	٢: ٥٧
2: 118	to speak	نَطَقَ (يَنْطِقُ): صحبت کردن	٢: ٧
2: 121	to look	نَظَرَ (يَنْظُرُ): دیدن	٢: ٢
2: 120	to gaze: to look, stare	نَظَرَ (يَنْظُرُ): نگریستن	٢: ١
1: 17	to cleanse	نَظَّفَ (يُنْظِفُ): پاک کردن	١: ١٨
4: 3	peer	نَظِير	٤: ٣
4: 117	shoe	نَعْل (جمع: نِعَال): کفش	٤: ٨٦
1: 55	favour: grace	نِعْمَت (جمع: نِعَم)	١: ٦٩
4: 93	prosperity	نِعْمَت (جمع: نِعَم)	٤: ٦٨
5: 7	the Lord forbid!	نَعُوذُ بِاللَّهِ	٥: ٤٦٢
6: 189	croaking	نَعِيب: بانگ کلاغ و زاغ	٦: ١٥٨
1: 34	bounty	نَعِيم: بخشش	١: ٣٩
2: 131	melodies	نَعْمَات (مفرد: نَعْمَه)	٢: ٥٤
1: 27	melody	نَعْمَه (جمع: نَعْمَات)	١: ٢٩
6: 168	the celestial Melody	نَعْمَه لاهوت	٦: ١٤١
3: 219	sedition	نِفَاق: دورویی، خیانت	٢: ٥٧
2: 126	breaths: slight breezes	نَفْحَات (مفرد: نَفْحَه)	٢: ٥
5: 10	the sweet savors of God	نَفْحَاتُ اللَّهِ	٥: ٤٦٥
5: 13	the Divine Fragrances	نَفْحَاتُ اللَّهِ	٥: ٤٦٩
5: 10	the sweet savors of holiness	نَفْحَاتُ قُدُس	٥: ٤٦٥
6: 26	breath: slight breeze	نَفْحَه: نَفْس، دَم، نسیم	٦: ٢٣
1: 28	spirit	نَفْس (جمع: نُفُوس، أَنْفُس): روح، جان، حقیقت هر چیز	١: ٣١
2: 133	self	نَفْس (جمع: نُفُوس، أَنْفُس): جان، تن، فرد	٢: ٤٥
6: 98	the Primal Will	نَفْسِ مَشِيَّت	٦: ٨٠

1: 35	self and passion	نَفْس و هَوَى	۱: ۴۱
4: 29	evil passions and desires	نَفْس و هَوَى	۴: ۲۲
4: 41	weal: well being, wealth	نَفْع	۴: ۳۱
2: 54	compelling power	نُفُوذ	۲: ۶۱
4: 3	to break	نَقَضَ (يَنْقُضُ): شکستن	۴: ۴
4:142	the Primal Point	نُقْطَهٗ اُولٰٓءِ: حضرت اعلیٰ	۴:۱۰۴
1: 15	vengeance: revenge	نِقْمَهٗ (جمع: نِقَم): پاداش بد	۱: ۱۶
4:120	chastisement	نِقْمَهٗ (جمع: نِقَم): پاداش بد، عذاب	۴: ۸۸
4: 56	ant	نَمَلَهٗ (جمع: نِمَال): مورچه	۴: ۴۲
5: 4	tender care	نَوَازِش	۵:۴۵۸
4: 46	bells	نَوَاقِيس (مفرد: ناقوس): زنگ ها	۴: ۳۵
6: 41	prohibitions	نَوَاهِی: آنچه خداوند نهی کرده	۶: ۳۵
3:220	wailing	نَوْح: گریه و ناله	۲: ۵۸
6: 7	Noah	نوح: حضرت نوح	۶: ۵
1: 32	to bewail: to lament, wail	نَوَّحَهٗ نمودن	۱: ۳۶
2:135	splendor	نور (جمع: أنوار)	۲: ۴۶
2:118	to illumine	نَوَّرَ (يُنَوِّرُ): نورانی کردن	۲: ۶
6: 92	the Source of all light	نورُ الْأَنْوَار	۶: ۷۷
4: 2	radiant	نَوَّرَاء (مذکر: أَنْوَر): نورانی	۴: ۲
3:220	shining	نَوَّرَاء (مذکر: أَنْوَر): تابناک	۲: ۵۸
2: 28	sleep	نَوْم: خواب	۲: ۵۹
4: 25	sapling	نَهَال	۴: ۱۹
4:100	to pillage	نَهَبَ (يَنْهَبُ): غارت کردن	۴: ۷۴
6: 70	path	نَهْج (جمع: نُهوج): راه	۶: ۵۸
5: 4	the Day-Star of the world	نَجْمِ آفَاق	۵:۴۵۸
5: 3	fire	نِیران (مفرد: نار): آتش	۵:۴۵۷
4: 41	effacement	نِیَسْتِ	۴: ۳۱

« و »

1: 17	by my life!	وَ عَمْرِي: قسم بجان خود	۱: ۱۷
6: 42	vale: valley	وادی (جمع: أودِيَّة): درّه، بیابان	۶: ۳۵
4: 2	mediator	وَاسِطَه	۴: ۲
5: 20	initiator	وَاضِع: وضع کننده	۵: ۴۷۷
4: 28	attentive	وَاعِيَه: شنوا، درک کننده	۴: ۲۲
4: 44	hearing	وَاعِيَه: شنوا، شنونده	۴: ۳۴
4: 9	retentive: retaining	وَاعِيَه: شنوا، حفظ کننده	۴: ۷
5: 24	confidence	وُثُوق: اعتماد، اطمینان	۵: ۴۸۲
2:178	to find	وَجَدَ (يَجِدُ): یافتن	۲: ۱۲
4:132	fear	وَجَل (جمع: أَوْجَال): ترس، بیم	۴: ۹۷
6:104	the illuminated Souls	وُجُودَات مُنِيرَه	۶: ۸۴
2:127	face	وَجَه (جمع: وُجُوهُ): روی، چهره	۲: ۵
2:118	countenance: face, visage	وَجَه (جمع: وُجُوهُ): روی، چهره	۲: ۶
2:118	to turn one's face	وَجَّهَ (يُوجِّهُ): توجّه کردن	۲: ۶
2:119	unity	وَاحِدَانِيَّت: یگانگی، یکتائی	۲: ۷
3:219	aloneness	وَاحِدَات: تنهایی، یکتائی	۲: ۵۸
2:126	revelation	وَحْي	۲: ۵
4:129	loving	وَدُود: با محبت	۴: ۹۵
1: 27	dove	وَرَقَاء: کبوتر	۱: ۲۹
2:169	leaf	وَرَقَه	۳: ۱۱۵
2:129	the Nightingale of Paradise	وَرَقَه الْفِرْدَوْس	۲: ۵۲
2:118	all men	وَرِي: مردم	۲: ۷
5: 25	evil whisperings	وَسَاوِس (مفرد: وَسَاوِس): خیالات شیطانی	۵: ۴۸۳
1: 24	reunion	وَصَال: بهم پیوستگی	۱: ۲۶
2:121	presence: assemblage, reunion	وَصَال: بهم پیوستگی	۲: ۱
2:122	description	وَصَف	۲: ۲
2: 28	to lay	وَضَعَ (يَضَعُ): وضع کردن، نهادن	۲: ۵۹
4:135	to abandon	وَضَعَ (يَضَعُ): گذاردن، نهادن	۴: ۹۹

3:219	the land of Unity	وَطَنَ تَجْرِيد	۲: ۵۸
5: 13	obligation	وَظِيَّهِ (جمع: وَظَائِف)	۵: ۴۶۹
2:175	to promise	وَعَدَ (يَعِدُ): وعده دادن	۲: ۱۰
4: 93	pledge	وَعْد: وعده، قول، پیمان	۴: ۶۹
4: 2	to exhort: to urge, admonish	وَعَظَ (يَعِظُ): پند دادن	۴: ۳
1: 23	faithfulness	وَفَاء	۱: ۲۴
1: 52	fidelity: faithful devotion	وَفَاء	۱: ۶۴
5: 14	faithfulness	وَفَاءَ پَرَسْتِي	۵: ۴۷۰
2:182	to aid	وَقَّى (يُوقِئُ): موفق کردن	۲: ۱۳
2:175	to enable	وَقَّى (يُوقِئُ): موفق کردن	۲: ۱۰
2:119	to fulfill	وَفَّى (يَفِي): وفا کردن به عهد و پیمان	۲: ۷
4: 87	dignity	وَقَار: بزرگواری، سنگینی	۴: ۶۴
5: 6	guarding	وَقَايَة: حفظ و حراست	۵: ۴۶۰
4:133	hesitation	وُقُوف: ایستادن	۴: ۹۷
5: 3	to protect	وَقَّى (يَفِي): حفظ کردن	۵: ۴۵۶
4: 61	representatives	وُكَلَاء (مفرد: وَكِيْل)	۴: ۴۵
6:181	Guardianship	وَلَايَة: مقام تبیین آیات و ترویج شریعت	۶: ۱۵۱
5: 18	kindliness	وَلَاء: دوستی و محبت	۵: ۴۷۴
3:219	rapture	وَلَه: شیفستگی	۲: ۵۸
5: 12	the guardian of the Cause of God	وَلِيَّ أَمْرِ اللَّهِ	۵: ۴۶۸
2:123	all bountiful	وَهَاب: بخشنده، عطاء کننده	۲: ۳
1: 47	fancy: delusion	وَهْم (جمع: أَوْهَام): خیال باطل، گمان	۱: ۵۸
1: 26	doubt	وَهْم (جمع: أَوْهَام): گمان، خیال باطل	۱: ۲۸
2:131	delusion	وَهْم (جمع: أَوْهَام): تصور باطل	۲: ۵۴
2:134	woe	وَيْل: کلمه نفرین بمعنی وای	۲: ۴۶

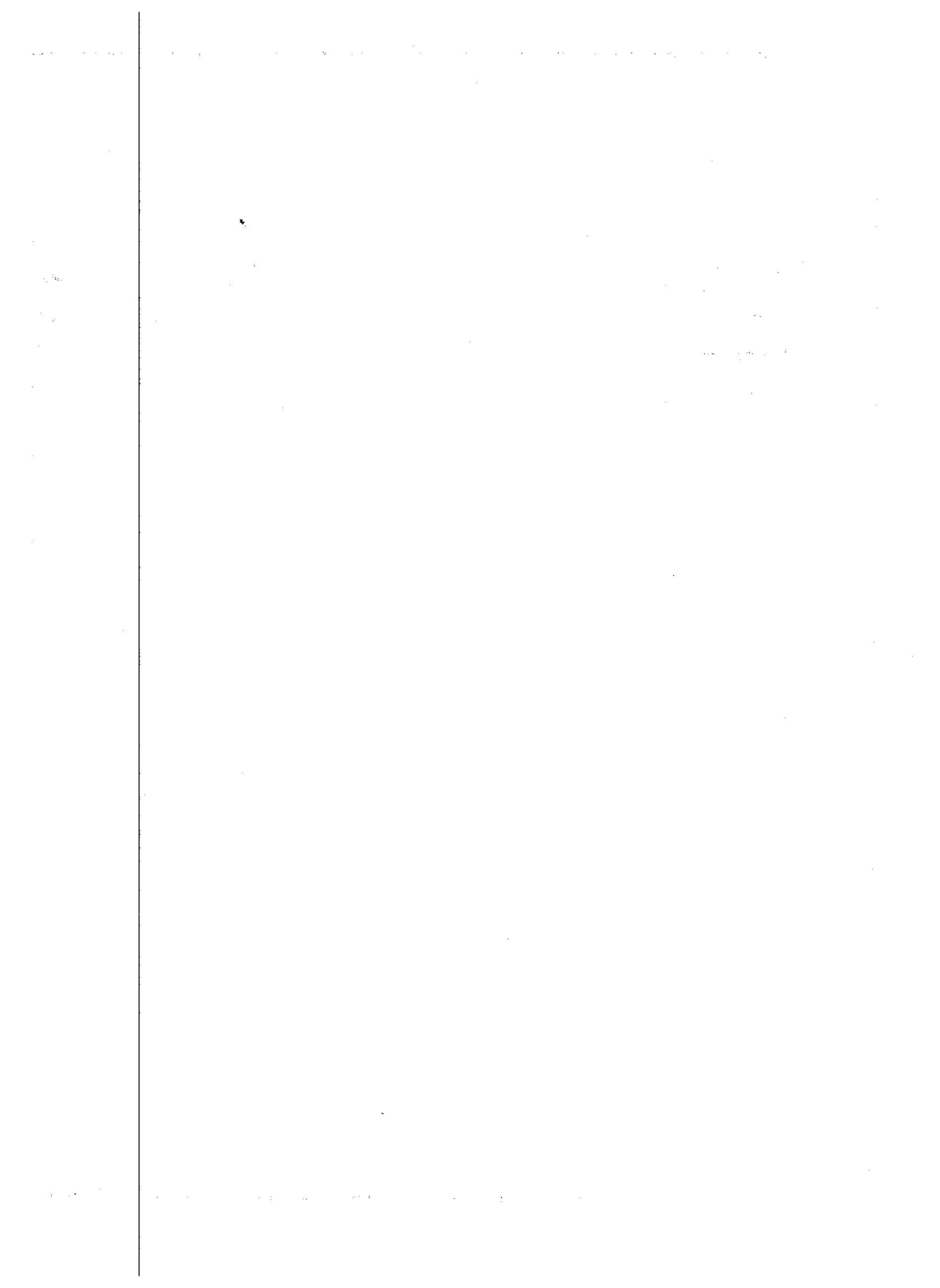
4:145	to migrate	هَاجِرَ (يُهَاجِرُ): مهاجرت کردن	۴: ۱۰۷
4: 22	copious: abundant, plentiful	هاطِل: ریزان	۴: ۱۷
2:214	desolation: loneliness	هَجْران: جدائی، دوری	۲: ۵۵
5: 3	onslaught: a violent attack	هُجُوم	۵: ۴۵۶
6: 8	guidance	هُدَايَة	۶: ۷
2:129	to guide	هُدًى (يَهْدِي): راهنمائی کردن	۲: ۵۲
2:124	to lead	هُدًى (يَهْدِي): هدایت کردن، ارشاد کردن	۲: ۳
2:179	guidance	هُدًى: هدایت، راهنمائی	۲: ۱۲
4: 40	cooing	هُدِير: صدای کبوتر	۴: ۳۱
1: 3	this	هُذَا: این	۱: ۱
5: 24	foolish doings	هُذْيَان	۵: ۴۸۲
2:177	to flee	هَرَبَ (يَهْرَبُ): گریختن، پناه بردن	۲: ۱۱
4: 28	chaos and confusion	هَرَج و مَرَج	۴: ۲۲
2:164	murmur	هَزِيْز: صدای وزش باد	۳: ۱۲۶
3:215	anguish	هَمَّ (جمع: هُموم): حزن و اندوه	۲: ۵۶
4:123	concern	هَمَّ (جمع: هُموم): نگرانی، علاقه	۴: ۹۰
4: 69	aim	هَمَّ (جمع: هُموم): قصد و اراده	۴: ۵۱
1: 37	Phoenix: legendary bird, symbol of immortality	هُمَا	۱: ۴۳
1: 55	endeavour: effort	هَمِيَّت (جمع: هِمَم)	۱: ۶۹
6:166	base-born and erring souls	هَمَج رَعَاغ: مردم فرومایه	۶: ۱۳۹
6: 45	abject and foolish men	هَمَج رَعَاغ: اشخاص پست و احمق	۶: ۳۸
4: 65	blessed are they	هَنِيئًا لَهُمْ: خوشا بحال آنان	۴: ۴۸
1: 26	desire	هَوًى (جمع: أهواء): آرزو، میل نفس	۱: ۲۸
2:159	corrupt inclination	هَوًى (جمع: أهواء): میل نفس، هوس	۲: ۲۰
3:216	passion	هَوًى (جمع: أهواء): هوس، شهوت	۲: ۵۶
2:180	essence	هُوِيَّة: ذات، هستی و وجود	۲: ۱۳
3:219	temple	هَيْكَل (جمع: هَيْكِل)	۲: ۵۸
5: 6	the Temple of God's Testament	هَيْكَل عَهْد	۵: ۴۶۱

6: 28	overpowering majesty	٦: ٢٤
5: 7	committee	٥: ٤٦٢

هَيْمَنَةٌ: قَدْرَتُ وَ سَطْوَتُ
هَيْئَتٌ

« ی »

5: 10	O Thou the Glory of Glories!	يا بهاء الأبهى	۵: ۴۶۵
4: 6	despair	يأس: نا امیدی	۴: ۵
6: 50	Yathrib: Medina	يَثْرِب: شهر مدینه	۶: ۴۱
2:121	hand	يَد (جمع: آیدی، آیادی): دست	۲: ۱
4: 8	pen	يِرَاعَه: قلم	۴: ۷
4:136	left (hand, side)	يَسَار (ضد: يَمِين): سمت چپ	۴: ۱۰۰
4: 8	ease	يُسْر: آسانی، راحتی	۴: ۶
6:171	possible	يَسِير: سهل و آسان	۶: ۱۴۳
6: 97	Verily God doeth whatsoever He willeth, and ordaineth whatsoever He pleaseth	يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ	۶: ۷۹
2: 28	waking	يَقْظَه: بیداری	۲: ۵۹
2:120	right (side, hand)	يَمِين (ضد: يَسَار): دست راست، طرف راست	۲: ۱
6:177	well-springs	يَنَابِيع (مفرد: يَنْبُوع): چشمه های آب	۶: ۱۴۸
4: 94	the Judgment Day	يَوْمُ التَّلَاق: روز دیدار، روز قیامت	۴: ۶۹
6:123	the Day of Judgment	يَوْمُ التَّنَاد: روز قیامت	۶: ۱۰۲
6: 36	the Day of Reckoning	يَوْمُ تَغَابُن: روز قیامت	۶: ۳۱
6: 80	the Day of Resurrection	يَوْمُ مَعَاد: روز قیامت	۶: ۶۷
5: 6	day by day	يَوْمًا فَيَوْمًا: روز بروز	۵: ۴۶۰
4:142	on that day	يَوْمَئِذٍ: در آن روز	۴: ۱۰۵



<< Y >>

6: 50	Yathrib: Medina	يَثْرِبُ: شهر مدینه	٦: ٤١
4:131	yea	ای: بلی، آری	٤: ٩٧
1: 15	yearn, to	رَجَا (يَرْجُو): امید داشتن	١: ١٥
3:219	yearning	اشتیاق	٢: ٥٨
3:218	yellow, to	أَصْفَرَّ (يَصْفَرُّ): زرد کردن	٢: ٥٧
4: 66	yesterday	أَمْسُ: دیروز	٤: ٤٩
6:147	youth	فَتَى (جمع: فِتْيَان): کودک، جوان	٦: ١٢٢

2:121	wish, to	آرَادَ(يُرِيدُ): خواستن، طلب کردن	۲: ۱
5: 7	wisher, ill	بَدِخَوَاه	۵:۴۶۲
5: 8	wisher, well	خَيْرِخَوَاه	۵:۴۶۲
5: 9	wishes	مُنَا، مُنَى(مفرد: مُنْيَة): آرزوها	۵:۴۶۴
2:123	witness, to bear	شَهِدَ(يَشْهَدُ): شهادت دادن	۲: ۲
5: 22	witness, to call to	أَشْهَدَ(يُشْهَدُ): شاهد طلبیدن	۵:۴۷۹
2:134	woe	وَيْل: کلمه نفرین بمعنی وای	۲: ۴۶
4: 98	wolves	ذئاب(مفرد: ذئب): گرگ ها	۴: ۷۲
6: 84	woman, married	مُحْصِنَة: زن شوهردار	۶: ۷۱
1: 55	wondrous: wonderful	بَدِيع: تازه و نو	۱: ۶۸
1: 53	wondrous: extraordinary	مَنْبِيع: عالی مقام، استوار و بلند	۱: ۶۷
1: 25	word	قَوْل(جمع: أقوال): سخن، کلام	۱: ۲۶
5: 8	words, final and decisive	نُصُوص قاطعه	۵:۴۶۲
6:171	words, luminous	كَلِمَات دُرِّيَّة	۶:۱۴۴
2:121	world	عَالَم(جمع: عَوَالِم): جهان، دنیا	۲: ۱
2:136	world to come, the	آخِرَة	۲: ۴۷
2:123	worship	عِبَادَة: پرستش	۲: ۳
1: 54	worthless	مُهْمَل	۱: ۶۷
2:173	worthy	لَاثِق: شایسته، درخور	۲: ۹
5: 6	wrath	غَضَب	۵:۴۶۰
4: 54	wretched is, (how)	بِئْسَ(ضد: نِعَم): چه بد است	۴: ۴۱
6: 8	wrong	بَاطِل	۶: ۷
2:172	wrong	ظَلَم	۳:۱۲۰
2:135	wronged one	مَظْلُوم	۲: ۴۶
5: 4	wronged, He Whom the world hath	مَظْلُوم آفاق	۵:۴۵۸

4: 58	when	لَمَّا: وقتی که	۴: ۴۳
2:127	whenever	كُلَّمَا: هر وقت	۲: ۵
3:214	where (?)	أَيْنَ: کجاست	۲: ۵۵
4: 67	wherefore	بِمَ (مَخْفَفٍ يَمًا): برای چه	۴: ۴۹
5: 25	whisperings, evil	وَسَاوِسٍ (مفرد: وَسْوَس): خیالات شیطانی	۵: ۴۸۳
2:124	who am I that I should dare to ...	مالی و شأنی	۲: ۳
4: 67	why	لِمَ: چرا	۴: ۴۹
4: 17	wick	ذُبَالَةٌ: فتیله	۴: ۱۳
4: 63	wicked doers	أهل طُغْيَانٍ	۴: ۴۷
5: 7	wicked, more	أَخْبِثْ: خبیث تر (بن)	۵: ۴۶۱
6: 57	wicked, the	فُجَّارٍ (مفرد: فَاجِر): بدکاران	۶: ۴۹
4: 85	wilderness	تیه: بیابان	۴: ۶۳
2:126	wilderness	بَيْدَاءٍ: بیابان	۲: ۴
2:121	will: desire, decree	إِرَادَةٍ: قصد، آهنگ، عزم	۲: ۲
2:121	will: desire, decree	مَشِيتٍ: اراده	۲: ۱
1: 29	will: pleasure	رِضَا (رِضِي): خشنودی	۱: ۳۲
6: 98	Will, the Primal	نَفْسٍ مَشِيتٍ	۶: ۸۰
2:123	will, to	شَاءَ (يَشَاءُ): اراده کردن	۲: ۲
4: 17	willingly	طَوَّعًا: بطیب خاطر، از روی میل	۴: ۱۳
2:126	winds, gentle	نَسَمَاتٍ (مفرد: نَسَمَة): نسیم ها	۲: ۵
4: 25	winds, mighty	عاصِفَاتٍ: بادهای تند و شدید	۴: ۲۰
2:176	wine	خَمْرٍ: شراب	۲: ۱۱
2:161	wine, choice	رَحِيقٍ: شراب ناب، صفت آیات الهیه	۳: ۱۲۲
4: 44	Wine, the Choice Sealed	رَحِيقٍ مَخْتَمٍ	۴: ۳۳
4: 26	wing	جَنَاحٍ (جمع: أَجْنِحَةٌ): بال و پر	۴: ۲۰
4: 94	wings	أَجْنِحَةٌ (مفرد: جَنَاح): بالها	۴: ۶۹
1: 29	wisdom	حِكْمَتٍ (جمع: حِكْمٌ)	۱: ۳۱
6: 46	wisdom, divine	حِكْمَتٍ لَدُنِّي: حکمت ذاتی	۶: ۳۹
2:129	wise	حَكِيمٍ (جمع: حُكَمَاء)	۲: ۵۲
4: 15	wish	غَايَةٍ (جمع: غَايَات): مقصود	۴: ۱۱

1: 34	waft, to: to blow gently	مُرور نمودن	۱: ۴۰
2:135	waft, to: to carry thru air	أَرْسَلَ (يُرْسِلُ): فرستادن	۲: ۴۶
4:133	waft, to: to blow gently	سَرَى (يَسْرِي): وزیدن	۴: ۹۸
3:220	wail, to	نَاحَ (يَنُوحُ): گریه و ناله کردن	۲: ۵۸
2:125	wailing	صَّرِيخَ: فریاد برای کمک طلبیدن	۲: ۴
3:220	wailing	نَوحَ: گریه و ناله	۲: ۵۸
2: 53	wake up, to	أَصْبَحَ (يُصْبِحُ): بیدار شدن	۲: ۶۲
2: 28	wakeful	سَاهِرَ: بیدار	۲: ۵۹
2: 28	waking	يَقْظَهُ: بیداری	۲: ۵۹
1: 40	walk, to	مَشَى (يَمْشِي): راه رفتن	۱: ۴۸
4: 50	war	غَزَا: جنگ	۴: ۳۸
1: 51	warble, to	سَرَّائِدُنَ	۱: ۶۳
6: 81	warner	مُنذِرَ: انذار کننده، ترساننده	۶: ۶۸
2:184	water, crystal	زُلَّالَ: آب صاف و گوارا	۳: ۱۳۹
2:131	waver, to (make someone)	حَوَّلَ (يُحَوِّلُ): دگرگون کردن	۲: ۵۳
2:134	wax proud, to	اسْتَكْبَرَ (يَسْتَكْبِرُ): تکبر کردن	۲: ۴۶
6:165	way of truth, the	سَبِيلَ حَقِّ	۶: ۱۳۹
4: 28	waywardness	غَفَلَتَ: خودسری	۴: ۲۲
4: 41	weal: well being, wealth	نَفْعَ	۴: ۳۱
1: 41	wealth	دَوْلَتَ: دارائی، ثروت	۱: ۴۹
2:123	wealth	غَنَاءَ	۲: ۲
4: 22	weapon	سِلَاحَ (جمع: أَسْلِحَة)	۴: ۱۷
3:220	weep, to	صَاحَ (يَصِيحُ): فریاد زدن، نوحه کردن	۲: ۵۸
4: 72	weeping	بُكَاءَ: گریستن	۴: ۵۳
1: 37	well is it with	طَوْبِي: خوشا بحال	۱: ۴۳
1: 37	well-spring	مَعِينَ: چشمه	۱: ۴۳
1: 44	well-spring	عَيْنَ (جمع: عَيْنُون، أَعْيُنَ): چشمه	۱: ۵۳
6:177	well-springs	يَنَابِيعَ (مفرد: يَنْبُوعَ): چشمه های آب	۶: ۱۴۸

5: 4	vexations: afflictions	آلام (مفرد: آلم): دردها، رنجها	۵: ۴۵۸
4: 78	vexations, grievous	شدائد (مفرد: شدة): سختی ها	۴: ۵۸
5: 4	vicissitudes: difficulties	صدمات (مفرد: صدمه)	۵: ۴۵۸
5: 4	victim to, to fall a	مبتلا شدن	۵: ۴۵۸
6: 7	victory	فوز: پیروزی، یاری	۶: ۶
4: 89	view, world adorning	رای جهان آرا	۴: ۶۶
4: 14	village	قریه (جمع: قری): ده	۴: ۱۱
4: 82	vindicate, to: to prove	أثبتت (یثبت): ثابت کردن	۴: ۶۱
4:145	vineyard	گرم (جمع: گرم): باغ انگور، باغ، درخت انگور	۴: ۱۰۷
2:169	virtue: moral excellence	فضیلت (جمع: فضائل)	۳: ۱۱۵
1: 36	virtue: godliness, moral excellence	تقوی: پرهیزکاری	۱: ۶۸
5: 13	vivifying	جانبخش	۵: ۴۷۰
4: 40	voice, shrill	صریر: صدای قلم موقع تحریر، فریاد	۴: ۳۱

1: 32	vain	باطِل	۱: ۳۶
5: 12	vain-glorious	مَفْرور	۵: ۴۶۷
1: 41	vainglory: pride	غُرور	۱: ۴۸
6: 42	vale: valley	وادی (جمع: اودِيَه): درّه، بیابان	۶: ۳۵
2:164	vanish, to cause (something) to	مَحَا (يَمحُو): محو کردن	۳: ۱۲۷
5: 23	vastness	رُحِب: وسعت	۵: ۴۸۱
1: 10	vaunt, to: to boast	فَخَرَ (يَفخُرُ): مغرور بودن	۱: ۹
1: 31	veil: cover, barrier	حِجَاب (جمع: حُجَب): پرده	۱: ۳۵
6:234	veil of concealment	غَطَاء (جمع: اَغْطِيَه): پرده، پوشش	۶: ۱۹۷
1: 9	veil, to	غَشِيَ (يَغشِي): پوشاندن	۱: ۷
6: 46	veiled	مَحجوب: پنهان و پوشیده	۶: ۳۹
4: 61	veiled, most	أَحجَب: غافلتر (ین)	۴: ۴۵
1: 26	veinless	مُبِين: آشکار	۱: ۲۸
2:121	veils	حُجَبَات (مفرد: حِجَاب): پرده ها	۲: ۱
2:164	veils	أَسْتَار (مفرد: سِتر): پرده ها	۳: ۱۲۷
2:136	veils	سُبُحَات (مفرد: سُبْحَه): پرده ها، جلال	۲: ۴۷
3:220	vein	عِرْق (جمع: عُرُوق): رگ	۲: ۵۸
2:127	veins	عُرُوق (مفرد: عِرْق): رگها	۲: ۵
3:215	vengeance: revenge	اِنْتِقَام	۲: ۵۵
1: 15	vengeance: revenge	نَقَمَة (جمع: نِقَم): عُقُوبَت، پاداش بد	۱: ۱۶
5: 3	verdant: green	نَضِر: خَرَم و شاداب	۵: ۴۵۶
4: 47	verdant: green	خَضْرَاء (مذموم: أَخْضَر): سبز	۴: ۳۶
2:130	verity	قُلْ إِنَّ	۲: ۵۲
4: 27	veritable: actual	حَقِيقِي	۴: ۲۱
2:130	verses	آيَات (مفرد: آيَة)	۲: ۵۳
5: 5	verses, manifest	آيَات بَيِّنَات	۵: ۴۵۹
5: 5	verses, the firm and conclusive	آيَات مُحْكَمَات	۵: ۴۶۰
3:218	vesture: garment, apparel	طَرَاز: زینت، زیور	۲: ۵۷

5: 14	uprightness	دُرُستى	۵: ۴۷۰
5: 18	upset, to be	تَشَوُّشَ (يَتَشَوِّشُ): آشفته و مشوش شدن	۵: ۴۷۴
4: 3	utmost	غَايَتَ (جمع: غايات): نهايت	۴: ۳
6: 48	utter: complete, absolute	صِرْفَ: كامل، تمام، محض	۶: ۴۰
3:218	utter, to	نَطَقَ (يَنْطِقُ): سخن گفتن	۲: ۵۷
2:123	utterance	بَيَانُ: سخن آشكار و فصيح	۲: ۳
4:176	utterance, magnified be His	قَوْلُهُ تَعَالَى	۴: ۱۳۱
4:127	utterly	بِالْمَرَّةِ: قطعاً	۴: ۹۴

<< U >>

5: 12	unanimously	بِالْإِتِّفَاقِ	۵: ۴۶۸
2:123	unconstrained: not forced	مُخْتَارًا: صاحب اختیار	۲: ۲
4:131	understand, to	شَعَرَ (يَشْعُرُ): درک کردن، فهمیدن	۴: ۹۷
4: 83	understanding, man of	عَارِفٍ: دانا، شناسنده	۴: ۶۲
6: 44	unequivocal	غَيْرِ مُتَشَابِهٍ	۶: ۳۷
5: 9	ungodly	مَارِقٍ (جمع: مُرَاقٍ): گمراه شده و خارج از دین	۵: ۴۶۴
5: 23	ungodly, the	أَشْقِيَاءَ: افراد شقی	۵: ۴۸۰
1: 24	ungodly, the	أَشْرَارَ (مفرد: شَرٌّ)	۱: ۲۵
1: 11	unheralded	بَغْتَةً: ناگهان	۱: ۱۰
5: 11	union	اِقْتِرَانٍ: پیوستگی	۵: ۴۶۶
4: 88	union	تَأْلِيفٍ: الفت دادن	۴: ۶۵
2:119	unity	وَحْدَانِيَّةٍ: یگانگی، یکتائی	۲: ۷
3:219	Unity, the land of	وَطْنِ تَجْرِيدٍ	۲: ۵۸
5: 20	Universal House of Justice, the	بَيْتِ عَدْلِ عُمُومِي	۵: ۴۷۷
5: 13	universality	اطلاق	۵: ۴۶۹
3:218	universe	كُلِّ شَيْءٍ (جمع: اَكْوَانٍ): عالم وجود	۲: ۵۷
5: 17	unjust	ظُلُومٍ: ظالم، ستمکار	۵: ۴۷۳
4:129	unlettered	أُمِّي: بیسواد	۴: ۹۵
3:218	unlocker	فَتَّاحٍ: باز کننده، گشاینده	۲: ۵۷
2:127	unseen	غَيْبٍ (جمع: غُيُوبٍ، غِيَابٍ): ناپدید، پنهان	۲: ۵
5: 23	unsheathe, to: to draw, remove	سَلَّ (يَسْلُ): بر کشیدن	۵: ۴۸۰
2:121	unto	إِلَى	۲: ۱
2:134	unveiled, to be	ظَهَرَ (يَظْهَرُ): هویدا شدن	۲: ۴۶
1: 51	unwary	غَافِلٍ	۱: ۶۳
4: 93	upholder	نَاصِرٍ (جمع: أَنْصَارٍ): اعانت کننده	۴: ۶۹
6:219	upholders of true belief, the	أَهْلُ إِيْمَانٍ	۶: ۱۸۴
3:214	uplifted, to be	ارْتَفَعَ (يَرْتَفِعُ): بلند شدن	۲: ۵۵
2:129	upon	عَلَى	۲: ۵۲

6: 26	trumpet	صور: شیپور بزرگ، بوق	۶: ۲۳
2: 53	trust	تَوَكَّل	۲: ۶۴
1: 43	trust	أَمَانَت	۱: ۵۳
2:166	trusted ones	أَمَنَاء(مفرد: آمین): نفوس مورد اعتماد	۳:۱۲۹
3:217	truth	صَدَق(ضد: دروغ): راستی	۲: ۵۶
1: 26	truth	حَقَّ	۱: ۲۸
6: 48	truth, perversion of the	افک(جمع: آفایک): کذب، دروغ	۶: ۴۰
5: 17	truth, the	صَوَاب(ضد: خطا): راست و درست، حق	۵:۴۷۳
5: 14	truthfulness	راستی	۵:۴۷۰
5: 3	turn (someone) aside, to	أَلَهَا(یلهی): منحرف کردن	۵:۴۵۶
2:130	turn aside, to	أَعْرَضَ(يُعْرِضُ): روبرگردانیدن	۲: ۵۳
5: 11	turn aside, to	اعْتَزَلَ(يَعْتَزِلُ): کناره گیری کردن	۵:۴۶۷
1: 4	turn away, to	رَغِبَ عَنِ(يَرْغَبُ عَنِ): متنفر بودن	۱: ۲
2:132	turn away, to	أَعْرَضَ(يُعْرِضُ): روبرگردانیدن	۲: ۵۴
2:118	turn one's face, to	وَجَّهَ(يُوجِّهُ): توجه کردن	۲: ۶
2:129	twigs	أَفْنَان(مفرد: قَنَن): شاخه ها	۲: ۵۲
1: 31	tyranny	ظَلَم	۱: ۳۶
3:214	tyranny	إِعْتِسَاف: ظلم، ستم	۲: ۵۵

2:122	transgressor	عاصی (جمع: عُصاة): گناهکار	۲: ۲
1: 24	transient	فانی	۱: ۲۵
4: 37	treacherous	خائِن	۴: ۲۹
4: 54	treacherously, to deal	خَانَ (يَخُونُ): خیانت کردن	۴: ۴۱
1: 24	treasure, to	غَنِيْمَت دانستن	۱: ۲۵
2:125	treasured	مَخْزُون: محفوظ در خزینه	۲: ۴
2:182	treasuries	مَخازِن (مفرد: مَخْزَن)	۲: ۱۴
5: 24	treatise	رِسَالَة (جمع: رَسَائِل): نوشته، کتاب	۵: ۴۸۲
2:129	tree	سِدْرَة: درخت	۲: ۵۲
4: 14	tree	دار: درخت، دنیا، خانه	۴: ۱۱
5: 11	Tree of Holiness, the	دَوْحَة رَحْمَانِيَه	۵: ۴۶۶
1: 29	tree of life	شَجَرَة اَنبِيسَا	۱: ۳۲
6:190	tree, infernal	زَقُوْم: غذای کشنده، درخت جهنمی	۶: ۱۵۹
5: 5	Tree, the Blessed	شَجَرَة مُبَارَكَة	۵: ۴۵۹
4:132	tree-stumps	أَعْجَاز (مفرد: عَجْز): کنده های درختان	۴: ۹۷
1: 53	trees	أَشْجَار (مفرد: شَجْر): درختان	۱: ۶۷
4:134	tremble, to	تَزَعْرَعُ (يَتَزَعْرَعُ): متزلزل شدن	۴: ۹۹
2:125	trespasses	اجْتِراحات: گناهان	۲: ۴
4: 95	trials	رِزَايا (مفرد: رِزْيَة): بلیات، شدائد	۴: ۷۰
5: 17	tribulation	طامَة: بلای سخت	۵: ۴۷۲
3:217	tribulation	بَلَاء (جمع: بَلایا)	۲: ۵۶
4: 17	tribulation	عَذاب	۴: ۱۳
5: 13	Tribunal, the Supreme	مَحْكَمَة عُمومی	۵: ۴۶۹
4:136	triumph	ظَفَر: پیروزی	۴: ۱۰۰
4: 8	trouble	عُسْر: تنگی و سختی	۴: ۶
1: 19	trouble	لُغُوب: رنج و محنت	۱: ۲۰
2:131	troubled, to be	اضْطَرَبَ (يَضْطَرِبُ): مضطرب شدن	۲: ۵۳
5: 18	troubled, to be	ضاقَ (يَضِيقُ): دلتنگ شدن، تنگ و سخت شدن	۵: ۴۷۴
1: 29	true	صَادِق	۱: ۳۲
4:133	trumpet	ناقور: بوق، صور	۴: ۹۷

1: 3	this	هَذَا: این	۱: ۱
2:123	thou	أَنْتَ: تو	۲: ۲
6:166	thousand	أَلْف (جمع: أَلْف، آلف): هزار	۶: ۱۴۰
4: 94	thread	خَيْط (جمع: خُيُوط، أَخْيَاط): رشته، نخ	۴: ۷۰
2:137	threshold	عَتَبَة (جمع: عَتَبَات): درگاه، آستان	۲: ۶۵
5: 5	Threshold, Sacred	آستان مُقَدَّس	۵: ۴۵۹
2:125	throne	عَرْش (جمع: عُرُوش، أَعْرَاش): تخت، سریر	۲: ۴
4:102	throne	أَرِيكَة (جمع: أَرَايِك): تخت	۴: ۷۵
1: 12	tidings, joyful	بِشَارَت (جمع: بَشَائِر): خیر خوش	۱: ۱۱
4: 22	Tihran	أَرْض طَاء	۴: ۱۷
6:166	time	زَمَن (جمع: أَزْمَان): زمان، عصر	۶: ۱۳۹
4: 87	time immemorial, from	لَا زَالَ: پیوسته، همیشه	۴: ۶۴
2:135	time, at one	مَرَّةً: یکبار	۲: ۴۶
4:132	time, promised	مِيعَاد (جمع: مَوَاعِيد): زمان وعده داده شده	۴: ۹۷
6:157	timidity: fear	خَوْف: ترس	۶: ۱۳۱
1: 15	tinge, to: to color	خَضَّبَ (يُخَضِّبُ): رنگ کردن	۱: ۱۴
1: 49	toil: hardship	مِحْنَت (جمع: مِحَن): سختی، زحمت	۱: ۶۰
2:167	tokens, clear	بَيِّنَات (مفرد: بَيِّنَة): دلائل محکم	۳: ۱۳۰
1: 28	tongue	لِسَان (جمع: أَلْسُن، أَلْسِنَة): زبان	۱: ۳۰
4:104	torment, to	عَذَّبَ (يُعَذِّبُ): عذاب دادن	۴: ۷۶
6:125	tormented	مَنْكُوب: مصیبت دیده	۶: ۱۰۳
6: 83	Touchstone, divine	مِحْكِ الْهِي	۶: ۷۰
4: 91	traditions	أَحَادِيث (مفرد: حَدِيث)	۴: ۶۷
4: 29	tranquility	رَاحَت	۴: ۲۲
6:119	transaction	مُبَايَعَة (جمع: مُبَايَعَات): خرید و فروش	۶: ۹۸
4: 12	transform, to	قَلَّبَ (يُقَلِّبُ): برگردانیدن، تغییر دادن	۴: ۹
2:134	transgress, to	ظَلَمَ (يَظْلِمُ): ستم کردن	۲: ۴۶
5: 6	transgression	انحراف	۵: ۴۶۰
5: 8	transgression	تَمَرَّد: سرپیچی کردن	۵: ۴۶۲
4: 71	transgressor	مُعْتَد: متجاوز	۴: ۵۳

4: 86	Tá, the land of: Tihrán	أَرْض طَاء: طهران	٤: ٦٤
2:162	tabernacle	خِباء (جمع: أَخِيْبِيَه): خيمه	٣: ١٢٤
6:101	Tabernacle, the mystic	سُرَادِقُ الْعَمَاء	٦: ٨٢
2:132	tablet	لَوْح (جمع: أَلْوَا ح)	٢: ٥٤
2:181	tablets	أَلْوَا ح (مفرد: لَوْح)	٢: ١٣
2:177	taste, to	ذَاق (يَذُو قُ): چشیدن	٢: ١١
5: 19	teachings	تَعَالِيم (مفرد: تَعْلِيم)	٥: ٤٧٦
4: 42	tear, to	شَقَّ (يَشُقُّ): پاره کردن	٤: ٣٢
4: 95	tears	دُمُوع (مفرد: دَمْع): اشک ها	٤: ٧٠
2:125	tears	عَبْرَات (مفرد: عَبْرَة): اشک ها	٢: ٤
2:137	tears, in	مُتَضَرِّع	٢: ٦٥
4: 46	tell, to	نَبَأَ (يُنَبِّئُ): خبر دادن	٤: ٣٥
4: 12	tempestuous	عاصف: تند و شدید	٤: ٩
3:219	temple	هَيْكَل (جمع: هَيْكَلِ كِل)	٢: ٥٨
5: 3	tender	خَضِل: تر و تازه	٥: ٤٥٦
1: 16	test, to	امْتَحَنَ (يَمْتَحِنُ): امتحان کردن	١: ١٧
5: 6	Testament, the Temple of God's	هَيْكَل عَهْد	٥: ٤٦١
2:123	testify, to	شَهِدَ (يَشْهَدُ): شهادت دادن	٢: ٣
2:134	testimony	بُرْهَان (جمع: بَرَاهِين): دليل	٢: ٤٦
5: 20	text	نَصْر (جمع: نُصُوص): متن، گفتار صریح	٥: ٤٧٧
5: 20	Text, the Divine Explicit	نَصْر صَرِيحِ الْهِي	٥: ٤٧٧
5: 24	texts from the Holy Writ, clear	نُصُوصِ الْهِيَّه	٥: ٤٨٢
3:220	thank, to	شَكَرَ (يَشْكُرُ): شکر کردن	٢: ٥٨
2:120	then	ثُمَّ: سپس	٢: ١
4: 21	thief	سَارِق: دزد	٤: ١٦
2:125	things, all created	أَشْيَاء (مفرد: شَيْء)	٢: ٤
3:216	thirst	ظَمَاء: عطش شدید	٢: ٥٦
4: 93	thirsty	ظَمَّآن: تشنه	٤: ٦٩

6: 9	summon, to	دَعَوَاتِ نَمُودَن	٦: ٨
3:217	sun	شَمْس (جمع: شَمُوس): آفتاب، خورشید	٢: ٥٦
4: 7	suns	شَمُوس (مفرد: شَمْس): خورشیدها	٤: ٦
2:131	superstitions	ظُنُون (مفرد: ظَنَن): خرافات	٢: ٥٤
4: 3	suppliant	سائل: استدعا کننده	٤: ٣
2:127	supply, to: to provide	رَزَقَ (يَرْزُقُ): روزی رساندن	٢: ٥
5: 6	supported: vindicated	مُسْتَدَلَّ: ثابت و محقق	٥: ٤٦١
4: 15	supreme	أَقْصَى (مؤنث: قُصُوئُ): دورتر (ین)	٤: ١١
2:135	supreme	مُحِيط: احاطه کننده	٢: ٤٦
5: 19	Supreme Manifestation of God, the	مَظْهَرٌ كَلِيهِ الْهِيَه	٥: ٤٧٦
2: 54	surest	أَمْتَن: محکم تر (ین)	٢: ٦١
3:219	surge, to	تَمَوَّجَ (يَتَمَوَّجُ): موج زدن	٢: ٥٨
2:164	surge, to	مَاجَ (يَمُوجُ): موج زدن	٣: ١٢٧
4: 34	surpassing	مَسْبُوق: با سابقه، پیشی گرفته	٤: ٢٦
5: 9	swaying, all: influential	نَافِذ	٥: ٤٦٥
1: 26	sweet: pleasant	مَلِيح	١: ٢٨
2:161	sweet, most	أَحْلَى: شیرین تر (ین)	٣: ١٢٢
2:177	sweetness	حَلَاوَات: شیرینی	٢: ١١
1: 25	swift	چالاک	١: ٢٧
4:133	swoon, to	انْصَعَقَ (يَنْصَعِقُ): بیهوش شدن	٤: ٩٧
2:135	sword	سَيْف (جمع: سُيُوف، أَسِياف): شمشیر	٢: ٤٦
2:131	swords	سُيُوف (مفرد: سَيْف): شمشیرها	٢: ٥٣
3:215	swords	أَسِياف (مفرد: سَيْف): شمشیرها	٢: ٥٥
2:125	symbol	رَمَز (جمع: رُمُوز)	٢: ٤
6: 49	symbolic	مَرْمُوز	٦: ٤١
3:216	Syria	شام: سوریه	٢: ٥٦

1: 6	stray, to: to deviate	غَوَى(يَغْوِي): گمراه شدن	۱: ۴
1: 53	stream	سَلْسَبِيل: آب شیرین و گوارا	۱: ۶۶
2:176	stream, to	جَرَى(يَجْرِي): جاری شدن	۲: ۱۱
5: 24	Strength, Divine	قُدْرَت جَبْرُوتِي	۵: ۴۸۲
6: 77	strength, indomitable	قُدْرَت	۶: ۶۵
2:124	strengthen, to	قَوَّى(يُقَوِّي): نیرو بخشیدن	۲: ۳
3:215	stretched out, to be	طَالَ(يَطْوُلُ): دراز شدن	۲: ۵۵
5: 25	strife, mover of	مُفْسِد	۵: ۴۸۲
1: 15	strive, to	جَاهَدَ(يَجْهَدُ): کوشش کردن	۱: ۱۵
5: 9	strong	مَتِين	۵: ۴۶۴
2: 53	stronghold	حصن(جمع: حُصُون): قلعه	۲: ۶۲
4: 79	stupor: mental dullness	سُكْر: مستی	۴: ۵۹
2:122	subdue, to: to conquer	سَخَّرَ(يُسَخِّرُ): تسخیر کردن	۲: ۲
1: 13	submission	خُضُوع: فروتنی	۱: ۱۳
2:124	submission, willing	رِضَاء	۲: ۳
6:172	submissive	مُذْعِن: مطیع	۶: ۱۴۴
5: 8	submit, to	تقديم کردن	۵: ۴۶۳
5: 11	subordination	انقياد: اطاعت کردن	۵: ۴۶۷
2:120	subsisting, self	قَيُوم: قائم بالذات، پاینده	۲: ۸
6: 83	subtleties	غَوَامِض(مفرد: غَامِض): مسائل پیچیده	۶: ۷۰
4:100	subvert, to: to destroy	ثَلَّ(يَثْلُ): ویران کردن	۴: ۷۳
3:215	succor: relief	فَرَج: گشایش، رهائی از مشقت	۲: ۵۵
4: 5	succorer: helper	مُعِين: یاور، نصرت دهنده	۴: ۴
1: 8	suffice, to	كَفَى(يَكْفِي): کافی بودن	۱: ۷
5: 23	sufficing, all	كَافِي	۵: ۴۸۰
3:216	suggestions	اشارات: تعریفات محدود بشری	۲: ۵۶
3:218	sullied, to be	تَكَدَّرَ(يَتَكَدَّرُ): لکه دار شدن	۲: ۵۷
4: 55	summer	صَيْف: تابستان	۴: ۴۱
4: 22	summit: peak, apex	قُلَّة	۴: ۱۷
2:134	summit: the highest point	ذُرْوَة: بلندترین مرتبه	۲: ۴۶

4: 44	spot	بُقَعَه (جمع: بِقَاع): مکان	۴: ۳۳
4: 44	spots	بِقَاع (مفرد: بُقَعَه): مکانها	۴: ۳۳
2:180	spread, to	نَشَرَ (يَنْشُرُ): پخش کردن	۲: ۱۳
6:197	spring: first season	رَبِيع: فصل بهار	۶: ۱۶۴
1: 26	stages	مَدَارِج (مفرد: مَدْرَج): درجات، مراتب	۱: ۲۸
2:120	stand up, to	قَامَ (يَقُومُ): ایستادن	۲: ۱
6: 36	stars	نُجُوم (مفرد: نَجْم): ستاره ها	۶: ۳۰
4: 48	stars	أَنْجُم (مفرد: نَجْم): ستاره ها	۴: ۳۷
2:123	state: condition	مَقَام (جمع: مَقَامَات): حالت، وضع	۲: ۳
6:186	statements, preposterous	مُزْحَرَفَات	۶: ۱۵۶
1: 29	station	مَقَام (جمع: مَقَامَات): رتبه	۱: ۳۱
4: 6	statute: established rule, law	حُكْم (جمع: أَحْكَام): فرمان	۴: ۵
4: 97	steadfast	رَاسِخ: ثابت، استوار	۴: ۷۲
2:131	steadfast	مُسْتَقِيم	۲: ۵۳
4: 87	steadfastness	رُسُوخ: راسخ و ثابت بودن	۴: ۶۴
2:117	steadfastness	اِسْتِقَامَت	۲: ۶
6:131	steed	مَرَكُوب (جمع: مَرَاكِب): حیوان سواری	۶: ۱۰۹
4: 22	stench-filled	مُنْتَنَه: بدبو	۴: ۱۷
3:218	stilled, to be	رَكَدَ (يَرْكُدُ): ساکن شدن	۲: ۵۷
4:100	sting, to	لَدَغَ (يَلْدَغُ): گزیدن	۴: ۷۴
2:123	stirred up	مُهْتَز: از شدت سرور بحرکت آمده	۲: ۳
2:170	stone	حَصَاة (جمع: حَصِيَّات): ریگ، سنگریزه	۳: ۱۱۷
4:161	stones	أَحْجَار (مفرد: حَجَر): سنگ ها	۴: ۱۲۰
6: 84	stoning, death by	رَجْم: سنگسار کردن	۶: ۷۱
5: 8	straightforwardness	دُرُسْتِي	۵: ۴۶۲
4: 79	strange	عُجَاب: شگفت آور، حیرت آور	۴: ۵۹
1: 33	stranger	غَیْر (جمع: أَغْيَار): بیگانه	۱: ۳۸
2:122	stranger	غَرِيب (جمع: أَغْرَاب): بیگانه	۲: ۲
1: 21	strangers	أَغْيَار (مفرد: غَیْر): بیگانگان	۱: ۲۲
4: 64	stratagem: a trick, scheme	کَيْد: مکر، حيله	۴: ۴۷

4: 55	sorry	مَهِين (جمع: مُهْنَاء): حقیر، ضعیف	۴: ۴۱
2:121	soul	فُؤَاد (جمع: أَفئِدَه): قلب	۲: ۲
1: 14	soul, inmost	سِرّ (جمع: أَسْرَار): قلب، راز	۱: ۱۴
6:166	souls, base-born and erring	هَمَج رَعَا: مردم فرومایه	۶: ۱۳۹
6: 35	Souls, immaculate	أَهْل عِصْمَت	۶: ۳۰
6:104	Souls, the illuminated	وُجُودَات مُنِيرَه	۶: ۸۴
4:168	souls of all else but Him be sacrificed for His sake, may the	رُوحٌ مَا سِوَاهُ فِدَاهُ	۴: ۱۲۵
4: 48	sound	سَلِيم: سالم، درست	۴: ۳۶
6: 92	Source of all light, the	نُورُ الْأَنْوَار	۶: ۷۷
6:147	Source of Revelation, the	أُمُّ الْكِتَاب	۶: ۱۲۲
3:216	sovereign	سُلْطَان (جمع: سَلَاطِين): پادشاه	۲: ۵۶
2:134	sovereignty	سُلْطَان: قدرت، شوکت	۲: ۴۶
2:122	sovereignty	سَلْطَنَت	۲: ۲
1: 37	sovereignty	شَاهِنشَهی	۱: ۴۳
4: 56	span	شِبْر: وجب	۴: ۴۲
6: 36	sparkling	زَاهِر: درخشان	۶: ۳۰
2:166	speak, to	تَكَلَّمَ (يَتَكَلَّم): تکلم کردن	۳: ۱۳۰
2:118	speak, to	نَطَقَ (يَنْطِقُ): صحبت کردن	۲: ۷
1: 13	speed, to	رَكَضَ (يُرَكِّضُ): دویدن، پناه بردن	۱: ۱۲
1: 28	spirit	نَفْس (جمع: نَفُوس، أَنْفُس): روح، جان، حقیقت هر چیز	۱: ۳۱
1: 24	spirit	رُوح (جمع: أَرْوَاح): روان	۱: ۲۴
6:114	Spirit of God, the	رُوحُ الْأَمِين: حامل وحی، جبرئیل	۶: ۹۳
1: 44	spirit, holy	رُوحُ الْقُدُس: جبرئیل، فیض الهی	۱: ۵۴
2:184	Spirit, the: Jesus	رُوح (حضرت روح): حضرت مسیح	۳: ۱۴۰
4:173	spite of, in	رَغَمَ: با وجود	۴: ۱۲۹
2:161	splendor	ضِيَاء: روشنایی	۳: ۱۲۲
4: 26	splendor	إِشْرَاق: درخشندگی، جلال	۴: ۲۰
2:135	splendor	نُور (جمع: أَنْوَار)	۲: ۴۶
4: 7	splendors	تَجَلِّيَات	۴: ۶

4: 8	sin	ذَنْبٌ (جمع: ذُنُوب): گناه	۴: ۷
5: 23	sin against, to commit a	جَنَى (يَجْنِي): مرتکب جنایت شدن	۵: ۴۸۰
2:183	since	لَمَّا	۳: ۱۳۸
2:129	sincere	مُخْلِص	۲: ۵۲
4: 11	sincerity	صَفَاء: خلوص، صداقت	۴: ۸
2:132	sincerity	صِدْق: خلوص	۲: ۵۴
1: 15	sinful	مُذْنِب: گناهکار	۱: ۱۵
2:129	sing, to	غَنَّ (يَغْنُ): آواز خواندن	۲: ۵۲
2:175	single out, to	اِخْتَصَّ (يَخْتَصُّ): جدا کردن، برجسته کردن	۲: ۱۰
5: 19	single out, to	خَصَّصَ (يُخَصِّصُ): مشخص و انتخاب کردن	۵: ۴۷۵
4: 71	sinner	آثِم: گناهکار	۴: ۵۳
2:126	sins	جَرِيرَات (مفرد: جَرِيرَة): گناهان	۲: ۴
5: 3	slander	لَوْمَة: نکوهش، سرزنش	۵: ۴۵۶
3:218	slander	اِفْتَرَاء: تهمت زدن	۲: ۵۷
5: 3	slanderer	لَائِم (جمع: لُؤَام): ملامت کننده	۵: ۴۵۶
1: 34	slave, bond	بَنَدَة	۱: ۴۰
2: 28	sleep	نَوْم: خواب	۲: ۵۹
2: 54	sleep	مَنَام: خواب	۲: ۶۱
2: 27	sleep, to	نَامَ (يَنَامُ): خوابیدن	۲: ۵۹
2: 54	slumber	رَقَد: خواب	۲: ۶۱
4: 21	smelling, most foul	أَنْتَن: متعفن تر (ین)، بدبو	۴: ۱۶
4: 38	smile, to	إِبْتَسَمَ (يَبْتَسِمُ): لبخند زدن	۴: ۲۹
2:163	soar, to	طَارَ (يَطِيرُ): پرواز کردن	۳: ۱۲۶
6: 47	soil, parched and barren	جُرْزَة: زمین بایر، شوره زار	۶: ۳۹
2:121	son	إِبْن (جمع: أَبْنَاء): پسر	۲: ۱
4: 64	sorcerer	سَاحِر: جادوگر	۴: ۴۷
6: 82	sordid: base, mean	ذَنِي (جمع: أَدْنِيَاء): پست	۶: ۶۹
4: 93	sorrowful	مَهْمُوم: غمگین	۴: ۶۹
5: 19	sorrows	حَسَرَات (مفرد: حَسْرَة): غصه ها، حزن ها	۵: ۴۷۶
3:215	sorrows	أَحْزَان (مفرد: حُزْن): غصه ها	۲: ۵۵

2:170	shed, to	سَفَكَ (يَسْفِكُ): ریختن آب یا خون	۳: ۱۱۷
2:162	shed, to	تَضَوَّعَ (يَتَضَوَّعُ): منتشر شدن	۳: ۱۲۳
4: 19	sheep	غَنَمٌ (جمع: أَغْنَامُ): گوسفند	۴: ۱۴
6: 48	sheer: pure, absolute	مَحْضٌ	۶: ۴۰
5: 17	shelter: protector	مُجِيرٌ: پناه دهنده	۵: ۴۷۲
2: 53	shelter, to seek	اسْتَجَارَ (يَسْتَجِيرُ): پناهنده شدن	۲: ۶۲
4: 19	shepherd	رَاعِي (جمع: رُعاة): چوپان	۴: ۱۴
4: 29	shepherds	رُعاة (مفرد: راعي): چوپانان	۴: ۲۲
5: 3	shield	دِرْعٌ: زره	۵: ۴۵۶
4:128	Shín (Shiráz), people of	أَهْلُ الشَّيْنِ	۴: ۹۴
2:164	shine forth, to	تَجَلَّى (يَتَجَلَّى): تجلی کردن	۳: ۱۲۶
2:134	shine forth, to	لَا حَ (يَلُوحُ): جلوه کردن، درخشیدن	۲: ۴۶
2:133	shine forth, to	طَلَعَ (يَطْلُعُ): طلوع کردن، نمایان شدن	۲: ۴۵
3:220	shining	نُوراء (مذموم: أَنْوَرُ): تابناک	۲: ۵۸
4: 33	shining	لَمِيعٌ: روشن، درخشان	۴: ۲۶
3:214	shining	اشراق: درخشیدن	۲: ۵۵
4:117	shoe	نَعْلٌ (جمع: نِعال): کفش	۴: ۸۶
4:158	shoe	حِذاء (جمع: أَحْذِيَةٌ): کفش	۴: ۱۱۷
5: 9	short, in	باری: خلاصه	۵: ۴۶۴
2:121	shut out, to: to prevent	مَنَعَ (يَمْنَعُ): باز داشتن	۲: ۱
4: 47	sickness	سُقْمٌ (جمع: أَسْقَامُ): بیماری، نادرستی	۴: ۳۵
1: 41	sigh	نالِه	۱: ۴۹
1: 39	sighing and weeping	عَوِيلٌ: شیون و گریه	۱: ۴۶
2:125	sighs	زَقَرَاتٌ (مفرد: زَقْرَةٌ): ناله ها	۲: ۴
1: 14	sight	بَصَرٌ (جمع: أَبْصارُ): حس بینائی	۱: ۱۳
5: 11	sign of God, the	آيَةُ اللَّهِ: شوقی افندی	۵: ۴۶۶
2:126	signs	آيات (مفرد: آية): نشانه ها	۲: ۵
3:215	signs	ظهورات	۲: ۵۵
5: 23	silence	صَمْتٌ: سکوت، خاموشی	۵: ۴۸۰
2:126	sin	عَصِيانٌ: سرکشی، طغیان	۲: ۵

2:133	self	نَفْس (جمع: نُفُوس، أَنْفُس): جان، تن، فرد	۲: ۴۵
1: 35	self and passion	نَفْس و هَوَى	۱: ۴۱
1: 43	self-existent	قَيُّوم: قائم بالذات، پاینده	۱: ۵۲
2:134	send down, to	بَعَثَ (يَبْعَثُ): فرستادن	۲: ۴۶
2:127	send down, to	أَنْزَلَ (يُنزِلُ): نازل کردن	۲: ۵
2:130	send forth, to	أَرْسَلَ (يُرْسِلُ): فرستادن	۲: ۵۳
5: 11	separate oneself, to	افْتَرَقَ (يَفْتَرِقُ): جدا گردیدن	۵: ۴۶۷
1: 24	separation	فِرَاق: جدائی، دوری	۱: ۲۶
6: 17	Sept	سِبْطَى: پیرو حضرت موسی	۶: ۱۵
4:122	sepulchres	قُبُور (مفرد: قَبْر)	۴: ۹۰
4: 75	serenity	سُكُون	۴: ۵۵
4: 58	serpent: a snake	ثُعْبَان (جمع: ثُعَابِين): ازدها، مار بزرگ	۴: ۴۳
2:121	servant	عَبْد (جمع: عِبَاد): بنده	۲: ۱
2:136	servants	عِبَاد (مفرد: عَبْد): بندگان	۲: ۴۷
6:124	servants	خُدَّام (مفرد: خَادِم): خادمین، چاکران	۶: ۱۰۳
2:166	servants	أَرْقَاء (مفرد: رَقِيق): بندگان	۳: ۱۳۰
5: 23	serve, to	خَدَّمَ (يَخْدِمُ): خدمت کردن، بندگی کردن	۵: ۴۸۰
2:132	service	عِبَادَت: بندگی	۲: ۵۴
2:137	servitude	عُبُودِيَّة: بندگی، پرستش	۲: ۶۵
5: 5	setting (of stars)	أَفُول: غروب کردن	۵: ۴۵۹
5: 7	severe, more	أَصْعَب: سخت تر (ین)	۵: ۴۶۱
2:129	severed	مُنْقَطِع	۲: ۵۲
2:171	shadow	ظِل (جمع: ظِلَال، أَظْلَال، ظُلُول): سایه	۳: ۱۱۸
3:220	shaft	سَهْم (جمع: سِهَام): تیرها	۲: ۵۸
6: 24	shake, to	ارْتَجَّ (يَرْتَجُّ): لرزیدن	۶: ۲۱
4: 27	shame	حَيَاء	۴: ۲۱
1: 33	shame	خَجَلَت	۱: ۳۸
5: 7	shameful, more	أَرْدَل: پست تر (ین)	۵: ۴۶۱
4: 63	sharpened	شَاخَذ: تیز و برآن	۴: ۴۷
4: 29	sharper	أَحَدَّ: تیزتر (ین)	۴: ۲۳

5: 10	savors of God, the sweet	نَفَحَاتُ اللَّهِ	۵: ۴۶۵
5: 10	savors of holiness, the sweet	نَفَحَاتُ قُدُس	۵: ۴۶۵
2:120	say, to	قَالَ(يَقُولُ): گفتن	۲: ۱
6:171	sayings, idle	زَخَارِفِ قَوْل	۶: ۱۴۳
4: 25	scabbard	غَمَد(جمع: عُمود، أعماد): غلاف	۴: ۱۹
4:132	scatter, to	نَسَفَ(يَنسِفُ): پراکنده و پهن کردن	۴: ۹۷
2:171	scatter, to	فَرَّقَ(يُفَرِّقُ): متفرق کردن	۳: ۱۱۷
5: 5	scattering	تَشْتِيت: پراکندگی	۵: ۴۵۹
6: 7	scoff, to	سَخِرَ(يَسْخَرُ): استهزاء کردن	۶: ۶
6: 90	scourges	سَيَاط(مفرد: سَوَط): تازیانه ها	۶: ۷۶
6:119	scribe	كاتب	۶: ۹۹
2:181	scriptures	صُحُف(مفرد: صَحِيفَه): رساله ها	۲: ۱۳
2:127	scriptures	زُبُر(مفرد: زَبُور): رساله ها	۲: ۶
5: 7	seal	ختم: مهر	۵: ۴۶۱
6:162	Seal of the Prophets	خَاتَمُ النَّبِيِّينَ	۶: ۱۳۶
5: 17	seas	غَمَار(مفرد: غَمَر): دریاهاى پر آب	۵: ۴۷۲
6: 44	seasons, the four	فُصولِ أربَعَه	۶: ۳۷
2:129	seat	مَقْعَد(جمع: مَقَاعِد): محلّ نشستن	۲: ۵۲
4: 49	seclude, to	اعْتَكَفَ(يَعْتَكِفُ): گوشه گیری کردن	۴: ۳۷
4: 49	seclusion	اعْتِكَاف: گوشه گیری، عزلت	۴: ۳۷
2:173	secret things	غُيُوب(مفرد: غَيْب): رازها	۳: ۱۲۱
3:219	sedition	نِفَاق: دوروئی، خیانت	۲: ۵۷
4:105	sedition	فِتْنَه(جمع: فِتَن): فساد، بلا، شرّ	۴: ۷۷
5: 5	Sedition, the Center of	مرکز نقض: میرزا محمد علی	۵: ۴۵۹
2:121	see, to	رَأَى(يَرَى): دیدن	۲: ۱
1: 6	seek, to: to search for	فَحَصَ(يَفْحَصُ): جستجو کردن	۱: ۴
2:122	seek, to: to pursue, aim at	قَصَدَ(يَقْصِدُ): قصد کردن	۲: ۲
1: 24	seeker	طَالِب(جمع: طُلَّاب): جوینده، محصل	۱: ۲۶
6: 38	seeker	سائل: طالب	۶: ۳۲
4: 34	seemly	جَمِيل: زیبا، خوب	۴: ۲۶

1: 36	sacred	طَيِّب: نیکو سرشت	۱: ۴۱
2:135	sacrifice	فِدَاء: قربانی	۲: ۴۶
5: 8	sacrifice, self	جانفِشانی	۵: ۴۶۳
4:101	Sacrifice, the: Ishmael	ذَبِیح: قربانی	۴: ۷۴
4: 72	Sád, the land of: Isfahán	أَرْض صَاد: اصفهان	۴: ۵۳
2:132	sadness	حُزْن(جمع: آحزان): اندوه	۲: ۵۴
5: 4	safeguarding	حِمَايَة	۵: ۴۵۷
6:119	sale	بَيْع(جمع: بُيُوع): فروش، خرید	۶: ۹۸
6:105	salt	مِلْح(جمع: أَمْلَاح): نمک	۶: ۸۵
6:105	salt that burneth bitterly	مِلْح أَجَاج	۶: ۸۵
5: 3	salutation	تَحِيَّة(جمع: تَحِيَّات): سلام و درود	۵: ۴۵۶
2:119	salutation	تَكْبِير	۲: ۷
3:215	salvation	قَرَج: نجات، رستگاری	۲: ۵۵
3:217	salvation	نَجَات	۲: ۵۶
5: 7	salvation, the people of	فِرْقَة نَاجِيَة	۵: ۴۶۱
1: 28	sanctified	مُقَدَّس	۱: ۳۱
1: 17	sanctify, to	قَدَّسَ(يُقَدِّسُ): پاک و منزّه کردن	۱: ۱۸
1: 17	sanctity	تَقْدِيس: منزّه کردن	۱: ۱۷
5: 3	sanctuary: a place of refuge	حِمَى: مکان مقدس	۵: ۴۵۶
2: 53	sanctuary: shelter	كَنْف(جمع: أَكْناف): پناه	۲: ۶۲
1: 33	sanctuary: a holy place	حَرَم(جمع: أَحْرَام): مکان مقدس	۱: ۳۸
1: 37	sanctuary of the tabernacle of God	سُرَادِقِ حَفْظِ اللَّهِ	۱: ۴۳
4: 25	sapling	نَهَال	۴: ۱۹
3:216	satan	شَيْطَان(جمع: شَيْطَانِين)	۲: ۵۶
1: 40	satanic	شَيْطَانِي	۱: ۴۷
2:121	save: except, but, other than	سِوَى: مگر، جز، غیر	۲: ۱
4:151	save, to: to rescue	أَنْقَذَ(يُنْقِذُ): نجات دادن	۴: ۱۱۲
3:217	savior	مُنْجِي: نجات دهنده	۲: ۵۶

2:119	reveal, to	أَظْهَرَ (يُظْهِرُ): ظاهر کردن	۲: ۷
2: 54	reveal, to	أَرَى (يُرَى): آشکار کردن	۲: ۶۱
2:176	reveal, to	جَلَى (يُجَلَى): ظاهر کردن	۲: ۱۰
2:129	reveal, to	فَصَّلَ (يُفْصَلُ): آشکار کردن	۲: ۵۲
4:132	revealer	مُظْهِر: ظاهر و آشکار کننده	۴: ۹۷
4: 32	revealer	مُبَيِّن: آشکار کننده	۴: ۲۵
2:118	revelation	ظُهور	۲: ۷
2:126	revelation	وَحَى	۲: ۵
4: 24	revile, to	سَبَّ (يَسُبُّ): ناسزا گفتن	۴: ۱۸
6:198	revival: coming back	إِيَاب: برگشتن	۶: ۱۶۵
4: 21	revive, to	أَحْيَا (يُحْيِي): زنده کردن	۴: ۱۷
2:132	reward	أَجْر (جمع: أَجُور): پاداش، عوض	۲: ۵۴
6: 8	right	حَق	۶: ۷
2:120	right (side, hand)	يَمِين (ضد: يَسَار): دست راست، طرف راست	۲: ۱
1: 24	righteous, the	أَبْرَار (مفرد: بَرّ): نیکان	۱: ۲۵
1: 44	righteous, the	أَحْرَار (مفرد: حُرّ): آزادگان	۱: ۵۴
6: 10	righteousness	تُقَى: پرهیزکاری	۶: ۸
5: 3	righteousness, to stand for	زَهْد (يَزْهَدُ): زاهد بودن	۵: ۴۵۷
4:155	ring	خَاتَم: انگشتری	۴: ۱۱۴
4: 46	ring, to	دَقَّ (يَدُقُّ): کوبیدن درب	۴: ۳۵
2:134	rise up against, to	حَارَبَ (يُحَارِبُ): جنگیدن	۲: ۴۶
6: 34	rival: competitor	نَدَّ (جمع: أُنْدَاد): مثل، نظیر	۶: ۲۹
2:124	river of everlasting life	كَوْثَر بَقَاء	۲: ۳
1: 37	river of everlasting life	كَوْثَر حَيَوَان	۱: ۴۳
2:138	robe	ثَوْب (جمع: أَثْوَاب، ثِيَاب): جامه، لباس	۲: ۶۵
6: 53	robes	خَلَعَ (مفرد: خَلَعَت): لباسهای نو	۶: ۴۴
4:133	roses	أُورَاد (مفرد: وَرْد): گلها	۴: ۹۸
2:134	rule: government	حُكُومَت	۲: ۴۶
5: 23	run over, to	طَفَحَ (يَطْفَحُ): سرشار و لبریز شدن	۵: ۴۸۱
2:164	rustling	حَفِيف: صدای برگ درختان	۳: ۱۲۶

2:164	remove, to	أَبْعَدَ (يُبْعِدُ): دور کردن	۳: ۱۲۶
1: 50	rend asunder, to: to tear apart	خَرَقَ کردن	۱: ۶۲
2:164	rend asunder, to: to tear apart	خَرَقَ (يَخْرِقُ): دریدن	۳: ۱۲۷
4: 5	rend asunder, to: to tear apart	شَقَّ (يَشُقُّ): دریدن	۴: ۵
1: 37	renounce, to: to give up, cast off	گذشتن (از چیزی)	۱: ۴۴
4: 2	renunciation	انْقِطَاع: چشم پوشی از ممکنات	۴: ۳
6: 77	renunciation, sublime	انْقِطَاع: بریدن از ممکنات	۶: ۶۵
4: 23	repent, to	تَابَ (يَتُوبُ): توبه کردن	۴: ۱۸
4: 35	repentance	انَابَة: توبه کردن	۴: ۲۷
5: 6	reports, false and foolish	أَرَاخِيفَ (مفرد: ارجاف)	۵: ۴۶۱
2: 27	repose, to	اسْتَرَاخَ (يَسْتَرِيحُ): استراحت کردن	۲: ۵۹
4: 61	representatives	وَكَلَاءَ (مفرد: وکیل)	۴: ۴۵
2:134	repudiate, to: to deny	كَفَرَ (يَكْفُرُ): انکار کردن حق	۲: ۴۶
4: 4	repudiation	اعراض: روبرگردانیدن	۴: ۴
5: 18	requite, to: to avenge, to punish	آخَذَ (يُؤَاخِذُ): تنبیه کردن	۵: ۴۷۵
2:124	resignation: patient submission	تَسْلِيم: سر سپردن	۲: ۳
4: 24	resistless	مُبْرَم: ثابت، متین	۴: ۱۸
2:129	resplendent	مُنِير: تابان، درخشان	۲: ۵۲
1: 18	resplendent	مُضِيء: درخشنده	۱: ۱۸
5: 14	restriction	تَخْصِيص	۵: ۴۷۰
4: 41	resurrection	نُشُور: زنده شدن مردگان در روز قیامت	۴: ۳۱
4:103	resurrection	حَشْر: گرد کردن مردم	۴: ۷۶
6:117	resurrection	بَعَث: بیدار کردن	۶: ۹۶
4:132	Resurrection, the	قیامت	۴: ۹۷
6: 80	Resurrection, the Day of	يَوْمَ مَعَاد: روز قیامت	۶: ۶۷
4: 9	retentive: retaining	وَاعِيَة: شنوا، حفظ کننده	۴: ۷
1: 33	retreats: hiding places	مَكَامِينَ (مفرد: مَكْمَن)	۱: ۳۸
1: 46	retribution: punishment	عِقَاب: عذاب سخت	۱: ۵۶
4:150	return	مَأْب: بازگشت	۴: ۱۱۱
1: 24	reunion	وِصَال: بهم پیوستگی	۱: ۲۶

6: 36	Reckoning, the Day of	يَوْمَ تَعَابُنْ: روز قیامت	۶: ۳۱
2:159	recognize, to	اعْتَرَفَ (يَعْتَرِفُ): شناختن	۲: ۲۰
2:175	recognize, to	عَرَفَ (يَعْرِفُ): شناختن	۲: ۱۰
6: 37	recognized, universally	مُسَلَّم	۶: ۳۱
2:159	recompense	أَجْر (جمع: أَجُور): پاداش، عوض	۲: ۲۰
6: 39	recorded	مَأْتُور: روایت شده	۶: ۳۳
4: 63	recover, to	طَابَ (يَطِيبُ): شفا و بهبودی یافتن	۴: ۴۶
4: 55	recovery	بُرُوء: بهبود، بازیافت، جبران	۴: ۴۱
5: 8	rectitude of conduct	راستی	۵: ۴۶۲
1: 14	reflect, to: to ponder	تَدَبَّرَ (يَتَدَبَّرُ): تفکر کردن	۱: ۱۴
4: 64	reformer	مُصْلِح: اصلاح کننده	۴: ۴۷
5: 17	refuge: safe place, haven	مَلَاذ: پناهگاه، پناه	۵: ۴۷۲
4: 5	refuge: safe place, shelter	مَلَجَأ: محل پناه	۴: ۴
2:177	refuge	مَهْرَب (جمع: مَهَارِب): پناهگاه	۲: ۱۱
4: 21	regeneration	تَهْذِيب: تربیت و رفع عیوب	۴: ۱۶
5: 19	regret	تَحَسَّر: افسوس خوردن	۵: ۴۷۶
4: 8	rein	زِمَام (جمع: أَزِمَّة): افسار، مهار	۴: ۷
6:221	reject, to	ادبار نمودن: پشت کردن	۶: ۱۸۶
6:187	rejected	مَرْدُود: رد شده، رانده شده	۶: ۱۵۶
6: 8	rejection	ادبار: اعراض نمودن	۶: ۷
1: 12	rejoice, to	اسْتَبَشَرَ (يَسْتَبِشِرُ): مسرور شدن	۱: ۱۱
2:172	relate, to	نَسَبَ (يَنْسِبُ): نسبت دادن	۳: ۱۲۰
4: 7	relief	بَسَط: گشایش	۴: ۶
5: 19	relieve, to	أَنْقَذَ (يُنْقِذُ): خلاص کردن، نجات دادن	۵: ۴۷۶
2:131	rely, to	تَوَكَّلَ (يَتَوَكَّلُ): توکل کردن، تکیه کردن	۲: ۵۴
2:131	remember, to	ذَكَرَ (يَذْكُرُ): بیاد آوردن	۲: ۵۳
1: 35	remembrance	ذکر: یاد کردن	۱: ۴۱
6:113	remitted: forgiven, pardoned	مَعْفُو: عفو شده	۶: ۹۳
2:131	remote	بَعِيد (ضد: قَرِيب): دور	۲: ۵۳
2:136	remove, to	كَشَفَ (يَكْشِفُ): پرده برداشتن	۲: ۴۷

<< R >>

3:215	radiance	ضِيَاء: تشعشع	۲: ۵۵
4: 2	radiant	نُورَاء (مذْكَر: أَنْوَر): نورانی	۴: ۲
1: 32	radiant	دُرِّي: روشن و درخشنده: تابنده	۱: ۳۶
2:161	raiment: clothing	قَمِيص (جمع: قُمُص، أَقْبِصَه): جامه	۳: ۱۲۲
3:218	rain	غَيْث (جمع: غُيُوث، أَغْيَاث): باران	۲: ۵۷
2:166	rain, to	أَمَطَرَ (يُمِطِرُ): باران آمدن	۳: ۱۳۰
3:214	rains	أَمْطَار (مفرد: مَطَر): باران ها	۲: ۵۵
2: 54	raise up, to	أَقَامَ (يُقِيمُ): بالا بردن، برپا کردن	۲: ۶۱
2:121	raise, to	رَفَعَ (يَرْفَعُ): بالا بردن، بلند کردن	۲: ۱
5: 9	rancor	حِقْد (جمع: أَحْقَاد، حُقُود): کینه	۵: ۴۶۴
2:135	ransom	فِدَاء: قربانی	۲: ۴۶
3:219	rapture	وَلَه: شیفستگی	۲: ۵۸
4: 12	reach, to	جَاءَ (يَجِيءُ): آمدن، رسیدن	۴: ۹
3:215	reach, to	بَلَغَ (يَبْلُغُ): رسیدن، آمدن	۲: ۵۵
2:132	read, to	قَرَأَ (يَقْرَأُ): خواندن	۲: ۵۴
4:129	read, to	طَالَعَ (يُطَالِعُ): مطالعه کردن، خواندن	۴: ۹۵
6: 99	Reality of all things, the inmost	حَقِيقَةُ الْحَقَائِقِ	۶: ۸۰
1: 28	realm	فَضَاء	۱: ۳۱
1: 25	realm	عَالَم (جمع: عَوَالِم)	۱: ۲۷
1: 23	realm of the infinite, the	لَا مَكَان: عالم غیب	۱: ۲۴
5: 10	Realm of the Unseen, the	جَهَانِ بِنَهَان	۵: ۴۶۵
1: 15	rebel	عَاصِي (جمع: عُصَاة): سرکش، نافرمان	۱: ۱۵
5: 11	rebel, to	عَصَى (يَعْصِي): سرکشی کردن، اطاعت نکردن	۵: ۴۶۷
1: 30	rebellion	عِصْيَان: سرکشی، طغیان	۱: ۳۴
1: 47	rebellious one	عَاصِي (جمع: عُصَاة): سرکش، نافرمان	۱: ۵۷
5: 12	rebelliousness	إِبَاء: سرپیچی	۵: ۴۶۷
4: 44	receptive	مُقْبِل: رو آورنده، قبول کننده	۴: ۳۴
6:124	receptiveness	قَابِلِيَّة	۶: ۱۰۳

<< Q >>

2:118	Qiblih, the: point of Adoration (Bahjí, 'Akká)	قِبْلَه	۲: ۶
4: 22	quarrel	نِزَاع	۴: ۱۷
6:194	que: t	طَلَب	۶: ۱۶۲
1: 41	quintessence: pure essence	سَادِج: جَوْهَر خَالِص، خَالِص	۱: ۵۰
6: 92	Quintessence of truth, the	جَوْهَرُ الْجَوَاهِر	۶: ۷۷
4: 13	Qur'án	فُرْقَان: جَدَا كُنْنَدَه حَقِّ از بَاطِل، از القَابِ قِرَان	۴: ۱۰

2:175	prostrate oneself, to	سَجَدَ (يَسْجُدُ): سجده کردن	۲: ۱۰
5: 3	protect, to	وَقَى (يَقِي): حفظ کردن	۵: ۴۵۶
2:127	protect, to	حَفِظَ (يَحْفَظُ): حفظ کردن	۲: ۶
4: 22	protect, to	حَرَسَ (يَحْرُسُ): محافظت کردن	۴: ۱۷
5: 4	protection	مُحَافَظَتٌ	۵: ۴۵۷
4: 14	protection	صِيَانَتٌ: حفظ، محافظت	۴: ۱۱
2:130	protector	مُهَيِّمٌ: نگهبان	۲: ۵۳
2:177	protector	عَاصِمٌ: حفظ کننده	۲: ۱۱
4: 4	protest	اِعْتِرَاضٌ	۴: ۴
1: 15	providence	عِنَايَةٌ	۱: ۱۶
4: 25	providence, loving	شَفَقَةٌ: عنایت	۴: ۲۰
4:117	pull off, to	خَلَعَ (يَخْلَعُ): برکندن لباس، دور کردن	۴: ۸۶
4: 8	pulpit	مِنْبَرٌ (جمع: منابر)	۴: ۶
1: 27	pure	طَيِّبٌ: خوب، نیکوسرشت	۱: ۲۹
1: 28	pure	طَاهِرٌ: پاک، مبرا از عیب	۱: ۳۱
4: 10	pure	صِرْفٌ: خالص، بی غش	۴: ۸
2:173	purify, to	زَكَّى (يُزَكِّي): پاک و منزّه کردن	۲: ۹
4: 2	purify, to	طَهَّرَ (يُطَهِّرُ): پاک کردن	۴: ۳
3:217	purity	صَفَاءٌ: پاکی	۲: ۵۶
3:216	purity	تَقْوَى: پرهیزکاری	۲: ۵۶
5: 19	purpose	مُرَادٌ	۵: ۴۷۷
2:174	pursuance	اِتِّبَاعٌ: پیروی کردن	۲: ۱۰

5: 4	preservation	صِيَانَت: حفظ	۵:۴۵۷
5: 3	preserve, to	حَمَى (يَحْمِي): حمايت کردن	۵:۴۵۶
2:179	preserve, to	حَفِظَ (يَحْفَظُ): نگاهداري نمودن	۲: ۱۲
2: 28	preserver	حَافِظ (جمع: حُفَاظ): حفظ کننده	۲: ۵۹
2:127	prevent, to	مَنَعَ (يَمْنَعُ): باز داشتن	۲: ۵
4: 44	pride	نَخْوَت: تکبر، خودستائي	۴: ۳۴
3:219	pride	فَخْر	۲: ۵۸
2:132	pride, to show	اسْتَكْبَرَ (يَسْتَكْبِرُ): مغرور بودن	۲: ۵۴
4: 46	priest	قَسِيْس: كشيْش، پيشواي مسيحي	۴: ۳۵
4:142	Primal Point, the	نُقْطَه اُولَى: حضرت اعلى	۴:۱۰۴
6:225	Prince of Martyrs, the: Imám Husayn	سَيِّدُ الشُّهَدَاء	۶:۱۹۰
2:130	prison	سِجْن (جمع: سُجُون): زندان	۲: ۵۳
2:171	Prison, the Most Great	سِجْنِ اعْظَم: زندان عكاء	۳:۱۱۸
5: 3	proclaim, to	بَلَّغَ (يُبَلِّغُ): اعلام کردن، انتشار دادن	۵:۴۵۷
2:129	proclaim, to	بَشَّرَ (يُبَشِّرُ): بشارت دادن	۲: ۵۲
4: 82	profit from, to	رَبِحَ (يَرْبِحُ): سود و منفعت بردن	۴: ۶۰
6: 74	profligate: immoral	فَاسِق (جمع: فُسَّاق): بدكار	۶: ۶۲
6: 41	prohibitions	نَوَاهِي: آنچه خداوند نهی کرده	۶: ۳۵
6: 8	promise, nonfulfilment of the divine	بِدَاء	۶: ۷
2:175	promise, to	وَعَدَ (يَعِدُ): وعده دادن	۲: ۱۰
5: 10	promotion	تَرْوِيج	۵:۴۶۵
6: 45	promulgation of the Law of God	اِقَامَه حدود الله	۶: ۳۸
2:130	proof	حُجَّت (جمع: حُجَج): دليل	۲: ۵۳
1: 55	proof	بُرْهَان (جمع: بَرَاهِين): دليل	۱: ۶۹
5: 24	proofs, conclusive	بَرَاهِين قاطعه	۵:۴۸۲
1: 3	prophet	نَبِي (جمع: أَنْبِيَاء)	۱: ۱
6:181	Prophethood	نُبُوَّت (جمع: نُبُوتَات)	۶:۱۵۱
6:216	Prophets "endowed with constancy"	أَنْبِيَاءِ اُولُو الْعَزْم	۶:۱۸۲
4: 93	prosperity	نِعْمَت (جمع: نِعَم)	۴: ۶۸
5: 19	prosperity: wealth, success	رَخَاء: گشايش در معيشت	۵:۴۷۶

2:170	portals	مَصَارِيع (مفرد: مِصْرَاع): درها، ابواب	۳: ۱۱۶
1: 3	possess, to	مَلَك (يَمْلِكُ): مالک شدن، تصرف کردن	۱: ۱
1: 42	possessing, all	غَنَى (جمع: أَغْنِيَاء): توانگر، بی نیاز	۱: ۵۰
6:171	possible	يَسِير: سهل و آسان	۶: ۱۴۳
2: 54	potency	اِقْتِدَار	۲: ۶۱
2:123	poverty	فَقْر	۲: ۳
6:125	power	شَوْكَت: قوه و قدرت	۶: ۱۰۳
5: 3	power	سُلْطَة: قدرت، توانائی	۵: ۴۵۶
2: 28	power	حَوْل: قوت و قدرت	۲: ۵۹
2:123	power	قُدْرَت	۲: ۳
2: 54	power, compelling	نُفُوذ	۲: ۶۱
2:118	powerful	قَدِير: توانا	۲: ۶
2:123	powerlessness	عَجْز	۲: ۳
2:126	praise	حَمْد: سپاس و ثنا	۲: ۵
2:121	praise	ثَنَاء (جمع: أَثْنِيَه): ستایش، مدح	۲: ۲
2:119	praise	ذِكْر	۲: ۷
4: 1	praise be to God	الْحَمْدُ لِلَّهِ	۴: ۲
4: 97	praised, all	حَمِيد: ستوده	۴: ۷۱
6: 46	praiseworthy	مَمْدُوح: قابل ستایش	۶: ۳۹
2:184	praiseworthy	مَحْمُود: ستوده، مورد ستایش	۳: ۱۳۹
2:117	pray, to	صَلَّى (يُصَلِّي): نماز گزاردن، دعا کردن	۲: ۶
2:120	prayer, obligatory	صَلَات (جمع: صَلَوَات): نماز	۲: ۱
2:168	preamble	دِيْبَاج: مقدمه کتاب، دیباچه	۳: ۱۱۵
2:174	precepts	أَوَامِر (مفرد: أَمْر): فرمان ها	۲: ۱۰
2:158	precepts	أَحْكَام (مفرد: حُكْم)	۲: ۲۰
2:138	precinct	رَحْبَة (جمع: رِحَاب): پیشگاه	۲: ۶۵
4: 73	precious	ثَمِين: با ارزش، گرانبها	۴: ۵۴
5: 8	presence	حُضُور	۵: ۴۶۳
2:121	presence: assemblage, reunion	وِصَال: بهم پیوستگی	۲: ۱
6:139	Presence, attainment unto the divine	لِقَاء: ملاقات	۶: ۱۱۶

6: 11	Pharaoh	فِرْعَوْن	٦: ٩
1: 37	Phoenix: legendary bird, symbol of immortality	هُمَا	١: ٤٣
1: 23	Phoenix: legendary bird, symbol of immortality	عَنْقَاء	١: ٢٤
4: 63	physician, ignorant	مُتَطَبِّبٌ: پزشک دروغی	٤: ٤٧
4: 22	piety	بِرٌّ: نیکی و نیکوکاری	٤: ١٧
6: 71	pilgrimage, garb of	احرام: لباس طواف	٦: ٥٩
4: 88	pillage	غَارَت	٤: ٦٥
4:100	pillage, to	نَهَبَ(يَنْهَبُ): غارت کردن	٤: ٧٤
4:115	pillars	عَمَد(مفرد: عِمَاد): ستون ها	٤: ٨٥
4: 28	pillars	أَرْكَان(مفرد: رُكْن): ستون ها	٤: ٢٢
2: 28	pillow	فِرَاش(جمع: فُرُش): بستر	٢: ٥٩
4: 27	pinnacle: lofty peak	دُرُوءَة(جمع: دُرَى): قله کوه	٤: ٢١
4: 20	pit	دَخَمَه	٤: ١٦
2:159	pitier: one who shows compassion	رَاحِمٌ: رحم کننده	٢: ٢٠
2:138	pitiful	رَاحِمٌ(جمع: رُحَمَاء): رحم کننده	٢: ٦٦
4:103	place	مَوْقِفٌ(جمع: مَوَاقِف): محل ایستادن	٤: ٧٦
2:120	place	مَقَامٌ(جمع: مَقَامَات): جایگاه	٢: ١
4: 52	place to flee to, a	مَحَبِصٌ: گریزگاه	٤: ٣٩
1: 38	placeless	لَا مَكَانَ: عالم غیب	١: ٤٤
4:132	Plain, the	سَاهِرَةٌ: دشت خوفناک، از القاب قیامت	٤: ٩٧
4:136	play, to	لَعَبَ(يَلْعَبُ): بازی و مزاح کردن	٤: ١٠٠
4: 78	plead on behalf of (someone), to	شَفَاعَتٌ: درخواست عفو	٤: ٥٨
2:175	pleased, to be	ارْتَضَى(يَرْضَى): راضی بودن	٢: ١٠
4: 24	pleasure	مَرْضَاةٌ: خوشنودی	٤: ١٨
2:121	pleasure, good	رِضَاءٌ	٢: ١
4: 93	pledge	وَعْدٌ: وعده، قول، پیمان	٤: ٦٩
4: 88	plunder	تَارَاجٌ	٤: ٦٥
4: 87	poise: ease and dignity of manner	سُكُونٌ	٤: ٦٤
2:127	ponder, to	تَفَكَّرَ(يَتَفَكَّرُ): تفکر کردن	٢: ٥
1: 10	poor	مِسْكِينٌ(جمع: مَسَاكِين): فقیر	١: ٩

4: 42	peace be upon him	عَلَيْهِ السَّلَام	٤: ٣٢
4: 7	pearls	لِنَالِي (مفرد: لؤلؤ): مرواریدها	٤: ٦
4: 3	peer	نَظِير	٤: ٣
2:129	peerless	فَرِيد (جمع: فَرَائِد): بی یگانه، بی نظیر	٢: ٥٢
1: 40	peerless	بِئِمثال	١: ٤٨
4: 8	pen	يِرَاعَه: قلم	٤: ٧
4: 40	Pen of Glory	قَلَمِ اَعْلَى: قلم وحی الهی	٤: ٣١
2:125	Pen of the Most High	قَلَمِ اَعْلَى: قلم وحی الهی	٢: ٤
6: 84	penalty	قصاص: جزا	٦: ٧١
6: 85	Pentateuch: the first 5 books of the Bible	تَوْرَات	٦: ٧١
2:131	people	ناس: مردم	٢: ٥٤
3:217	people	اَنَام: مردم، خلق	٢: ٥٦
6: 42	people	اُمَّت (جمع: اَمَم): گروهی از مردم، جماعت	٦: ٣٥
6:210	people, the common	عَوَام (مفرد: عامَّة): توده ها، غیر خاص	٦: ١٧٦
3:215	peoples	خَلِيقَة (جمع: خَلَائِق): مردم	٢: ٥٥
2:125	perceive, to	رَأَى (يَرَى): دیدن با قوه عقل	٢: ٤
6: 9	perdition: loss, ruin	خَسَار: زیان بردن، هلاکت	٦: ٨
2:181	perfection	اِتْقَان: کمال	٢: ١٣
4:110	perfidious: treacherous, faithless	مُغِلّ: خائن	٤: ٨١
5: 17	perils	مَخَاطِر: خطرها، شدائد	٥: ٤٧٢
4:135	perpetrate, to	اِرْتَكَبَ (يَرْتَكِبُ): مرتکب شدن	٤: ٩٩
5: 4	perpetual: eternal	مُؤَبَّد: ابدی، دائمی	٥: ٤٥٨
4:108	perpetuate, to	اَدَامَ (يُدِيمُ): جاودانی و ابدی کردن	٤: ٧٩
4: 45	Persian	عَجَمِي: ایرانی، از نژاد غیر عرب	٤: ٣٤
4: 47	perspicuous: clear, lucid	مُبِين: واضح	٤: ٣٦
6: 6	perturbed: disturbed, troubled	مُضْطَرِب	٦: ٥
5: 12	perturbed: agitated, disturbed	مُشَوَّش: پریشان، آشفته	٥: ٤٦٧
4:101	perverse: corrupt, wicked	عَنُوْد (جمع: عُنُد): مخالف حق	٤: ٧٤
4: 12	perversity	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	٤: ١٠
2:175	pervert, to	حَرَفَ (يُحَرِّفُ): تغییر دادن معنی کلام	٢: ١٠

4: 98	pack	شِرْذِمَةٌ (جمع: شَرَاذِم): دسته کوچک	۴: ۷۲
4: 46	pain	داء: درد و مرض	۴: ۳۵
6: 7	pain	اِیْذَاء: اذیت و آزار	۶: ۶
4: 56	palaces	قُصُور (مفرد: قَصْر)	۴: ۴۲
2:125	paradise	جَنَّت (جمع: جِنَان): بهشت	۲: ۴
1: 28	paradise	فِرْدَوْس (جمع: فَرَادِيس): بهشت، باغ	۱: ۳۱
1: 5	paradise	رضوان: بهشت	۱: ۳
1: 29	paradise	خُلْد: بهشت	۱: ۳۱
6: 24	paradise	جِنَان (مفرد: جَنَّت): بهشت	۶: ۲۰
1: 29	paradise, exalted	خُلْد بَرِّین	۱: ۳۱
1: 28	paradise, highest	فِرْدَوْس بَرِّین	۱: ۳۱
4:131	pardon, to crave	اسْتَغْفَرَ (یَسْتَغْفِرُ): غفران طلبیدن	۴: ۹۶
5: 12	passing: death	صُعُود: فوت کردن	۵: ۴۶۸
3:216	passion	هَوًی (جمع: أهواء): هوس، شهوت	۲: ۵۶
1: 36	passion	شَهَوَات	۱: ۴۲
4: 29	passions and desires, evil	نَفْس و هَوًی	۴: ۲۲
4: 17	pasture	دَسْکِرَةٌ (جمع: دَسَاكِر): مزرعه	۴: ۱۳
6: 70	path	نَهْج (جمع: نُهوج): راه	۶: ۵۸
5: 3	path	مَحْجَّة: راه راست	۵: ۴۵۶
4: 5	path	صِرَاط (جمع: صُرُط): راه، طریق	۴: ۴
2:131	path	سَبِيل (جمع: سُبُل): راه، طریق	۲: ۵۳
4: 98	path, straight	سَوَاء الصِّرَاط	۴: ۷۲
2:138	pathway	مَمَر: محل عبور، گذرگاه	۲: ۶۶
3:219	patience	اصْطِبَار: شکیبائی	۲: ۵۷
6:132	paupers: the poor	فُقَرَاء (مفرد: فَقِیر)	۶: ۱۱۰
1: 25	pavilion: large tent	سُرَادِق: سراپرده، چادر بزرگ	۱: ۲۷
2:119	peace	سَلَام: صلح، آرامش	۲: ۷
5: 8	peace and amity	صُلْح و صَلَاح	۵: ۴۶۲

4: 93	oppression, victim of	مَظْلُوم	۴: ۶۹
5: 17	oppressive	مُضَيِّق: سختی آور	۵: ۴۷۲
1: 46	oppressor	ظالم	۱: ۵۷
2:172	oppressors	طُغَاة (مفرد: طاغی): ظالمان، گردنکشان	۳: ۱۲۰
2:124	or	أو: یا	۲: ۳
4: 82	or	أم: یا	۴: ۶۱
2:126	ordain, to: to order	قَدَّرَ (يُقَدِّرُ): فرمان دادن	۲: ۵
3:220	ordainer	مُقَدِّر: مقدر کننده، معین کننده	۲: ۵۸
4: 24	ordainer	أمیر: امر کننده	۴: ۱۹
2:124	ordainer	حاکم (جمع: حُکام)	۲: ۳
2:130	ordinances	حُدُود (مفرد: حَد): تعالیم و احکام	۲: ۵۳
6:142	original	بِدْعِيَّة: بی سابقه، جدید	۶: ۱۱۸
4: 54	outstep, to	جَاوَزَ (يُجَاوِزُ): تجاوز کردن	۴: ۴۱
5: 6	outwardly	جِهَاراً: آشکاراً	۵: ۴۶۱
1: 7	outworn, to be	بَلِيَّ (يَبْلِي): کهنه و فرسوده شدن	۱: ۶
5: 23	overflowing	طافِح: سرشار، لبریز	۵: ۴۸۱
3:219	overlooking	اغضاء: چشم پوشی کردن	۲: ۵۸
6: 85	overshadow, to	ظَلَّلَ (يُظَلِّلُ): سایه افکندن	۶: ۷۱
5: 17	overwhelming	قاصِم (جمع: قَواصِم): شکننده	۵: ۴۷۲

5: 11	obedience	اطَاعَت	۵: ۴۶۷
2:130	obedient, to be	اتَّبَعَ (يَتَّبِعُ): اطاعت کردن	۲: ۵۳
2:184	obeyed, (one who is)	مُطَاع: اطاعت شده	۳: ۱۳۹
5: 13	obligation	وَضَائِفُهُ (جمع: وَضَائِف)	۵: ۴۶۹
4:127	oblivious	غَافِل	۴: ۹۳
5: 20	obscure	مُهِمَّ	۵: ۴۷۷
1: 9	obscured, to be	خَفِيَ (يَخْفَى): مخفی بودن	۱: ۷
4:102	obscured, to be	غَابَ (يَغِيبُ): غایب شدن، پنهان شدن	۴: ۷۵
2:121	ocean	بَحْر (جمع: بُحُور، أَبْحَر، بِحَار): دریا	۲: ۱
5: 7	odious, more	أَشْنَع: زشت تر (ین)، کریه تر (ین)	۵: ۴۶۱
5: 19	offend, to	أَهَانَ (يُهِينُ): اهانت کردن	۵: ۴۷۶
4:104	oil	دُهْن (جمع: أدهان): روغن	۴: ۷۶
2:130	omnipotent	قَدِير: دارای قدرت	۲: ۵۳
2:182	One Whose help is sought by all men, the	مَنَان	۲: ۱۴
3:219	oneness	تَوْحِيد: یگانگی	۲: ۵۸
2:119	oneness	قَرْدَانِيَّة: یگانگی	۲: ۷
2:121	only	الَا	۲: ۲
5: 3	onslaught: a violent attack	هَجُوم	۵: ۴۵۶
6: 14	open: clear	صِرَاح: واضح و آشکار	۶: ۱۱
1: 43	open, to	فَتَحَ (يَفْتَحُ): باز کردن، گشودن	۱: ۵۲
5: 12	openly	صِرَاحًا	۵: ۴۶۷
5: 21	openly	جَهْرًا: آشکاراً	۵: ۴۷۹
6: 82	opponent	مُعَارِض: مخالفت کننده	۶: ۶۹
5: 11	oppose, to	عَارَضَ (يُعَارِضُ): ضدیت و مخالفت کردن	۵: ۴۶۷
6:125	opposer	مُدْبِر (ضد: مُقْبِل): اعراض کننده	۶: ۱۰۴
6: 5	opposition, vehement	اِحْتِجَاج: مجادله کردن	۶: ۴
6: 24	oppression	ضَيْق: تنگی، افسردگی	۶: ۲۱
4: 14	oppression	ظَلَم	۴: ۱۱

5: 4 nurture, to

پرورش دادن ۵:۴۵۸

5: 5	Name, the Greatest	اسمِ اعظم	۵: ۴۶۰
2:158	name, to	سَمَى (يُسَمَى): نامیدن	۲: ۲۰
4:177	"In the name of God, the Compassionate, the Merciful"	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۴: ۱۳۲
2:120	names	أَسْمَاء (مفرد: اسم)	۲: ۱
2:121	nations	أُمَّم (مفرد: أُمَّت): جماعت ها، مردمان	۲: ۱
5: 20	"nay, by the righteousness of the Lord!"	لا وَاللَّهِ	۵: ۴۷۸
2:124	nearness	قُرْب: نزدیکی	۲: ۳
3:215	necks	أَعْنَاق (مفرد: عُنُق، عُنُق): گردنهای مردم	۲: ۵۵
4:147	needle	إِبْرَه: سوزن	۴: ۱۰۹
4:147	needle's eye	سَمَّ إِبْرَه: سوراخ سوزن	۴: ۱۰۹
1: 4	neglect, to	غَفَلَ (يَغْفُل): غفلت کردن، از یاد بردن	۱: ۲
1: 28	negligence	غَفَلَت: فراموشی، بیخبری	۱: ۳۰
1: 25	negligent	غَافِل	۱: ۲۶
4:131	nevertheless	مَعَ ذَلِكَ	۴: ۹۶
2:125	nigh, drawing	تَقَرَّب: نزدیک شدن، نزدیکی	۲: ۴
2:127	nigh, to draw	قَرَّبَ (يُقَرِّب): نزدیک کردن	۲: ۵
2:138	night-season	أَصِيل (جمع: آصال): غروب	۲: ۶۶
6: 24	nightingale	عَنْدَلِيب (جمع: عَنَادِل): بلبل	۶: ۲۰
1: 23	nightingale	بُلْبُل	۱: ۲۴
2:129	Nightingale of Paradise, the	وَرَقَةُ الْفِرْدَوْسِ	۲: ۵۲
4: 5	nights	لَيَال (مفرد: لَيْلَة): شب ها	۴: ۴
6: 7	Noah	نوح: حضرت نوح	۶: ۵
5: 18	nobility, the	أَعْيَان	۵: ۴۷۴
2:173	noise	ضَوَضَاء: هياهو، غوغا، همهمه	۲: ۹
5: 12	nomination	تَسْمِيَة: نامیدن	۵: ۴۶۸
2:117	noon	زَوَال: هنگام ظهر	۲: ۸
1: 34	nothingness	عَدَم: نیستی، نابودی	۱: ۳۹

4: 22	mountain	جَبَل (جمع: جِبَال): کوه	۴: ۱۷
1: 20	mouth	فَم (جمع: أَفْوَاه): دهان	۱: ۲۲
3:217	mover	مُحَرِّك: حرکت دهنده	۲: ۵۷
6:185	Muhammad	سَيِّد لَوْلَاک: از القاب حضرت محمّد	۶: ۱۵۵
6:184	multiply, to	كَثَّرَ (يُكثِّرُ): تکثیر کردن	۶: ۱۵۳
2:164	murmur	هَزِيز: صدای وزش باد	۳: ۱۲۶
2:162	musk	مِسْک (مُعَرَّبٌ مُشْک)	۳: ۱۲۳
4:157	mute	أَخْرَس: لال، گنگ	۴: ۱۱۶
6: 46	myrtles	رِيَّاحِين (مفرد: رِيَّحَان): گیاهان سبز و خوشبو	۶: ۳۸
6:177	mysteries	مُعْضِلَات (مفرد: مُعْضِلَةٌ): مشکلات، رموز	۶: ۱۴۸
1: 28	mysteries	أَسْرَار (مفرد: سِرّ)	۱: ۳۰
2:125	mystery	سِرّ (جمع: أَسْرَار): امر پنهان، راز	۲: ۴
4:132	Mystery, the Land of: Adrianople	أَرْض سِرّ: ادرنه	۴: ۹۷
1: 23	mystic	مَعْنَوِي	۱: ۲۴

6:181	Messengership	رِسَالَت	۶: ۱۵۱
3:216	meteor	شَهَاب (جمع: شُهَب): ستاره جهنده	۲: ۵۶
3:215	might	سَطَوَات: اقتدار، هَمِيَمَه	۲: ۵۵
2:117	might	قُوَّت	۲: ۸
2:123	might	اِقْتِدَار	۲: ۳
1: 23	mighty	تَوَانَا	۱: ۲۴
4:145	migrate, to	هَاجِرَ (يُهَاجِرُ): مهاجرت کردن	۴: ۱۰۷
4: 77	Mím, the land of: Mazandarán	أَرْض مِيم: مازندران	۴: ۵۷
4:130	mire: deep mud, wet earth	طِين: گِل، خَاك	۴: ۹۶
1: 12	mirror	مِرَآت (جمع: مَرَايَا): آينه	۱: ۱۲
1: 30	misbelief	شُرْك: شريك دانستن برای خدا	۱: ۳۳
2:136	mischief	شَرَّ	۲: ۴۷
5: 5	mischief, the Prime Mover of	قَطْب شِقَاق: ميرزا محمد علی	۵: ۴۵۹
5: 6	mischief-maker	مُفْسِد	۵: ۴۶۰
5: 20	misdeed	سَيِّئَة (جمع: سَيِّئَات): خطا، گناه	۵: ۴۷۸
6: 8	misery	شَقَاوَات (ضد: سعادت): بدبختی	۶: ۷
2:117	moment	حِين (جمع: أَحْيَان): زمان، آن	۲: ۸
4: 14	momentous: very important	خَطِير: بزرگ، مهم	۴: ۱۱
4: 49	monks	رُهَبَان (مفرد: رَاهِب)	۴: ۳۷
4: 20	month	شَهْر (جمع: أَشْهُر، شُهُور): ماه	۴: ۱۶
6: 36	moon	قَمَر (جمع: أَقْمَار): ماه	۶: ۳۰
4: 42	moon, full	بَدْر (جمع: بُدُور): ماه شب چهارده	۴: ۳۲
6:182	moons, new	أَهْلَه (مفرد: هِلَال)	۶: ۱۵۲
6:186	more	أَزِيد: بیشتر (ین)، زیادتر (ین)	۶: ۱۵۵
3:214	morn	صَبْح	۲: ۵۵
2: 53	morning	صَبَاح: صبح	۲: ۶۲
1: 26	mortal: that must eventually die	فَانِي	۱: ۲۸
4: 41	Moses	إِبْنِ عِمْرَانَ: حضرت موسی	۴: ۳۲
2:170	Moses	مُوسَى	۳: ۱۱۷
1: 34	mother	أُم (جمع: أُمَّهَات): مادر، اصل شیئ	۱: ۳۹

5: 4	martyrdom, the glorious field of	قُربانگاه	۵: ۴۵۷
4: 3	master	سَيِّد (جمع: سادات): سرور، آقا، بزرگ	۴: ۳
1: 38	mead: meadow	صَحراء	۱: ۴۴
4: 60	Mecca	بَطحاء: مکه	۴: ۴۵
5: 15	meddle, to: to interfere	مُدَاخَلَه نمودن	۵: ۴۷۲
4: 2	mediator	واسطه	۴: ۲
6: 22	meed: recompense or reward	أَجْر (جمع: أجور): پاداش، عوض	۶: ۱۹
3:220	meekness	مَظْلُومِيَّة	۲: ۵۸
5: 10	meeting	أَنْجَمَن	۵: ۴۶۵
2:129	melodies	أَلْحَان (مفرد: لَحْن): آهنگ ها	۲: ۵۲
2:131	melodies	نَعَمَات (مفرد: نَعْمَة)	۲: ۵۴
1: 27	melody	نَعْمَة (جمع: نَعَمَات)	۱: ۲۹
1: 26	melody	لَحْن (جمع: أَلْحَان)	۱: ۲۸
6:168	Melody, the celestial	نَعْمَة لاهوت	۶: ۱۴۱
2:122	melt, to	ذَاب (يَذُوبُ): ذوب شدن، گداختن	۲: ۲
4: 21	men	رِجَال (مفرد: رَجُل): مردها	۴: ۱۷
1: 54	men of understanding	أُولِي الْأَلْبَاب: صاحبان عقل و خرد	۱: ۶۷
6: 45	men, abject and foolish	هَمَج رَعَاع: اشخاص پست و احمق	۶: ۳۸
2:118	men, all	وَرَى: مردم	۲: ۷
2:121	mention	ذَكَر: امری را به زبان آوردن	۲: ۲
2:138	merciful	رَوْف	۲: ۶۶
2:120	merciful	رَحْمَن: بخشاینده و مهربان	۲: ۱
2:119	merciful, most	أَرْحَم: رحیم تر (بین)	۲: ۷
5: 18	mercy	رَأْفَت: رحمت، بخشش	۵: ۴۷۴
4: 89	mercy	شَفَقَت: رحمت	۴: ۶۵
2:120	mercy	رَحْمَت: بخشش	۲: ۱
2:119	mercy, one who shows	رَاحِم: رحم کننده، بخشاینده	۲: ۷
2:129	message	نَبَأ (جمع: أَنْبَاء): خبر	۲: ۵۲
2:130	message	بَلَاغ: پیغام	۲: ۵۳
2:132	Messengers	رُسُل (مفرد: رَسول): پیغمبران	۲: ۵۴

5: 25	machinations	دَسَائِس (مفرد: دَسِيسَة): مكرها، فريب ها	۵: ۴۸۳
2:180	magnify, to	كَبَّرَ (يُكَبِّرُ): بزرگ گردانیدن	۲: ۱۳
5: 5	Maids of Heaven, the Immortal	حوريات	۵: ۴۵۹
4: 3	mainstay: a chief support	سَنَد (جمع: اَسناد): تكيه گاه	۴: ۳
2:162	majesty	مَجْد: عظمت، بزرگي	۳: ۱۲۴
2:122	majesty	عَظَمَت: بزرگي	۲: ۲
4:133	majesty, awful	سَطَوَت: بزرگي، عظمت	۴: ۹۷
5: 8	Majesty, His	حَضَرَت سُلْطَان	۵: ۴۶۳
6: 28	majesty, overpowering	هَيْمَنَة: قدرت و سطوت	۶: ۲۴
2:180	make plain, to	فَصَّلَ (يُفْصَلُ): واضح ساختن	۲: ۱۳
2:120	make, to: to create	جَمَلَ (يَجْعَلُ): آفریدن	۲: ۱
2:120	maker: creator	فَاطِر: خالق	۲: ۱
4: 96	malady: disease	مَرَض (جمع: آمراض)	۴: ۷۱
5: 5	malevolence and cruelty	ظَلَم و سِتم	۵: ۴۵۹
4: 96	malice: active ill will, spite	غَرَض (جمع: اغراض)	۴: ۷۱
1: 38	malice: animosity, spite	غَل: كينه، خيانت	۱: ۴۵
5: 4	malice, people of	أهل نفاق	۵: ۴۵۸
6: 84	man, married	مُحْصِن: مرد متأهل	۶: ۷۱
1: 55	manifest	ظاهر	۱: ۶۹
2:133	manifestation	مَظْهَر (جمع: مَظَاهِر): محل ظهور	۲: ۴۵
2:126	manifestation	ظهور	۲: ۵
6:181	Manifestations of the Unseen, the	مَظَاهِر غَيْبِيَّة	۶: ۱۵۲
4: 13	manifold	مُتَعَدِّد	۴: ۱۰
3:215	mankind	بَرِيَّة (جمع: بَرَايا): خَلق	۲: ۵۵
6: 59	mantle: robe	رِدَاء (جمع: اَرْدِيَة): عبا، بالاپوش	۶: ۵۰
4: 36	mariner: a sailor, seaman	مَلَّاح: كشتييان	۴: ۲۸
6: 53	market	سوق (جمع: اَسواق): بازار	۶: ۴۵
2:132	martyr	شَهِيد (جمع: شُهَدَاء)	۲: ۵۴

1: 25	love	حُب	۱: ۲۷
4: 77	Love (Ishqábád), the City of	عشق آباد	۴: ۵۷
2:121	love, to	حَبَّ (يَحِبُّ): دوست داشتن	۲: ۲
2:131	loved ones	أَحِبَّاء (مفرد: حَبِيب): دوستان	۲: ۵۳
2:127	loved ones	أَوْلِيَاء (مفرد: وَلِي): دوستان	۲: ۵
5: 7	loved ones of God	أَحِبَّاءِ رَبَّانِي	۵: ۴۶۱
2:129	lover	مُحِبِّ: عاشق	۲: ۵۲
2:169	lovers	عَشَّاق (مفرد: عاشِق)	۳: ۱۱۶
4:129	loving	وَدُود: با محبَّت	۴: ۹۵
1: 40	loving	مُشْفِقَانَه	۱: ۴۷
1: 19	loving-kindness	تَلَطَّف: دوستی و مهربانی	۱: ۲۰
6:199	loving-kindness	تَفَقُّد: مهربانی کردن	۶: ۱۶۶
2:135	loving-kindness	عِنَايَت	۲: ۴۶
2:134	lowest	سَفْلِي (مذموم: أَسْفَل): پست تر (ین)	۲: ۴۶
5: 19	lowliness	ذُل: خواری، حقارت	۵: ۴۷۵
2:122	lowly	ذَلِيل (جمع: أَذِلَاء): خوار	۲: ۲
2:137	lowly	خَاشِع: فروتن	۲: ۶۵
2:137	lowly	بائِس: بیچاره، فقیر	۲: ۶۵
5: 15	loyalty	أَمَانَت	۵: ۴۷۲
4:130	lucid: clear to the mind	مُبِين: واضح	۴: ۹۵
6: 97	Luminaries of truth, the	شُمُوس حَقِيقَت	۶: ۷۹
6: 82	Luminaries, the divine	شُمُوس باقِیَه	۶: ۶۹
4:115	luminous: shining, clear	باهر: روشن، ظاهر	۴: ۸۴
2:160	luminous, most	أَنُور (مؤنث: نُوراء): درخشان تر (ین)	۳: ۱۲۱

5: 4	life be a sacrifice unto Him, may my	روحی لَهُ الفداء	۵: ۴۵۷
5: 4	life be offered up for His loved ones, may my	روحی لِأَحِبَّائِهِ الفداء	۵: ۴۵۸
1: 26	lifeless	مُردہ	۱: ۲۸
2:184	lift up, to	نَصَبَ (يَنْصُبُ): برپا داشتن	۳: ۱۳۹
1: 6	light	مصباح (جمع: مصابيح): چراغ	۱: ۴
6:182	Light of Truth, the	شَمْس حَقِيقِي	۶: ۱۵۲
2:124	lights	أَنوَار (مفرد: نور)	۲: ۳
5: 13	limitation	تَقْيِيد: مقید ساختن	۵: ۴۶۹
6:160	limitation	تَحْدِيد: محدود کردن	۶: ۱۳۵
2:174	limitations	حُدُودَات	۲: ۹
1: 41	lines	أَسْطُر (مفرد: سَطْر): خطوط	۱: ۴۹
3:215	lion	غَضَنَفَر: شیر ژیان	۲: ۵۵
5: 9	lions	سِبَاع (مفرد: سَبْع): درندگان	۵: ۴۶۳
2:122	live, to: to last, endure	بَقِيَ (يَبْقَى): ماندن	۲: ۲
4: 21	loathsome: disgusting, abhorrent	مُنْتَنَه: بدبو	۴: ۱۶
3:218	lock, to	غَلَقَ (يُغَلِقُ): بستن و مسدود کردن	۲: ۵۷
2:162	loftiest	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بلندتر (ین)، بالاتر (ین)	۳: ۱۲۴
4: 22	lofty	بَاذِخ: عالی، مرتفع	۴: ۱۷
6:112	loins	صُلْب (جمع: أَصْلَاب): پشت، ستون فقرات	۶: ۹۱
1: 47	long-suffering	صَبْر: شکیبائی	۱: ۵۷
2: 28	longs, one who	مُشْتَاق	۲: ۵۹
2:121	look, to	نَظَرَ (يَنْظُرُ): دیدن	۲: ۲
2:124	Lord	مَوْلَى (جمع: مَوَالِي): مالک، سرور	۲: ۳
2:120	Lord	رَبَّ (جمع: أَرْبَاب، رُبُوب): خداوند، آقا، صاحب	۲: ۱
2:133	lord	مَلِيك (جمع: مُلْكَاء): صاحب، پادشاه	۲: ۴۵
2:120	Lord	اله	۲: ۱
2:126	Lordship	رُبُوبِيَّة	۲: ۵
4: 82	loss	خُسْرَان: زیان، ضرر، گمراهی	۴: ۶۰
5: 24	lost	خَاسِر: زیانکار	۵: ۴۸۲
3:217	Lote-Tree, the Divine	سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى	۲: ۵۷

<< L >>

4: 26	ladder	مِرْقَاة (جمع: مَرَاقي): نردبان	٤: ٢٠
5: 18	lament, to	رَثَى (يَرثي): سوگواری کردن	٥: ٤٧٤
3:219	lament, to	جَزَع (يَجزَع): آله کردن	٢: ٥٧
1: 32	lament, to	نُدبَه نمودن	١: ٣٦
6: 35	lamentation	نُدبَه: ناله و زاری	٦: ٣٠
2:172	lamentation	صَجِيج: ناله و بیتابی کردن	٣: ١١٩
2:125	lamentation	حَنِين: آه و ناله و زاری	٢: ٤
1: 6	lamp	مِشْكُوة: چراغدان	١: ٤
4:104	lamp	سِرَاج (جمع: سُرُج): چراغ	٤: ٧٦
4: 60	land	بَرّ (جمع: بُرور): بیابان، صحرا و دشت	٤: ٤٤
1: 27	lasting	لا يَزَال: ابدی، دائم، پیوسته	١: ٢٩
5: 4	law	شَرِيعَت (جمع: شَرَائِع): آئین، مذهب	٥: ٤٥٧
5: 25	Law of God, the	شَرِيعَتُ اللَّهِ: احکام الهیه	٥: ٤٨٣
2: 28	lay, to	وَضَعَ (يَضَع): وضع کردن، نهادن	٢: ٥٩
2:124	lead, to	هَدَى (يَهْدِي): هدایت کردن، ارشاد کردن	٢: ٣
2:121	lead, to	دَلَّ (يَدُلُّ): راهنمایی کردن	٢: ١
4: 26	leader	قَائِد (جمع: قُوداد): پیشوا	٤: ٢٠
6:184	leaders, pre-eminent	صَنَادِيد (مفرد: صِنْدِيد): بزرگان	٦: ١٥٤
2:169	leaf	وَرَقَه	٣: ١١٥
2:166	leave: permission	اِذْن: اجازه	٣: ١٣٠
2:136	leaves	أَوْرَاق (مفرد: وَرَق): برگها	٢: ٤٧
2:120	left (side, hand)	شِمَال (ضد: يَمِين): طرف چپ	٢: ١
4:136	left (side, hand)	يَسَار (ضد: يَمِين): سمت چپ	٤: ١٠٠
4: 56	lesson	عِبْرَت (جمع: عِبَر): پند	٤: ٤٢
2:164	letter	حَرْف	٣: ١٢٧
6: 82	Letters of Unity	حُرُوفَاتِ أَحَدِيَّة	٦: ٦٩
6: 61	leviathan: sea monster	حَوْت (جمع: أَحْوَات): ماهی بزرگ	٦: ٥١
3:216	life	حَيَات: زندگی	٢: ٥٦

6:126	Karbila	أَرْضَ طَفَّ	٦: ١٠٥
4: 9	keen: sharp	حَدِيد: تيز	٤: ٧
2:125	keep back, to	أَبْعَدَ (يُبْعِدُ): دور کردن	٢: ٤
2: 28	keeper	حَارِس (جَمْع: حُرَّاس): نگهبان	٢: ٥٩
3:218	key	مِفْتَاح (جَمْع: مَفَاتِيح): کلید	٢: ٥٧
2:138	kindle, to	أَوْقَدَ (يُوقِدُ): برافروختن	٢: ٦٦
5: 3	kindle, to	أَجَّحَ (يُوجِّحُ): برافروختن	٥: ٤٥٧
5: 18	kindled, to be	اضْطَرَّمَ (يَضْطَرِّمُ): افروخته شدن	٥: ٤٧٤
5: 18	kindliness	وَلَاء: دوستی و محبت	٥: ٤٧٤
4: 15	kindliness	شَفَقَت: مهربانی	٤: ١٢
5: 14	kindliness	مهربانی	٥: ٤٧٠
1: 54	kindred: relatives or family	ذَوَالْقُرْبَى: خویشاوندان	١: ٦٨
5: 8	kindreds and peoples of the world	أَقْوَام و أمم آفاق	٥: ٤٦٢
2:129	king	مَلِك (جَمْع: مُلُوك): پادشاه	٢: ٥٢
2:127	king	سُلْطَان (جَمْع: سَلَاطِين): پادشاه	٢: ٥
6: 52	King, ideal	سُلْطَان حَقِيقِي	٦: ٤٤
1: 25	kingdom	مَلِكُوت: جهان سلطنت الهی	١: ٢٧
5: 5	Kingdom, the Abhá	مَلِكُوتِ أَبْهَى	٥: ٤٥٩
2:128	kingdoms of earth and heaven, the	مُلْك و مَلِكُوت	٢: ٦
2:118	kingdoms of Revelation and creation, the	أَمْر و خَلْق	٢: ٦
2:159	kings	مُلُوك (مفرد: مَلِك): پادشاهان	٢: ٢٠
4: 73	knight	فَارِس (جَمْع: فَوَارِس): سوار ماهر و دلیر	٤: ٥٤
2:124	knock, to	قَرَعَ (يَقْرَعُ): در زدن، زدن	٢: ٣
2:129	knowing, all	عَلِيم (جَمْع: عُلَمَاء): دانا	٢: ٥٢
2:127	knowing, all	عَلَام: بسیار دانا	٢: ٦
2:123	knowledge	عِلْم (جَمْع: عُلُوم): دانش	٢: ٣
6:183	Knowledge, divine	عِلْم لَدُنِّي	٦: ١٥٣

<< J >>

3:215	joy	بَهَجَت: شادمانی، سرور	۲: ۵۶
1: 30	joy	سُرور	۱: ۳۴
5: 19	joys	مَبْرَات (مفرد: مَبْرَة): خیرها	۵: ۴۷۶
4: 17	judge	قَاضٍ (جمع: قُضَاة): قاضی	۴: ۱۳
4: 54	judge, to	حَكَمَ (يَحْكُمُ): داوری کردن، فرمان دادن	۴: ۴۱
6: 82	judgment	اجْتِهَاد: قضاوت	۶: ۶۹
4: 94	Judgment Day, the	يَوْمَ التَّلَاقِ: روز دیدار، روز قیامت	۴: ۶۹
2:169	judgment, irrevocable	تَقْدِير: قضا و فرمان الهی	۳: ۱۱۵
6:123	Judgment, the Day of	يَوْمَ التَّنَادِ: روز قیامت	۶: ۱۰۲
1: 24	justice	انصاف	۱: ۲۵

5: 20	initiator	واضِع: وضع کننده	۵: ۴۷۷
2:174	injunction: order	أَمْر (جمع: أوامِر): فرمان، حکم	۲: ۱۰
2:133	injunction: command	حُكْم (جمع: أحكام): فرمان	۲: ۴۵
5: 4	injustice, flagrant	ظَلَم	۵: ۴۵۸
2:128	inmate	أَهْل	۲: ۶
4: 90	insight, man of	مُتَبَصِّر: بصیر	۴: ۶۶
2:182	inspiration	إِلْهَام	۲: ۱۴
2:178	inspire, to	أَلَّهَم (يُلْهِم): مُلْهِم کردن	۲: ۱۱
6: 86	instance	مَوْضِع (جمع: مواضع): جا، محل، مقام	۶: ۷۲
5: 6	interpolation	تَحْرِيف: تغییر دادن معنی	۵: ۴۶۱
4:130	interpret, to	أَوَّل (يُؤَوَّل): تعبیر و تفسیر کردن	۴: ۹۵
5: 25	interpretation	تَأْوِيل: تفسیر بیاطن، تعبیر	۵: ۴۸۳
5: 26	interpretation, false	اجْتِهَاد: قضاوت	۵: ۴۸۴
6:141	interpreted	مُعَبَّر: تعبیر شده	۶: ۱۱۸
5: 7	investigation	تَفْتِيش (جمع: تفتایش): رسیدگی، بازجویی	۵: ۴۶۲
2:120	invisible	غَيْب (جمع: غُیوب، غِیاب): ناپدید، پنهان	۲: ۱
4: 46	irreligion	إِلْحَاد: بی دینی	۴: ۳۵

2:177	impotent: weak, powerless	عاجز	۲: ۱۱
5: 8	imprisoned one	مَسْجُون	۵: ۴۶۲
5: 7	imprisonment	حَبْس	۵: ۴۶۱
4: 59	improvement	تَهْدِيب: تربیت و پاکیزه کردن از عیب و نقص	۴: ۴۴
5: 12	impure	مَغْشُوش: ناخالص، غش دار	۵: ۴۶۸
6:215	imputations, vile	سُخَنَهای لَفُو	۶: ۱۸۲
2:122	in	فِي	۲: ۲
6: 99	incapacity	عَجْز	۶: ۸۰
5: 7	incarceration	سَجْن: حبس	۵: ۴۶۱
2:159	inclination, corrupt	هَوَى (جمع: أهواء): میل نفس، هوس	۲: ۲۰
2:130	incomparable	عَزِيز: قادر، غالب	۲: ۵۳
6:178	incontrovertible: undeniable	مُحَقَّق	۶: ۱۴۹
3:219	independence	اِسْتِقْلَال	۲: ۵۸
5: 11	indignation, fierce	قَهْر: چیرگی	۵: ۴۶۷
6:170	indubitable: unquestionable	ثَابِت	۶: ۱۴۲
2:169	inebriety: drunkenness	سُكْر: مستی	۳: ۱۱۶
4:132	Inevitable, the	حَاقَّة (جمع: حَوَاق): بلای سخت، قیامت	۴: ۹۷
5: 7	infamous, more	أَفْطَح: زشت تر (ین)، کریه تر (ین)	۵: ۴۶۱
5: 7	infamous, more	أَفْضَح: زشت تر (ین)	۵: ۴۶۱
2:134	infidel: atheist	مُشْرِك	۲: ۴۶
6: 46	infinite: endless, eternal	سَرْمَدی: همیشگی، دائمی	۶: ۳۹
2:129	inform, to	أَخْبَرَ (يُخْبِرُ): خبر کردن	۲: ۵۲
2:159	informed, all	خَبِير (جمع: خُبَرَاء): آگاه	۲: ۲۰
5: 25	inimical: hostile	مُعَانِد: دشمنانه	۵: ۴۸۲
4:176	iniquities	شُرُور (مفرد: شَر): بدیها	۴: ۱۳۱
5: 5	iniquitous: unjust	بِي اِنصاف	۵: ۴۵۹
5: 4	iniquity	سِتْم	۵: ۴۵۸
4: 6	iniquity: wickedness	شَقُوت: شقاوت، شرارت	۴: ۵
4: 8	iniquity: lack of righteousness or justice	ظَلْم	۴: ۷
1: 10	iniquity: lack of righteousness	فَحْشاء: گناه شدید	۱: ۱۰

2:121	I	أَنَا: من	۲: ۱
1: 54	idle	مُعْطَل	۱: ۶۷
6:117	idols	تَمَاثِيل (مفرد: تِمثال): بت ها	۶: ۹۷
5: 14	ignorance	نادانی	۵: ۴۷۰
6:185	ignorant, the	عَوَام (مفرد: عَامَّة): توده ها، غیر خاص	۶: ۱۵۴
1: 35	illness	عَلَّت (جمع: عِلَل): بیماری	۱: ۴۱
2:118	illumine, to	تَوَّرَ (يُنَوِّرُ): نورانی کردن	۲: ۶
2:136	illuminated, to be	اسْتَضَاءَ (يَسْتَضِيءُ): نورانی شدن	۲: ۴۷
6:182	images	مَجْعُولَات (مفرد: مَجْعُولَة): چیزهای ساختگی	۶: ۱۵۲
2:127	imaginings, vain	أَوْهَام (مفرد: وَهْم)	۲: ۶
3:217	imaginings, idle	أَوْهَام (مفرد: وَهْم)	۲: ۵۶
1: 34	imaginings, idle	گمان باطل	۱: ۴۰
2:137	immerse, to	غَمَرَ (يَغْمِرُ): فرو بردن، غوطه دادن	۲: ۶۵
5: 17	immersed	خائض: فرو رفته	۵: ۴۷۲
2:138	immersed, to be	غَرِقَ (يَغْرِقُ): غرق شدن	۲: ۶۶
2:159	immersed, to become	انْقَمَسَ (يَنْقَمِسُ): فرو رفتن	۲: ۲۰
6: 82	immersion	اسْتِغْرَاق: غرق شدن	۶: ۶۹
4: 24	immovable	مَتِين	۴: ۱۸
2:165	impel, to: to propel	سَاقَ (يَسُوِّقُ): بحرکت درآوردن	۳: ۱۲۹
5: 18	imperfect, most	أَنْقَصَ: ناقص تر (ین)	۵: ۴۷۵
1: 30	imperishable: immortal	بِيزَوَال	۱: ۳۴
1: 16	imperishable: immortal	آبدی	۱: ۱۷
4: 87	imperturbability: calmness	تَمَكِين: آرامش و متانت	۴: ۶۴
4:102	impious	فَاجِر (جمع: فُجَّار): بدکار	۴: ۷۴
4:120	impious	مُلْحِد (جمع: مَلَاحِدَة): کافر، بی دین	۴: ۸۹
4:133	impious, the	فُجَّار (مفرد: فَاجِر): بدکاران	۴: ۹۸
2:121	implore, to: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): استدعا کردن	۲: ۱
5: 10	important, most	أَهَمَّ: مهم تر (ین)	۵: ۴۶۶

5: 23 hurl, to: to throw

رَشَقَ (يَرشُقُ): پرتاب کردن

ه: ٤٨٠

4:110 hypocrisy

مُداَهَنَةٌ: دو روئی

٤: ٨١

1: 24	high, most	أَعْلَى (مؤنث: عَلِيَا): بالاتر (ين)	۱: ۲۵
4: 15	highest	فُصْوَى (مذكر: أَقْصَى): بالاتر (ين)، دورتر (ين)	۴: ۱۱
4:145	hill	گوم (جمع: اَكْوَام): تپه	۴: ۱۰۷
1: 52	hill	عَقَبَه (جمع: عِقَاب): گردنه	۱: ۶۴
2:163	hills	آتلال (مفرد: تَل): تپه ها	۳: ۱۲۴
4:175	Him Whom God shall make manifest	مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ	۴: ۱۳۰
5: 25	hindrance: obstacle	مانع (جمع: مَوَانِع)	۵: ۴۸۳
2:174	hold back, to	أَمْسَكَ (يُمْسِكُ): منع کردن	۲: ۹
1: 27	holiness	قُدس	۱: ۲۹
2:125	holy	مُنَزَّه	۲: ۴
5: 17	Holy Text, the decisive	فَصْلُ الْخِطَابِ	۵: ۴۷۳
2: 53	home	بَيْت (جمع: بُيُوت): خانه	۲: ۶۴
4: 5	honor	حُرْمَت: عزت، احترام	۴: ۵
2:175	honor upon, to confer	شَرَّفَ (يُشَرِّفُ): مفتخر ساختن	۲: ۱۰
2:134	honor, to	شَرَّفَ (يُشَرِّفُ): مفتخر ساختن	۲: ۴۶
5: 24	hopeless	خَائِب: ناامید	۵: ۴۸۲
4: 6	hopelessness	قُنُوط: ناامیدی	۴: ۵
2:121	hopes	آمال (مفرد: أَمَل): آرزوها	۲: ۲
1: 24	horizon, most effulgent	أَفْقُ أَبْهَى	۱: ۲۵
2:118	Horizon, the Supreme	أَفْقُ أَعْلَى	۲: ۷
5: 4	hostility	عُدْوَان: دشمنی، خصومت	۵: ۴۵۸
2:127	hosts: armies	جُنُود (مفرد: جُنْد): لشگرها	۲: ۶
5: 6	hosts of the Realm above, the	جُنُود مَلَأَ أَعْلَى	۵: ۴۶۰
2:137	humble	خَاضِع: فروتن	۲: ۶۵
2:126	humble	خَاشِع: فروتن	۲: ۵
2:134	humble oneself before, to	خَضَعَ (يَخْضَعُ): فروتنی کردن	۲: ۴۶
1: 13	humbleness	تَوَاضَع: فروتنی	۱: ۱۳
6:190	humility	خَفَضَ جَنَاح: تواضع و فروتنی	۶: ۱۵۹
2:132	hundred	مِئَة (جمع: مِائَات): صد	۲: ۵۴
6:131	hunger	جُوع: گرسنگی	۶: ۱۰۹

4: 5	haven: safe place, refuge	مَلَاذٍ: پناهگاه، پناه	۴: ۴
2:177	haven: refuge	مَلَجًا (جمع: مَلَجِيع): محلّ پناه	۲: ۱۱
2: 28	head	رَأْس (جمع: رُؤُوس): سر، سرور، اوّل هر چیزی	۲: ۵۹
2:125	hear, to	سَمِعَ (يَسْمَعُ): شنیدن	۲: ۴
4: 44	hearing	وَأَعْيَهُ: شنوا، شنونده	۴: ۳۴
5: 18	heartrending: causing grief	مُحْزِنٍ: حزن آور	۵: ۴۷۵
2:123	heaven	جَبْرُوت: عالم قدرت الهی	۲: ۳
2:120	heaven	سَمَاء (جمع: سَمَاوَات): آسمان	۲: ۱
1: 25	heaven	فَلَک (جمع: أَفْلَاک)	۱: ۲۷
5: 10	heavenly	رَبَّانِي: منسوب به پروردگار	۵: ۴۶۵
5: 24	heavenly	آسمانی	۵: ۴۸۲
1: 30	heedless: careless, unmindful	غَافِلٍ	۱: ۳۴
1: 30	heedlessness: carelessness	غَفَلَت: بی توجهی	۱: ۳۳
1: 25	height: highest limit	رَفْرَف (جمع: رَفَارِف): مقام بلند	۱: ۲۷
1: 26	heights	مَعَارِج (مفرد: مَعْرَج): مقامات بلند	۱: ۲۸
6:160	heights of glory, the inaccessible	رَفْرَفِ اِمْتِنَاع	۶: ۱۳۴
6: 37	hell	سَجّين: زندان، سخت، شدید، دائم، جهنّم	۶: ۳۱
4:133	hell	سَعِير (جمع: سُعُر): جهنّم، آتش افروخته	۴: ۹۸
1: 43	help in peril	مُهَيِّمِن: مستولی، نگهبان	۱: ۵۲
5: 24	help, unfailing	تَوْفِيقِ صَمَدَانِي	۵: ۴۸۲
5: 17	helper	مُعِين: کمک کننده، یاور	۵: ۴۷۲
4: 26	helper	نَاصِر (جمع: أَنْصَار): کمک کننده	۴: ۲۰
2:119	hems	أَذْيَال (مفرد: ذَيْل): دامن ها	۲: ۷
5: 25	hence: therefore, for this reason	لِهَذَا	۵: ۴۸۳
2:126	here am I (at your service!)	لَبَّيْكَ: اجابت میکنم	۲: ۴
6:236	heroes	قَوَارِس (مفرد: فَارِس): سوارهای ماهر و دلیر	۶: ۱۹۹
4:133	hesitation	وَقُوف: ایستادن	۴: ۹۷
4: 1	hidden	بَاطِن (جمع: بَوَاطِن): پنهان، مکنون	۴: ۲
2:125	hidden	مَكْنُون: پوشیده، پنهان، مستور	۲: ۴
2:124	high art thou, too	سُبْحَانَكَ	۲: ۴

1: 28	habitations	دیار (مفرد: دار): مسکن و محلها	۱: ۳۱
6: 97	habitations	خیام (مفرد: خیمه): سراپرده ها	۶: ۷۹
4: 7	habitations	حَظَائِر (مفرد: حَظِیرَة): محلهای تجمع	۴: ۶
1: 12	hail, to: to welcome	بَشَّرَ (بِشَّرَ): بشارت دادن	۱: ۱۱
2:161	hair	شَعْر (جمع: أشعار، شعار، شعور): مو	۳: ۱۲۳
3:217	halt, to	تَوَقَّفَ (يَتَوَقَّفُ): متوقف شدن، ایستادن	۲: ۵۷
4: 83	hamstring, to	عَقَرَ (يَعْقِرُ): قطع کردن، مجروح کردن	۴: ۶۲
2:121	hand	يَد (جمع: آیدی، آیادی): دست	۲: ۱
2:158	handle	عُرْوَة (جمع: عُرَى): دسته	۲: ۲۰
1: 38	handmaid: a girl or woman servant	کَنِيز	۱: ۴۵
2:136	handmaidens: woman servants	اماء (مفرد: آمة): کنیزان	۲: ۴۷
2:124	hands	آیادی (مفرد: يد): دست ها	۲: ۳
2:137	hands	اَكْفَ (مفرد: كَفَف): دست ها	۲: ۶۵
5: 12	Hands of the Cause of God, the	آیادی امرالله	۵: ۴۶۸
2:127	hands, longing	آیادی رَجاء	۲: ۵
5: 5	hapless: unfortunate	ناکام	۵: ۴۵۹
4: 29	haply: perhaps	شاید	۴: ۲۲
6: 3	haply: perhaps	لَعَلَّ: شاید، مگر، کاش	۶: ۲
6: 8	happiness	سَعَادَت	۶: ۷
4: 23	harm	ضَرَّ: آسیب، آزار	۴: ۱۸
5: 8	harmony	آشتی	۵: ۴۶۲
2:122	hasten, to	سَرَعَ (يَسْرِعُ): شتاب کردن، شتافتن	۲: ۲
4:120	hasten, to	عَجَلَ (يُعَجِّلُ): عجله کردن	۴: ۸۸
3:219	hate	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	۲: ۵۸
4:101	hater	مُبْغِض: دشمن، صاحب بغض	۴: ۷۴
4: 12	hatred	عناد: کینه ورزی	۴: ۱۰
4: 12	hatred	بَغْضَاء: کینه و دشمنی	۴: ۹
1: 41	haughtiness: pride	تَكْبَر	۱: ۴۸

1: 34	grace	فَضْل (جمع: فُضُول): بخشش، احسان	۱: ۳۹
5: 25	Grace of God	تَأْيِيد: کمک و یاری کردن	۵: ۴۸۳
5: 24	Grace, heavenly	تَأْيِيد آسمانی	۵: ۴۸۲
2:159	graciousness	عَطَاء	۲: ۲۰
2:133	grandeur	کِبْرِيَاء: عظمت، جلال	۲: ۴۵
2:125	grandeur	عَظَمَت: بزرگی	۲: ۴
2:166	grant, to	أَعْطَى (يُعْطَى): بخشیدن، عطا کردن	۳: ۱۲۹
2: 55	grasp	قَبْضَة: پنجه	۲: ۶۱
2:132	grateful	شَاكِر: شکر گزار	۲: ۵۴
6:120	grave	لَحْد (جمع: لُحُود، أَلْحَاد): قبر	۶: ۹۹
4:133	graves	أَجْدَاث (مفرد: جَدَث): قبرها	۴: ۹۸
4: 68	Great City (Constantinople), the	مَدِينَة كَبِيرَة	۴: ۵۰
2:130	great, most	أَكْبَر (جمع: أَكْبَر، مَوْث: مَجْبَرِي): بزرگتر (ین)	۲: ۵۲
2:121	great, most	أَعْظَم (جمع: أَعَاظِم، مَوْث: عَظْمِي): بزرگتر (ین)	۲: ۲
3:216	greed	حِرْص	۲: ۵۶
4: 17	green	خَضْرَاء (مذموم: أَخْضَر): سبز رنگ	۴: ۱۳
1: 30	grief	حُزْن (جمع: أَحْزَان): غم	۱: ۳۴
1: 11	grieve, to	حَزِنَ (يَحْزَنُ): غمگین شدن	۱: ۱۱
5: 6	grievous, more	أَشَدَّ: شدیدتر (ین)	۵: ۴۶۱
2:125	groaning	صَجِيح: ناله و بیتابی کردن	۲: ۴
5: 3	guard, to	صَانَ (يَصُونُ): حفظ و نگهداری کردن	۵: ۴۵۶
2:118	guard, to	حَفِظَ (يَحْفَظُ): نگهداری نمودن	۲: ۶
4: 13	guardian	حَارِس (جمع: حُرَّاس): نگهبان	۴: ۱۰
5: 12	guardian of the Cause of God, the	وَلِيَّ أَمْرِ اللَّهِ	۵: ۴۶۸
6:181	Guardianship	وِلَايَة: مقام تبیین آیات و ترویج شریعت	۶: ۱۵۱
5: 6	guarding	وَقَايَة: حفظ و حراست	۵: ۴۶۰
2:179	guidance	هُدَى: هدایت، راهنمایی	۲: ۱۲
6:185	guidance	إِرْشَاد	۶: ۱۵۴
6: 8	guidance	هُدَايَة	۶: ۷
2:129	guide, to	هُدَى (يَهْدِي): راهنمایی کردن	۲: ۵۲

2:120	glorious, all	أَبهى: روشن تر(ین)	۲: ۱
1: 31	glorious, all	ذی الْجَلال: دارای جلال	۱: ۳۵
6: 12	Glorious, the All	رَبُّ العِزَّة	۶: ۱۰
2:174	glory	اِجْلال: جلال	۲: ۹
1: 30	glory	عِزَّت: جلال، ارجمندی، قوت	۱: ۳۴
1: 25	glory	عِزَّة: جلال، ارجمندی	۱: ۲۷
2:119	glory	بَهاء: جلال، روشنی	۲: ۷
5: 10	Glory of Glories!, O Thou the	یا بَهاءُ الأَبهى	۵: ۴۶۵
5: 25	Glory of Glories rest upon you, the	عَلَيْكُمْ البَهاءُ الأَبهى	۵: ۴۸۳
4:176	glory of God and His mercy, upon him be the	عَلَيْهِ بَهاءُ الله و رَحْمَتُهُ	۴: ۱۳۰
5: 10	glory of the Lord rest upon them, the	عَلَيْهِمْ بَهاءُ الله	۵: ۴۶۵
3:219	go forward, to	أَقْبَلْ (يُقْبَلُ): اقبال کردن	۲: ۵۸
4: 58	goblets	أَواعی (مفرد: وعاء): ظرف ها	۴: ۴۳
2:120	God	الله	۲: ۱
4:170	God testifieth and beareth Me witness	حق شاهد و گواه است	۴: ۱۲۷
6: 97	"Verily God doeth whatsoever He willeth, and ordaineth whatsoever He pleaseth"	يَفْعَلُ الله ما يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ ما يُرِيدُ	۶: ۷۹
4:139	God willing	ان شاء الله	۴: ۱۰۲
4: 87	God, for the sake of	لِوَجْهِ الله	۴: ۶۴
4:175	God - exalted be His glory, the one true	حَقَّ جَلَّ جَلالُهُ	۴: ۱۳۰
6: 80	God-fearing	مُتَّقِي	۶: ۶۷
2:126	Godhead	أَلوهِيَّت	۲: ۵
6: 41	godly, the	أَخيار (مفرد: خَير): نیکان	۶: ۳۴
1: 16	gold	ذَهَب: زر، طلا	۱: ۱۷
4: 19	gold, pure	عَقيان: طلای خالص	۴: ۱۵
5: 14	good-will: benevolence	خَير خواهی	۵: ۴۷۰
4: 15	good-will: kindness	شَفَقَت: مهربانی	۴: ۱۱
6: 24	Gospel	سَفر (جمع: أسفار): کتاب	۶: ۲۱
6: 22	Gospels, the four	أناجيل أربَعه	۶: ۱۹
5: 7	Government, Imperial	حُكومت شهریاری	۵: ۴۶۲

<< G >>

4: 81	Gabriel	ناموس اکبر	۴: ۶۰
2:134	gainsay, to: to deny	جَا حَدَّ (يُجَا حِدُّ): انکار کردن	۲: ۴۶
3:217	gales: winds	أَرِيَّاح (مفرد: ریح): بادها	۲: ۵۷
4: 25	gales, tempestuous	قاصفات: بادهای شدید	۴: ۲۰
1: 24	garden	رَوْضَه (جمع: رِيَّاض): باغ، گلستان	۱: ۲۵
1: 38	garden	گلشن	۱: ۴۴
1: 3	garment	قَمِيص (جمع: قُمُص، أَقِمِصَه): جامه	۱: ۱
1: 19	garment	رِدَاء (جمع: أَرْدِيَّة): عبا، بالاپوش	۱: ۲۰
1: 41	garment	جامه	۱: ۴۸
2:124	gate	باب (جمع: أَبواب): در، دروازه	۲: ۳
2:180	gather, to	حَشَرَ (يَحْشُرُ): جمع کردن	۲: ۱۳
5: 7	gathering	شَمَل: جمع، اجتماع	۵: ۴۶۱
2:120	gaze, to: to look, stare	نَظَرَ (يَنْظُرُ): نگریستن	۲: ۱
2:135	gaze, to	رَأَى (يَرَى): دیدن	۲: ۴۶
1: 3	gem	جَوْهَر (جمع: جَوَاهِر): گوهر	۱: ۱
2:175	generosity	جود: کرم، بخشش	۲: ۱۰
3:214	generosity	عطاء	۲: ۵۵
4: 93	generous	مُنْفِق: انفاق کننده، بخشنده	۴: ۶۸
2:129	generous	کریم: بخشنده، صاحب کرم	۲: ۵۲
1: 4	gift	عَطِيَّة (جمع: عَطَايَا): هدیه، بخشش	۱: ۲
2:174	gifts	مَوَاهِب (مفرد: مَوْهَبَت): عطایا، بخششها	۲: ۱۰
2:119	give one's all, to	أَنْفَقَ (يُنْفِقُ): انفاق کردن	۲: ۷
3:218	giver	جواد: بخشنده	۲: ۵۷
2:138	gladden his bosom, to	شَرَحَ (يَشْرَحُ) صَدْرَه	۲: ۶۶
2:137	glances	لَحَظَات (مفرد: لَحْظَه): نظرها، نگاهها	۲: ۶۵
4:104	glass	زجاج: شیشه	۴: ۷۷
3:214	gleam: flash, reflected brightness	تَشَعُّع	۲: ۵۵
2:129	glorious	عزیز: ارجمند	۲: ۵۲

3:215	forests	غِيَاض (مفرد: غَيْصَة): بیشه ها، جنگل ها	۲: ۵۵
2:131	forget, to	نَسِيَ (نَسِيَ): فراموش کردن	۲: ۵۳
1: 15	forgiveness	مَغْفِرَة: بخشش	۱: ۱۵
2:122	forgiveness	غُفْرَان: بخشش، آمرزش	۲: ۲
2:124	forgiveness	عَفْو: بخشش گناه	۲: ۳
3:218	forgiver	غَفَّار: بخشنده، آمرزنده	۲: ۵۷
2:119	forgiving, ever	غَفُور: بخشنده، آمرزنده	۲: ۷
2:167	forsake, to: to abandon	أَلْقَى (يُلْقِي): دور انداختن	۳: ۱۳۰
4:165	foundation	أَس (جمع: أَسَاس): پایه، بنیاد	۴: ۱۲۲
2: 54	foundations	أَسَاس (مفرد: أَس): پایه ها، بنیادها	۲: ۶۱
2:184	fountain	سَلْسَال: آب روان و گوارا	۳: ۱۳۹
2:122	fountain of living waters	كُوْتْر حَيَوَان	۲: ۲
6: 8	fragrance	طِيب (جمع: أَطْيَاب): بوی خوش	۶: ۷
1: 52	fragrance	رَائِحَة (جمع: رَوَائِح): بوی خوش	۱: ۶۴
5: 13	Fragrances, the Divine	نَفْحَاتُ اللَّهِ	۵: ۴۶۹
1: 18	free, to	أَفْرَغَ (يُفْرِغُ): فارغ و آزاد کردن	۱: ۱۹
1: 17	freedom	تَنْزِيه: پاک کردن	۱: ۱۷
6: 10	Friend of God, the	خَلِيل: دوست، لقب حضرت ابراهیم	۶: ۸
2:184	Friend, the: Muhammad	حَبِيب (جمع: أَحِبَاء، أَحِبَاب): یار	۳: ۱۴۰
4: 73	Friend, the Incomparable	دوست یکتا	۴: ۵۴
5: 14	friendliness	دوستی	۵: ۴۷۰
2:121	from	عَنْ	۲: ۱
2:130	fruits	فَوَاكِه (مفرد: فَاكِهَة): میوه ها	۲: ۵۳
1: 53	fruits	أَثْمَار (مفرد: ثَمْر): میوه ها	۱: ۶۷
4: 93	fugitive	مُسْتَجِير: پناهنده	۴: ۶۹
2:138	fulfill, to	حَقَّقَ (يُحَقِّقُ): اجرا کردن، برآوردن	۲: ۶۶
2:119	fulfill, to	وَفَّى (يَفِي): وفا کردن به عهد و پیمان	۲: ۷
2:166	fulfill, to	قَضَى (يَقْضِي): روا ساختن، بجا آوردن	۳: ۱۲۹

3:214	fire, to be consumed by	احْتَرَقَ (يَحْتَرِقُ): سوختن	۲: ۵۵
3:220	fire, to be on	ضَرِمَ (يَضْرَمُ): افروخته بودن	۲: ۵۸
4: 14	fire, world-devouring	نار عالم سوز	۴: ۱۱
6: 3	firmament: sky, solid arch	سَمَاء (جمع: سَمَاوَات): آسمان	۶: ۲
4: 87	firmness	ثُبُوت	۴: ۴
5: 11	first-born	بِكْر (جمع: أَبْكَار): نخست زاده، ارشد	۵: ۴۶۶
2:177	flee, to	هَرَبَ (يَهْرَبُ): گریختن، پناه بردن	۲: ۱۱
2:134	flee, to	فَرَّ (يَفِرُّ): فرار کردن	۲: ۴۶
1: 38	fleeting: transient, not lasting	فانی	۱: ۴۵
1: 16	fleeting: transient, not lasting	زائل: از بین رفته	۱: ۱۷
5: 18	floods	عُباب: سیلها، امواج	۵: ۴۷۵
5: 3	flourishing	رَبَّانٍ (جمع: رِوَاء): شاداب و سرسبز	۵: ۴۵۶
4: 11	flow (tears), to	ذَرَفَ (يَذْرِفُ): جاری شدن اشک	۴: ۹
3:220	fly, to	طَارَ (يَطِيرُ): پرواز کردن، پریدن	۲: ۵۸
1: 30	foe: enemy, opponent	دُشْمَن	۱: ۳۳
3:218	foes: enemies, opponents	أَعْدَاء (مفرد: عَدُو): دشمنان	۲: ۵۷
6:185	folly: foolishness	عَمَى: جهالت، کوری	۶: ۱۵۵
5: 17	foolish	جَهُول (جمع: جُهَلَاء): نادان	۵: ۴۷۳
6: 89	foolish, the	حَمَقَى (مفرد: أَحْمَق)	۶: ۷۵
4: 28	foolish, the	جُهَال (مفرد: جَاهِل)	۴: ۲۲
1: 20	foot	رِجْل (جمع: أَرْجُل): پا	۱: ۲۲
2:126	footstep	مَوَاطِيء (جمع: مَوَاطِئ): محل قدم	۲: ۴
1: 47	forbearance: patience	بُرْدَبَارِي	۱: ۵۷
4: 6	forbearance: patience	حِلْم: بردباری	۴: ۵
5: 8	forbid!, God	مَعَاذَ اللَّهِ	۵: ۴۶۲
5: 7	forbid!, the Lord	نَعُوذُ بِاللَّهِ	۵: ۴۶۲
3:217	forbidden	مَنْعُوع	۲: ۵۶
6: 9	forbidden, that which is	مَنْهَى: کارهای حرام	۶: ۸
2:179	forehead	جَبِين: پیشانی	۲: ۱۲
4:141	forerunner	مُبَشِّر: مرزده دهنده، لقب حضرت اعلیٰ	۴: ۱۰۳

1: 45	fathomless	زَرْف	۱: ۵۵
1: 39	fault	عَيْب (جمع: عُيُوب)	۱: ۴۶
1: 10	faults	عُيُوب (مفرد: عَيْب)	۱: ۹
2:135	favours	أَلْطَاف (مفرد: لُطْف)	۲: ۴۶
2:132	favours	مِنَن (مفرد: مِنت): نیکویی، احسانها	۲: ۵۴
1: 34	favour	رَحْمَت: مهربانی، رقت	۱: ۳۹
1: 20	favour	عِنَايَت	۱: ۲۱
1: 55	favour: grace	نِعْمَت (جمع: نِعَم)	۱: ۶۹
4: 27	fear	خَشِيَت: بیم، ترس	۴: ۲۱
4:132	fear	وَجَل (جمع: أَوْجَال): ترس، بیم	۴: ۹۷
4: 98	fear	رُعب: ترس	۴: ۷۲
4: 32	fear	خَوْف: ترس	۴: ۲۵
4: 2	fear of God	تَقْوَى	۴: ۳
1: 7	fear, to	خَافَ (يَخَافُ): ترسیدن	۱: ۶
6: 62	felicity: happiness, bliss	فَلَاح: رستگاری	۶: ۵۲
6:108	felicity, abiding	رَسْتگاری	۶: ۸۸
1: 24	fellowship	مُرَافَقَت: رفاقت، دوستی	۱: ۲۵
5: 9	ferocious	ضاری: درنده، اذیت کننده	۵: ۴۶۳
2:183	festival	عِيد (جمع: أعياد)	۳: ۱۳۸
1: 38	fetter: a chain for the feet, restraint	بَند	۱: ۴۴
2:135	fetters: chains	أَغْلَال (مفرد: غُل): زنجیرها	۲: ۴۶
3:220	fewness	قَلَّت (جمع: قِلَل): کمی	۲: ۵۸
1: 52	fidelity: faithful devotion	وَفَاء	۱: ۶۴
3:219	fill, to	مَلَأَ (يَمَلَأُ): پر کردن	۲: ۵۸
2:178	find, to	وَجَدَ (يَجِدُ): یافتن	۲: ۱۲
2:135	finger	أَصْبَع (جمع: أَصَابِع): انگشت	۲: ۴۶
2:119	fingers	أَنَامِل (مفرد: أُنْمَلَه): سر انگشتان	۲: ۷
2:120	fire	نار (جمع: نيران): آتش	۲: ۱
5: 3	fire	نيران (مفرد: نار): آتش	۵: ۴۵۷
5: 23	fire	جَمْرَة (جمع: جَمَرَات): آتش	۵: ۴۸۰

<< F >>

2:127	face	وَجْه (جمع: وُجوه): روی، چهره	۲: ۵
4: 93	face, with a bright and friendly	طَلَّقَ الْوَجْهَ	۴: ۶۸
1: 7	fade, to	عَشِيَ (يَفِئُشِي): محو شدن، ضعیف شدن	۱: ۶
4: 36	fair-minded	مُنْصِف: با انصاف	۴: ۲۸
4: 29	faith, true	فِطْرَةَ: دین	۴: ۲۳
2: 55	faithful	أَمِين (جمع: أَمْنَاء): امانت دار	۲: ۶۱
5: 14	faithfulness	وَفَاءٍ پَرَسْتی	۵: ۴۷۰
1: 23	faithfulness	وَفَاءٍ	۱: ۲۴
4: 48	fall, to	سَقَطَ (يَسْقُطُ): بر زمین افتادن، فرود آمدن	۴: ۳۷
6:210	fallacious: erroneous	لَغْوًا: بی معنی، باطل	۶: ۱۷۶
4: 6	fallen (upon the dust)	مَطْرُوح: بخاک افتاده	۴: ۵
5: 9	fallen (upon the dust)	طَّرِيح: بخاک افتاده	۵: ۴۶۴
2:130	false one: liar, untruthful	كَاذِب (جمع: كَذَبَةٌ): دروغگو	۲: ۵۳
6: 8	falsehood	كَيْد: دروغ	۶: ۷
5: 8	falsehood	اِفْك: دروغ، تهمت	۵: ۴۶۲
5: 5	falsify, to	تَحْرِيف کردن: تغییر دادن معنی	۵: ۴۵۹
5: 6	falsifying the verses of the Sacred Text	اِسْقَاط آيَات	۵: ۴۶۱
5: 10	fame	صِيَّة: آوازه، شهرت	۵: ۴۶۶
6:201	family	عِتْرَت: خانواده	۶: ۱۶۸
4:163	fanaticism	حَمِيَّة (جمع: حَمِيَّات): تعصب، غیرت	۴: ۱۲۱
2:127	fancies, idle	ظُنُون (مفرد: ظَنَن): گمانهای بیهوده	۲: ۶
1: 47	fancy: delusion	وَهْم (جمع: أَوْهَام): خیال باطل، گمان	۱: ۵۸
2:121	far above	مُقَدَّس	۲: ۱
1: 24	farness	بُعْد: دوری	۱: ۲۵
2:173	fast	صِيَام: روزه	۲: ۹
2:174	fast, to	صَامَ (يَصُومُ): روزه گرفتن	۲: ۱۰
2:131	fathers	آبَاء (مفرد: أَب): پدرها، اجداد	۲: ۵۴
5: 17	fathomless	لَا قَرَارَ لَهَا	۵: ۴۷۳

2:137	exalted, to be	تَقَدَّسَ (يَتَقَدَّسُ): منزّه بودن	۲: ۶۵
5: 21	examination	فَحْص (جمع: فُحُوص): امتحان، آزمایش	۵: ۴۷۹
2:184	excellence	شَرَف	۳: ۱۳۹
4: 41	excellent is, how	حَبِّذا: چه نیکوست، آفرین	۴: ۳۱
2:136	excellent, most	حُسْنی (مذکر: أَحْسَن): نیکوتر (ین)	۲: ۴۷
6:236	execration: curse	لَعْن: دشنام، نفرین	۶: ۱۹۹
6:166	execration: curse	سَب: دشنام، ناسزا	۶: ۱۳۹
4: 2	exhort, to: to urge, admonish	وَعَظ (يَعُظ): پند دادن	۴: ۳
4:127	exhortation: admonishment	نَصِيحَت (جمع: نَصَائِح)	۴: ۹۴
5: 20	exigency: need	اِقْتِضَاء: ضرورت	۵: ۴۷۷
3:216	exile	عُرْبَت	۲: ۵۶
4:125	exile, place of	مَنْفَى: تبعیدگاه	۴: ۹۲
5: 14	expel, to	اِخْرَاج کردن	۵: ۴۷۱
6:169	explicit, more	أَصْرَح: آشکارتر (ین)	۶: ۱۴۲
3:219	expounder: one who explains	مُبَيِّن: شرح دهنده	۲: ۵۷
6: 93	extended	مَمْدُود: کشیده شده، گسترده	۶: ۷۸
4:123	extermination	تَضْيِيع: نابود کردن	۴: ۹۱
5: 20	extermination	سَحَق: هلاک نمودن	۵: ۴۷۷
1: 7	extinction	اِطْفَاء: خاموش کردن	۱: ۶
1: 7	extinguished, to be	طَفِيَ (يَطْفِئُ): خاموش شدن	۱: ۶
2:135	eye	عَيْن (جمع: عُيُون، أَعْيُن): چشم	۲: ۴۶
2:169	eye	طَرَف: چشم	۳: ۱۱۶
2:131	eyes	عُيُون (مفرد: عَيْن): چشم ها	۲: ۵۴

6:104	Essences of Detachment, the	أرواح مُجَرَّدَة	٦: ٨٤
4: 34	esteemed, highly	مُعَزَّز: ارجمند، محترم، عزیز	٤: ٢٧
5: 14	estrangement	بیگانگی	٥: ٤٧٠
1: 27	eternal	بیزوال	١: ٢٩
1: 24	eternal	باقی	١: ٢٥
1: 25	eternity	خُلد: دوام، بقاء، همیشگی	١: ٢٧
2:184	eternity	آزَل(جمع: آزال): زمان بی ابتداء	٣: ١٣٩
2:129	eternity	بَقاء	٢: ٥٢
4: 12	evanescence: transitoriness	عَدَم: نیستی، نابودی	٤: ٩
2:124	evanescent: transient	فانی	٢: ٣
1: 16	everlasting	آزلی: قدیم، همیشگی	١: ١٧
1: 37	everlasting	بیزوال	١: ٤٣
1: 25	everlasting	باقی	١: ٢٧
1: 55	evidence	دَلیل(جمع: دَلَائِل، اَدِلَه، اَدِلَاء)	١: ٦٩
5: 24	evidences, unmistakable	اَدِلَه واضِحَه	٥: ٤٨٢
2:127	evil	سُوء(جمع: اَسْواء): بدی، شر	٢: ٥
6:194	evil doer	خاطِی: خطا کار، گناه کار	٦: ١٦٢
5: 18	evil, foreboder of	ناعِق: مدعی باطل، مخالف امرالله	٥: ٤٧٥
5: 7	evil, more	اَسْواء: بدتر(ین)، شرتر(ین)	٥: ٤٦١
6: 85	exalt (someone) above (another), to	فَضَّل(يُفَضَّلُ)	٦: ٧١
1: 20	exalt oneself over another, to	اِفْتَخَرَ(يَفْتَخِرُ)	١: ٢١
5: 15	exaltation	اِرْتِفاع	٥: ٤٧٢
4:135	exaltation	عُلُو: بلندی	٤: ٩٩
6: 53	exalted	مُعَظَّم: بلند مرتبه	٦: ٤٥
6:125	exalted	مُعَزَّز: بزرگوار، گرامی	٦: ١٠٣
2:136	exalted	مُتعالی: بلند و رفیع	٢: ٤٧
2:120	exalted	عَلَى: بلند مرتبه	٢: ١
1: 14	exalted	رَفِيع: بلند مرتبه	١: ١٤
2:122	exalted art thou	سُبْحانَكَ	٢: ٢
4: 89	exalted be His glory	جَلَّ جَلالُه	٤: ٦٥

1: 42	end	غَايَة (جمع: غَايَات): نهایت، پایان هر چیزی	۱: ۵۰
2:124	end, the	مَآب: محل باز گشت، کزایه از آخرت	۲: ۳
1: 55	endeavour: effort	هِمَّت (جمع: هِمَم)	۱: ۶۹
6: 9	endeavour: an earnest attempt	اهتمام: همت، کوشش	۶: ۷
2:169	endow, to	أَخْتَصَّ (يَخْتَصُّ): برجسته و ممتاز کردن	۳: ۱۱۵
1: 21	endure, to: to stand firm	ثَبَّتَ (يُثَبِّتُ): استوار شدن	۱: ۲۳
2:131	enemies	أَعْدَاء (مفرد: عَدُوّ): دشمنان	۲: ۵۳
5: 7	enemy	عَدُوّ (جمع: أَعْدَاء): دشمن	۵: ۴۶۲
2:135	enjoin, to: to order	أَمَرَ (يَأْمُرُ): فرمان دادن	۲: ۴۶
2:130	enjoin, to: to ordain	فَرَضَ (يَفْرِضُ): واجب گردانیدن	۲: ۵۳
1: 18	enlightenment	سَنَاء: روشنی	۱: ۱۹
4: 12	enmity	ضَغِينَة (جمع: ضَغَائِن): کینه، حقد	۴: ۹
5: 14	enmity	دُشْمَنِي	۵: ۴۷۰
2:184	ensign	رَايَة (جمع: رَايَات): پرچم، عَلَم	۳: ۱۳۹
3:215	ensigns	أَعْلَام (مفرد: عَلَم): پرچم ها	۲: ۵۶
2:138	entrance	فَنَاء: آستانه، پیشگاه، ساحت	۲: ۶۵
2:126	entreat, to: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): طلب کردن	۲: ۴
3:215	envelop, to	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	۲: ۵۵
5: 18	envious ones	حُسَاد (مفرد: حَاسِد): حسودان	۵: ۴۷۴
1: 25	envy	حَسَد	۱: ۲۷
4: 13	equity	انصاف	۴: ۱۰
6: 8	error	ضَلَالَة: خطا، گمراهی	۶: ۷
4:135	error	ضَلال: گمراهی، اشتباه	۴: ۹۹
2:130	error: falsehood	باطل	۲: ۵۲
4: 54	eschew, to: to avoid	اجْتَنَبَ (يَجْتَنِبُ): دوری جستن	۴: ۴۱
2:180	essence	هُوِيَّة: ذات، هستی و وجود	۲: ۱۳
4: 37	essence	گینونت: سرشت، هستی	۴: ۲۹
1: 28	essence	جَوَاهِر (جمع: جَوَاهِر): اصل چیزی	۱: ۳۰
6: 98	Essence, the unknowable	غَيب هُوِيَّة	۶: ۷۹
6: 82	Essences of Detachment, the	جَوَاهِر مُجَرَّدَة	۶: ۶۹

<< E >>

4: 28	ear	أُذُن (جمع: آذان): گوش	۴: ۲۲
1: 43	ears	آذان (مفرد: أُذُن): گوش ها	۱: ۵۲
2:125	earth	ثَرَى: زمین، خاک	۲: ۴
1: 25	earth	أَرْض: کره زمین	۱: ۲۶
6: 3	earthly, all that is	شُئُونَات عَرَضِيَّة	۶: ۲
4:132	earthquakes	زَلَزَل (مفرد: زَلَزَلَة): زمین لرزه ها	۴: ۹۷
4: 8	ease	يُسْر: آسانی، راحتی	۴: ۶
4: 29	eclipsed, to be	كَسَفَ (يَكْسِفُ): تیره شدن، گرفته شدن	۴: ۲۳
5: 4	ecstasy, wrapt in holy	رَقَصْ كُفَّان	۵: ۴۵۷
4: 31	edict: decree	حُكْم (جمع: أَحْكَام): فرمان	۴: ۲۴
4: 61	edifices	أَبْنِيَّة (مفرد: بِنَاء): ساختمانها	۴: ۴۵
6: 86	efface, to: to wipe out	مَحَوْ نَمُودن	۶: ۷۲
4: 41	effacement	نیستی	۴: ۳۱
5: 22	efforts	مَسَاعِي (مفرد: مَسْعَى): کوشش ها	۵: ۴۷۹
4: 18	effulgences	اِشْرَاقَات	۴: ۱۴
2:133	effulgent, most	أَبْهَى: روشن تر (ین)	۲: ۴۵
4: 18	effusions	فُيُوضَات	۴: ۱۴
4: 87	eloquent, most	أَفْصَح (مؤنث: فُصْحَى): فصیح تر (ین)	۴: ۶۴
4: 1	embellish, to: to adorn	زَيَّنَ (يُزَيِّنُ): زینت دادن	۴: ۲
3:215	emblems: signs	آيَات (مفرد: آيَة): نشانه ها	۲: ۵۵
6:220	Embodiments of divine Revelation, the	مَظَاهِرْ أَمْر	۶: ۱۸۶
2:124	embolden, to	شَجَعَ (يُشَجِّعُ): جرات دادن، جسور کردن	۲: ۳
2:169	embrace, to	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	۳: ۱۱۵
4: 59	eminence: greatness	بُزْرُكِي	۴: ۴۴
6: 87	emoluments, worldly	زَخَارِفْ دُنْيَا: مال و ثروت دنیا	۶: ۷۴
2:175	enable, to	وَقَّقَ (يُوقِّقُ): موفق کردن	۲: ۱۰
3:214	enchanter: one who attracts	جَدَّاب	۲: ۵۵
2:121	encompass, to: to surround	أَحَاطَ (يُحِيطُ): احاطه کردن	۲: ۲

1: 31	dove	حَمَامَه (جمع: حَمَامَات): کبوتر	۱: ۳۶
2:159	downtrodden	مَمْلُوك (جمع: مَمَالِيك): بنده	۲: ۲۰
2:177	draw nigh, to	تَقَرَّبَ (يَتَقَرَّبُ): نزدیک شدن	۲: ۱۱
2:135	draw, to	جَذَبَ (يَجْذِبُ): بسوی خود کشیدن	۲: ۴۶
2:138	drink, to make someone	سَقَى (يَسْقِي): آب خوراندن	۲: ۶۵
5: 9	drinking	تَجَرُّع: جرعه جرعه آشامیدن	۵: ۴۶۴
6: 83	dross: worthless matter	غَش: ناخالصی، فساد	۶: ۷۰
3:216	drunkenness	سُكْر: مستی	۲: ۵۶
4: 3	dumb	كَلِيل: عاجز، ناتوان	۴: ۴
4: 46	dust	غَبْرَة: گرد و خاک، غبار	۴: ۳۵
1: 24	dust	تُرَاب (جمع: أترِبَه): خاک، زمین	۱: ۲۵
2:138	dust	غُبَار	۲: ۶۶
1: 37	dust	رَمَاد (جمع: أرمِده): خاکستر، خاک	۱: ۴۴
2:184	dust, to be stained with	اغْبَرَّ (يَغْبِرُّ): خاکی بودن	۳: ۱۳۹
4: 5	dwellers	سَكَّان (مفرد: ساكِن): ساکنین	۴: ۵
1: 32	dwellers in the pavilion of glory, the	أهل سُرَادِقِ أبهى	۱: ۳۶
5: 5	dwellers in the Pavilion of the Abha Kingdom, the	اهل سُرَادِقِ ملكوت أبهى	۵: ۴۵۹

2:130	distinguish, to: to separate	فَصَلَ (يَفْصِلُ): جدا کردن	۲: ۵۲
4: 2	distinguished	جَلِيل (جمع: أَجْلَاء): بزرگوار	۴: ۳
2:131	distress: pain, trouble	مُكْرَبَة (جمع: مُكْرَب): مشقت، مصیبت	۲: ۵۳
4: 93	distressed: troubled	مُكْرَب: مضطرب، محزون	۴: ۶۹
1: 29	divine	أَحَدِيَّة: الهی	۱: ۳
6:182	divines	عُلَمَاء (مفرد: عَالِم، عَلِيم)	۶: ۱۵۲
4: 59	divines, distinguished	عُلَمَاءِ أَعْلَام	۴: ۴۴
6: 86	divines, Muslim	عُلَمَاءِ قُرْقَان	۶: ۷۳
2:182	Divinity	أَلُوْهِيَّة	۲: ۱۴
5: 13	division	انْشِقَاق: شکافته شدن	۵: ۴۶۸
2:133	divulged, to be	بَرَزَ (يَبْرُزُ): ظاهر شدن	۲: ۴۵
6:182	doctors	فُقَهَاء (مفرد: فَقِيه)	۶: ۱۵۲
1: 52	dogs	كِلَاب (مفرد: كَلْب): سگها	۱: ۶۵
2:121	doings	أَعْمَال (مفرد: عَمَل)	۲: ۲
5: 24	doings, foolish	هَذَيَان	۵: ۴۸۲
1: 43	dominion: government	دَوْلَت (جمع: دَوْل): حکومت	۱: ۵۲
2:133	dominion: power	اِقْتِدَار	۲: ۴۵
1: 37	dominion: sovereignty	مَلِك: عظمت و سُلطه پادشاهی	۱: ۴۳
1: 25	dominion: governed territory	جَبْرُوت: عالم قُدْرَت الهی	۱: ۲۷
2:124	door	بَاب (جمع: أَبْوَاب): در، دروازه	۲: ۳
4: 55	double	ضِعْف (جمع: أَضْعَاف): دو چندان، دو برابر	۴: ۴۱
1: 26	doubt	وَهْم (جمع: أَوْهَام): گمان، خیال باطل	۱: ۲۸
4:134	doubt	مُرِيَّة: شک	۴: ۹۹
2: 55	doubt	رَيْب: شک و تردید	۲: ۶۱
5: 7	doubt, the people of	أَهْل اِرْتِيَاب	۵: ۴۶۱
2:131	doubt, those who	مُمْتَرِن: شک کنندگان	۲: ۵۳
5: 5	doubt, to sow the seeds of	الْقَاي شُبُهَات نمودن	۵: ۴۵۹
4: 99	doubter	مُرْتَاب: شگاک	۴: ۷۳
6:200	doubts, soul-devouring	ظُنُونَات مُجْتَنِّه	۶: ۱۶۷
1: 27	dove	وَرَقَاء: کبوتر	۱: ۲۹

5: 22	crooked	مَعْوَج	۵: ۴۷۹
4: 13	crown	اَكْلِيل: تاج	۴: ۱۰
4: 85	crucify, to	صَلَبَ (يَصْلِبُ): به صلیب آویختن	۴: ۶۲
5: 17	cruelty, unbearable	ظَلَمٌ لَا يُطَاقُ: ظلم طاقت فرسا	۵: ۴۷۳
6:190	cruelty, unyielding	جَفَا	۶: ۱۵۸
4:134	crushed, to be	انْدَغَ (يَنْدَغُ): فرو ریختن	۴: ۹۸
6:133	cry out for help, to	اِسْتَعَاثَه نَمُودن: فریادرس خواستن	۶: ۱۱۱
6: 10	cry, great	صَیْحَه: فریاد شدید	۶: ۸
1: 36	cupbearer	سَاقِي	۱: ۴۲
4: 17	curse, to	سَبَّ (يَسُبُّ): دشنام دادن	۴: ۱۳
5: 9	cut off: separated	مُنْقَصِل: جدا	۵: ۴۶۵

1: 40	counsels	نصائح (مفرد: نصيحت)	۱: ۴۷
4: 22	counsels	موعظ (مفرد: موعظة): پندها و اندرزها	۴: ۱۷
2:118	countenance: face, visage	وجه (جمع: وجوه): روی، چهره	۲: ۶
3:214	countenance	لقاء: دیدار	۲: ۵۵
6:104	Countenances, the beautiful	طلعات بدیعہ	۶: ۸۴
1: 42	countless	لا نحصى: بیشمار	۱: ۵۱
4: 32	courage	جرات	۴: ۲۵
1: 26	court: open space, arena	ساحت: پیشگاه	۱: ۲۷
1: 26	court of the Most High, the	ساحت لولاک	۱: ۲۷
4: 50	courtesy	آداب (جمع: آداب)	۴: ۳۸
3:219	covenant	میثاق: عهد و پیمان	۲: ۵۷
1: 3	covenant	عهد (جمع: عهود): پیمان، سوگند	۱: ۱
5: 6	Covenant, the Center of the	مرکز پیمان	۵: ۴۶۱
5: 6	Covenant, the Center of the	محور میثاق	۵: ۴۶۱
5: 5	Covenant!, O ye that stand fast and firm in the	ای ثابتان بر پیمان	۵: ۴۵۹
5: 9	Covenant-breaker	ناکث: عهد شکن	۵: ۴۶۴
5: 20	Covenant-breaker	ناقض: شکننده عهد و پیمان	۵: ۴۷۷
1: 41	covetous: greedy	حریص	۱: ۵۰
1: 41	covetousness: greed	حیرص	۱: ۵۰
4:133	cradle	مهاده (جمع: مهد، آمهده): گهواره	۴: ۹۸
2:117	create, to	خلق (يَخْلُقُ): ایجاد کردن، خلق کردن	۲: ۸
2:134	created things, all	ممكنات (ضد: محالات): مخلوقات	۲: ۴۶
3:217	creation	امکان: خلقت	۲: ۵۶
2:158	creation	انشاء: خلقت، آفرینش	۲: ۲۰
2:135	creation	ابداع: جهان آفرینش	۲: ۴۶
2:124	creator	فاطر: آفریدگار	۲: ۳
2:124	creature, wretched	مسکین (جمع: مساکین): فقیر	۲: ۳
4:132	crier	مُنَاد (مُنَادِي): ندا کننده	۴: ۹۷
4: 32	crimson: deep red	حَمراء: سرخ	۴: ۲۵
6:189	croaking	نعیب: بانگ کلاغ و زاغ	۶: ۱۵۸

<< C >>

5: 17	calamities	مَصَائِب (مفرد: مُصِيبَت): سختی ها	۵: ۴۷۲
4:176	calamities	دَوَاهِي (مفرد: دَاهِيَةٌ): بلایا	۴: ۱۳۱
3:215	calamity	بَلِيَّة (جمع: بَلِيَّات): مصیبت	۲: ۵۵
1: 46	calamity	بَلَاء (جمع: بَلَايَا)	۱: ۵۶
2:124	call	نداء	۲: ۳
1: 23	call	سُرُوش	۱: ۲۴
2:176	call, to: to name	سَمَى (يُسَمَى): نامیدن	۲: ۱۱
1: 54	calling: occupation	اِقْتِرَاف: کسب و کار	۱: ۶۸
5: 8	calm and quietness	سَكُون و قَرَار	۵: ۴۶۳
4: 37	calumniators	مُفْتَرِينَ: تهمت زندگان	۴: ۲۹
4: 9	calumnies	مُفْتَرِيَّات	۴: ۷
2:167	cancel, to	كَفَّرَ (يُكْفِّرُ): بخشودن گناه، پوشاندن	۳: ۱۳۰
2:122	canopies	قِيَاب (مفرد: قُبَّة): گنبدها	۲: ۲
2:163	canopy	فُسْطَاط: خیمه، سراپرده	۳: ۱۲۴
2:137	captive	أَسِير (جمع: أَسْرَاء)	۲: ۶۵
5: 9	care: protection	كِلَآئَةٌ: محافظت	۵: ۴۶۵
5: 18	care: worry	كُرْبِيَّة (جمع: كُرَب): اندوه، ناراحتی	۵: ۴۷۴
5: 4	care, tender	نَوَازِش	۵: ۴۵۸
4: 3	cast away, to	نَبَذَ (يَنْبِذُ): افکندن، دور انداختن	۴: ۴
2:177	cast away, to	طَرَدَ (يَطْرُدُ): راندن و دور کردن	۲: ۱۱
6: 46	cast, to	قَذَفَ (يَقْدِفُ): پرتاب کردن	۶: ۳۹
4:132	Catastrophe, the	طَامَّة: قیامت، بلای سخت	۴: ۹۷
2:119	cause: an objective or movement	أمر	۲: ۷
5: 7	Cause of God, the	أمر الله	۵: ۴۶۱
2:126	cause, to: to bring about	جَعَلَ (يَجْعَلُ): ساختن	۲: ۵
4: 9	cavil: objection	اِعْتِرَاض	۴: ۷
2:162	cavil at, to: to object	جَادَلَ (يُجَادِلُ): مخالفت کردن	۳: ۱۲۳
1: 28	celestial: divine	رَحْمَانِي	۱: ۳۰

4: 11

by my life!

لَعْمَرَى: قَسْمٌ بِجَانِ خُود

٩: ٤

2:134	being, to call into	بَدَأَ (يَبْدَأُ): آفریدن	۲: ۴۵
2:130	believe in, to	آمَنَ (يُؤْمِنُ): ایمان داشتن	۲: ۵۳
4: 46	bell	ناقوس (جمع: نواقیس): زنگ کلیسا	۴: ۳۵
4: 46	bells	نواقیس (مفرد: ناقوس): زنگ ها	۴: ۳۵
2:121	beloved	مَحْبُوب	۲: ۱
1: 25	beloved	جانان	۱: ۲۶
1: 24	beloved	مَعشوق	۱: ۲۶
5: 4	beloved of the Lord!, O ye	ای أَحِبَّایِ الهی	۵: ۴۵۷
5: 11	Beloved One of God, the	دَلِیْبِر رَحْمَانِی	۵: ۴۶۶
1: 31	Beloved, the	دوست	۱: ۳۵
4: 1	benediction: a blessing	صَلَات (جمع: صَلَوَات): رحمت خدا	۴: ۲
5: 3	beneficent: generous	سَمْحَاء (مذکر: أَسْمَح): صاحب کرم	۵: ۴۵۶
2:177	beneficent: generous	مَتَّان: بخشنده	۲: ۱۱
2:127	benevolence: an inclination to do good	حُسْنِ عَمَل	۲: ۵
5: 22	benevolent: charitable	خَیْرِیَّه	۵: ۴۷۹
1: 24	bereft of: deprived of	مَحْرُوم	۱: ۲۵
2:120	beseech, to: to beg	سَأَلَ (يَسْأَلُ): التماس کردن	۲: ۱
5: 17	beset, to: to surround	أَحْدَقَ (يُحْدِقُ): احاطه کردن	۵: ۴۷۲
6: 10	besiege, to: to surround, close in on	احاطه نمودن	۶: ۹
5: 18	bestir oneself, to	شَمَّرَ (يُشَمِّرُ): همت گماشتن	۵: ۴۷۵
1: 17	bestow, to: to give	أَنْفَقَ (يُنْفِقُ): بخشیدن مال	۱: ۱۸
1: 34	bestowal	بَخْشِش	۱: ۳۹
3:218	bestowal	جود: کرم، بخشش	۲: ۵۷
3:214	bestowal	کَرَم	۲: ۵۵
4: 36	betterment	اصلاح	۴: ۲۸
4: 84	betwixt: between	بَيْن	۴: ۶۲
1: 32	bewail, to: to lament, wail	نَوَّحَه نمودن	۱: ۳۶
2:173	bid, to: to command	فَرَضَ (يَفْرِضُ): واجب گردانیدن	۲: ۹
2:123	bidding: command, request	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۲
1: 24	bird	طَیْر (جمع: طُيُور، أَطْيَار): پرنده	۱: ۲۴

<< B >>

2:126	back: rear	ظَهْر (جمع: ظُهُور، أَظْهَر): پشت	۲: ۵
4:128	balance	قِسْطَاس (جمع: قَسَاطِيس): میزان، آلت سنجش	۴: ۹۴
5: 4	banished, to be	سُرْغُونِ گَرْدِيدِن	۵: ۴۵۸
2:131	banishment	عُرْبَت	۲: ۵۳
3:217	banners	رَايَات (مفرد: رَايَة): پرچم ها، علم ها	۲: ۵۷
4:158	baptize, to	عَمَدَ (يَعْمِدُ): غسل تعمید دادن	۴: ۱۱۷
3:215	barking	نَبَاح: پارس سگ	۲: ۵۵
6:188	base	مَخِيف: پست، بی مقدار	۶: ۱۵۷
6: 50	Bathá (Mecca)	بَطْحَاء: مکه	۶: ۴۱
5: 8	be it favorable or unfavorable	إِمَّا لِي وَاِمَّا عَلَيَّ	۵: ۴۶۳
4: 73	bearer (of a tablet)	حَامِل: حمل کننده	۴: ۵۴
1: 40	beasts of the field	بِهَائِم (مفرد: بَهِيمَة): چهارپایان	۱: ۴۷
1: 26	beauty	جَمَال: زیبایی، حسن صورت	۱: ۲۸
5: 5	Beauty, the Ancient	جَمَالِ قَدَم	۵: ۴۶۰
5: 7	Beauty, the Blessed	جَمَالِ مُبَارَك	۵: ۴۶۱
6:117	beetle, abject	جُعَل (جمع: جِعْلَان): حشره سیاه	۶: ۹۷
2:134	before: just in front of	تَلْقَاء: روبرو، مقابل	۲: ۴۶
2:123	beg, to	سَأَلَ (يَسْأَلُ): گدائی کردن	۲: ۳
2:184	begetter: creator	مَوْجِد: بوجود آورنده	۳: ۱۴۰
2:124	beginning	مَبْدَأ (جمع: مَبَادِي): آغاز، اصل، سرچشمه	۲: ۳
5: 17	beguile, to: to deceive	خَدَعَ (يَخْدَعُ): فریب دادن	۵: ۴۷۳
2:123	behest: order	حُكْم (جمع: أَحْكَام): فرمان	۲: ۲
2:175	behest: command	أَمْر (جمع: أَوَامِر): فرمان، حکم	۲: ۱۰
1: 50	behind	خَلْف: عقب، پس، پشت سر، دنبال	۱: ۶۲
2:172	behold, to: to see	رَأَى (يَرَى): دیدن	۳: ۱۱۹
4: 35	being, inmost	كَيْنُونَت: باطن، حقیقت	۴: ۲۷
6: 98	Being, the divine	ذَاتِ أَحَدِيَّة	۶: ۷۹
6: 99	Being, the unchangeable	ذَاتِ أَزَلِيَّة	۶: ۸۰

4: 17	afflictions	رَزَايَا (مفرد: رَزِيَّة): سختی ها، مصائب	۴: ۱۳
1: 42	afflictions: calamities	بَلَايَا (مفرد: بَلَاء)	۱: ۵۱
4: 30	affluence: an abundance of riches	ثَرَوَات	۴: ۲۳
6: 53	affluence: wealth	غَنَاء	۶: ۴۴
3:220	aflame, to be set	اشْتَعَلَ (يَشْتَعِلُ): مشتعل بوان	۲: ۵۸
6: 7	age: period	عَصْر (جمع: أَعْصَار، عُصُور): زمان	۶: ۵
2:136	aggressor	مُعْتَد: ستمکار	۲: ۴۷
5: 13	aggressor	مُتَعَدِي: تجاوزکار، مهاجم	۵: ۴۶۹
6:157	agitation	اضطراب	۶: ۱۳۱
2:126	aid, to	أَيَّدَ (يُؤَيِّدُ): پشتیبانی کردن	۲: ۵
2:182	aid, to	وَقَّقَ (يُوقِّقُ): موفق کردن	۲: ۱۳
4: 69	aim	هَمَّ (جمع: هُمُوم): قصد و اراده	۴: ۵۱
5: 7	alarm	دَهْشَت: حیرت، سراسیمگی	۵: ۴۶۱
5: 8	alas	چه فائده: افسوس	۵: ۴۶۳
3:220	all	طَرَأَ: همه، تمام، جمعاً	۲: ۵۸
6: 28	allusions	تَلْوِيحَات (مفرد: تَلْوِيح): اشارات	۶: ۲۴
6:171	allusions, holy	اشارات قُدْسِيَّة	۶: ۱۴۴
2:118	almighty	مُقْتَدِر: توانا	۲: ۶
2:123	almighty	عَزِيز: قادر	۲: ۳
3:219	aloneness	وَحْدَت: تنهائی، یکتائی	۲: ۵۸
6: 99	Ancient of Days, the	ذات اَزَل	۶: ۸۰
3:214	ancient, most	أَقْدَم: قدیم تر (بین)	۲: ۵۵
4: 9	angel	مَلَك (جمع: مَلَائِكَة): فرشته	۴: ۸
3:215	anguish	هَمَّ (جمع: هُمُوم): حزن و اندوه	۲: ۵۶
4:143	announcement	نَبَأ (جمع: أَنْبَاء): خبر	۴: ۱۰۶
2:180	announcer	مُبَشِّر: بشارت دهنده، لقب حضرت اعلیٰ	۲: ۱۳
6:238	annulment: abolishment	نَسَخ: باطل کردن	۶: ۲۰۱
4: 57	answer, to	أَجَابَ (يُجِيبُ): پاسخ دادن	۴: ۴۲
3:214	answerer	مُجِيب: اجابت کننده، پاسخ دهنده	۲: ۵۵
4: 56	ant	نَمَلَة (جمع: نِمَال): مورچه	۴: ۴۲

1: 10	accursed	مَلْعُون: لعن و نفرین شده	۱: ۹
5: 7	accusation, false	بُهْتَان: افتراء، تهمت بی روا	۵: ۴۶۱
2:128	acknowledge, to	اعْتَرَفَ (يَعْتَرِفُ): تصدیق کردن	۲: ۶
2:175	acknowledgement	تَصَدِيق	۲: ۱۰
6:146	acme: highest point, summit	غَايَت قُصْوَى: منتهی درجه	۶: ۱۲۲
5: 7	acquiesce, to: to agree quietly	تَصَدِيق کردن	۵: ۴۶۲
6: 87	acquisition	اسْتِجْلَاب: جلب نمودن	۶: ۷۴
4: 26	acquisition	تَحْصِيل	۴: ۲۰
5: 11	action, men of	عَامِلُون	۵: ۴۶۶
6: 9	adjuration: an earnest appeal	دَعْوَت	۶: ۷
4: 93	admonisher	نَاصِح (جمع: نُصَاح): نصیحت کننده	۴: ۶۸
1: 48	Adored One	مَعْبُود: پرستش شده	۱: ۵۹
2:168	adorn, to	طَرَّرَ (يُطَرِّرُ): زینت دادن	۳: ۱۱۵
1: 28	adorned	زِينَت یافته	۱: ۳۱
1: 41	adorned, to be	تَزَيَّنَ (يَتَزَيَّنُ): زینت یافتن	۱: ۵۰
3:219	adornment	طَرَاز: زینت، زیور	۲: ۵۸
4: 45	Adrianople	أَدِرْنَه	۴: ۳۴
6: 84	adultery	زِنَاء	۶: ۷۱
4:135	advancement	سُمُو: بلندی و بزرگی مقام	۴: ۹۹
2:182	adversaries: opponents	أَعْدَاء (مفرد: عَدُو): دشمنان	۲: ۱۴
5: 17	adversity: trouble	سَاق (جمع: سُوق، سِيقَان): سختی و شدت	۵: ۴۷۳
2:135	adversity: calamity	بَلَاء (جمع: بَلَايَا)	۲: ۴۶
1: 24	affection	حُب	۱: ۲۵
6: 91	affectionate: tender and loving	مُحِب: دوست دار	۶: ۷۷
5: 14	affections	عَوَاطِف (مفرد: عَاطِفَة)	۵: ۴۷۰
5: 17	afflicted: in pain and distress	مُضْطَّهَد: مصیبت کشیده	۵: ۴۷۳
2:132	affliction: calamity	كُرْب (جمع: كُرُوب): مصیبت، رنج	۲: ۵۴
2:132	affliction: distress	شِدَّة (جمع: شِدَائِد): سختی	۲: ۵۴
4: 8	affliction: suffering	قَبْض: گرفتگی، غم و اندوه	۴: ۶
2:131	affliction: pain, suffering	حُزْن (جمع: أَحْزَان): اندوه	۲: ۵۳

ENGLISH TO PERSIAN/ARABIC

انگلیسی به فارسی

LIST OF CONSULTED DICTIONARIES

An Arabic Persian Dictionary of Selected Words. Dr. Riaz K. Ghadimi. Toronto, Canada: University of Toronto Press, 1986.

Shish Hizár Lughat (Six Thousand Words). Dr. Riaz K. Ghadimi and Ehsanullah Himmat. Tehran, Iran: Bahá'í Publishing Trust, 131 B.E.

The Hans-Wehr Dictionary of Modern Written Arabic. Edited by J. Milton Cowan. Ithaca, New York: Spoken Languages Services, Inc., 1976.

Webster's New World Dictionary. Edited by David B. Guralnik. William Collins + World Publishing Co., Inc., 1974.

LIST OF ENGLISH SOURCES

The English translations of the Persian/Arabic words and phrases in this *Collection of Selected Words* have been found in the Bahá'í books listed below. The name of each book follows its reference number. In cases where only portions of a book are used, the names of the Tablets or Prayers and their page numbers are listed.

1. *The Hidden Words of Bahá'u'lláh*. Translated by Shoghi Effendi. London: National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Great Britain and Northern Ireland, 1929.
2. *Bahá'í Prayers*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1975.
 - Evening Prayer, p. 27.
 - Evening Prayer, p. 28.
 - Morning Prayer, p. 53.
 - Morning Prayer, pp. 53 - 54.
 - Morning Prayer, pp. 54 - 55.
 - Short Obligatory Prayer, p. 117.
 - Ablutions, pp. 117 - 118.
 - Medium Obligatory Prayer, pp. 118 - 120.
 - Long Obligatory Prayer, pp. 120 - 128.
 - Tablet of Ahmad from the Arabic, pp. 129 - 132.
 - Tablet of Visitation of Bahá'u'lláh, pp. 133 - 136.
 - Tablet of Visitation of 'Abdu'l-Bahá, pp. 137 - 138.
 - Prayer for the Intercalary Days, pp. 158 - 159.
 - Prayer for the Fast, pp. 160 - 167.
 - Prayer for the Fast, pp. 168 - 173.
 - Prayer for the Fast, pp. 173 - 182.
 - Tablet of Naw-Rúz, pp. 183 - 185.
3. *Bahá'í Prayers*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1982.
 - Fire Tablet, pp. 214 - 220.
4. *Epistle to the Son of the Wolf*. Revealed by Bahá'u'lláh. Translated by Shoghi Effendi. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, Revised Edition, Sixth Printing, 1979.
5. *Will and Testament of 'Abdu'l-Bahá*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1971.
6. *The Kitáb-i-Iqán (The Book of Certitude)*. Revealed by Bahá'u'lláh. Translated by Shoghi Effendi. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1974.

4. As shown in the example below, the Arabic verbs have been cited in the third-person, masculine, singular, perfect tense; the imperfect form of the verb has been given in parentheses. The English and Persian verbs have been written in the infinitive form.

4:38 smile, to

٤:٢٩ اِبْتَسَمَ (يَبْتَسِمُ): لبخند زدن

5. The plural or singular forms of the Arabic nouns, and in some instances their antonyms or their feminine or masculine forms, have been given in parentheses.
6. The original word or phrase and its English translation are both given in the same grammatical form. For example, both are written as nouns, verbs, etc.
7. In some instances in the English to Persian section, to keep an English phrase with other related entries, the second part of the phrase is written first, followed by a comma, followed by the first part of the phrase. For example, the phrase 'the Center of the Covenant' has been written as 'Covenant, the Center of the'. However, phrases that already contain a comma have been put in double quotes (") and must be read as written. This is shown in the example below:

5: 20 "nay, by the righteousness of the Lord!"

٤٧٨: ه لا وَاَلله

ACKNOWLEDGEMENTS

There are many individuals whose encouragement and assistance made this compilation possible. In the early stages Dr. Jalil Mahmoudi, Dr. Vahid Ra'fati, Mr. Farhad Holakouee and my family gave a great deal of encouragement to this project and provided valuable suggestions. The advice and expertise of Dr. Manuchehr Derakhshani were instrumental in the publishing of this compilation. Dr. Cyrus Towfiq reviewed the draft of the compilation and made many invaluable suggestions. I am also grateful to Mr. Ziaullah Erfanian for his Persian calligraphy on the cover. And finally, I would like to thank my wife Sara for her assistance and loving encouragement.

Hamed Eshraghian
Lexington, Massachusetts
146 B.E. / 1989 A.D.

INTRODUCTION

This *Collection of Selected Words* contains more than 2,200 significant and commonly used Persian/Arabic words and phrases, with their corresponding English translation, that appear in the Bahá'í Writings. The English translation of the Persian/Arabic word or phrase has been found by matching the words in the original Persian/Arabic text with the same word or phrase in the published English translation of that same text. This method differs from consulting Persian to English or Arabic to English dictionaries to find the English equivalent of a Persian or Arabic word, taking advantage of the translator's research and insight in selecting the most appropriate translation for a particular context and meaning. In cases where the selected work has been translated by Shoghi Effendi, this method also enables us to follow the standard set by the beloved Guardian in his translations of those works. Furthermore, this method enables one to find the translation of complete phrases not normally found in dictionaries; therefore, every attempt has been made to include such phrases and special terms in this collection. Although a relatively small number of texts has been used in preparing this collection, it is hoped that it will be useful in the general study of the Writings in both Persian/Arabic and English.

This *Collection of Selected Words* contains two sections. One section lists the original Persian/Arabic words in alphabetical order and provides the English translation. The other section lists the English translations in alphabetical order and provides the original Persian/Arabic words or phrases.

Please note the following:

1. The source of each word or phrase has been provided in the form of two numbers separated by a colon. The first number identifies the book and the second refers to the page on which the word or phrase appears. In the following example, the word "detachment" appears on page 216 of the English source No. 3, and the word انقطاع appears on page 56 of the Persian source No. 2.

3:216 detachment

انقطاع ٢:٥٦

The list of English sources used in preparing this collection, along with their reference numbers, follows this Introduction.

2. Some of the Persian meanings of the majority of the Arabic words have been given here and some synonyms have been given for English words. The list of dictionaries used in preparing this collection follows this Introduction.
3. The Arabic words are voweled to aid correct pronunciation.

177

A Collection of Selected Words
from the
Bahá'í Writings
in
Persian, Arabic and English

Compiled by
Hamed Eshraghian

Copyright © 2000 A.D., 157 B.E.

ISBN 1-896193-34-X

Association for Bahá'í Studies in Persian

P.O. Box 65600, Dundas, Ontario, L9H 6Y6 Canada

Telephone: (905) 628 3040 Fax: (905) 628 3276 Email: pibs@sprint.ca